



بپا ای رنجدیده زن
بزدا غبار قرنها ستم

بیا ای رنجدیده زن

بردا غبار فرنها سنم

انقلاب خلی (۲)

توفنده نهروی زمینگان

مرد وزن رنجبر (۲)

تا خلق آرد قدرت به کف

این انقلاب را مصوی کند

در دولت خلق است (۲)

کانجا کشته خلی بیا

جبش خلق را رهبری کند

زنجیر استعمار

زنجیر استمار

بردا غبار فرنها سنم

مرگز نس تا بد (۲)

که بس تو هرگز نمر نگیرد

کند از بن ریسم شه

برافراز در فرش انقلاب

نا سرگون گردد ارجاع

باید زنان هم استوار

که بس شک آزادی زنان

هرجا به هرگوشه جهان

همد و شک یکد هر مرد وزن

بیا ای آزاده زن گسل

بیا ای رنجدیده زن گسل

بیا ای رنجدیده زن

که بس تو خوشید انقلاب

قدمه

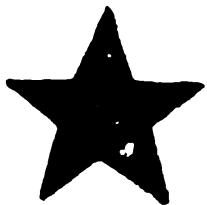
نظر به اهمیت تعمیق آگاهی نود همین دانشجو در رابط با مسئله "استمارزن" و در بزرگ اشت روز بین المللی زنان در بیرخانه فرهنگی کنفراسیون جهانی اقدام به انتشار نامه پارسی و سره ۸ مارس می نماید ۸ مارس روز مبستگی با مبارزات زنان جهان در مبارزه علیه استمار و امپریالیسم میباشد.

در هشتم مارچ ۱۹۰۸ هزاران تن از زنان کارگر صنایع نساجی و لباس دوزی امریکا در شهر نیویورک به تظاهرات برد اختر و خواستار بایان بخشیدند به تبعیضات موجود در عرصه کار اجتماعی و نیز بایان بخشیدند به استفاده از کار کودکان گردیدند و در عین حال خواهان حق رای گردیدند.

دو سال پس از آن بمناسبة تجلیل از این مبارزات زنان این روز بعنوان روز مبستگی بین المللی زنان خوانده شد. واژ این زمان بزرگ اشت این روز تاریخی هماره درست تحریر کار نهروهای مترقی و انقلابی جهان قوارگرفته است. و معندا منه شرکت زنان در جنبش های انقلابی جهان و بیکار حمام آنان علیه کلیه وجه استمار ناشی از حاکمیت ستم و بیداد نظام طبقاتی، بدون شک بسیاری از سدهای موجود در راه برابری حقوق زنان و مردان را در هم شکسته است.

بیکار حمام زنان بیش از انقلابی در میهن مانع دار بارز توان شکر فرنی است که به آگاهی دست یافته و ضرورت بارزه علیه ستم طبقاتی را در میباید. مبارزات زنان رزم آور و قهرمان هند و چین در بیکار علیه امپریالیزم امریکا و عطال بومی وابسته به آن شرکت زنان در مبارزات خاصه ای آسیا، افریقا و امریکای لاتین دو شرید و ش مردان، نظریانگر اراده انسان نوین عصر ماست که از آگاهی دوران ساز تاریخی نصیب برده است. مقاله حاضر ارفعالیت های کمیته تحقیق درباره مسئله "استمارزن" سازمان دانشجویان ایرانی در واشنگتن بال تیمور میباشد که در احتیمار د بیرخانه فرهنگی کنفراسیون جهانی انتشار قرار گرفته است.

د بیرخانه فرهنگی کنفراسیون جهانی



نَحْنُ مِنْ بَرِّ الْأَرْضِ وَنَحْنُ أَنْتَ مِنْ بَرِّ الْأَرْضِ
وَنَحْنُ أَنْتَ مِنْ بَرِّ الْأَرْضِ وَنَحْنُ أَنْتَ مِنْ بَرِّ الْأَرْضِ

لقدكم جلسه زهر سعاد جوزه سروح بغير سده
دلار خفن سنبهه شیرهه خته لاف.

لکه دلار مقدارست مینماید فندر لکسوس دایمی هست بدل نمی خواهد.
۸-

لَهُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُنْهَا
وَهُمْ بِآيَاتِنَا لَا يَكْفُرُونَ

در لایحه تضمین پیش ناطره سوداگری هفت رفیق مادری
دکانهای همکاری خود بروزی داشتند و آنقدر بزرگ شدند تا زنگنه

فهرست

۱	پیشگفتار
۱۱	فصل اول بررسی تاریخی استئمار زن
۲۲	فصل دوم بخش اول - نگاهی اجمالی به زن در تاریخ ایران
۲۲	بخش دوم - شیوه‌نیزم و استئمار زنان در عرصه تولید اجتماعی در ایران
۳۱	زنان کارگر
۴۲	زنان روستا
۴۴	زنان خرد و بورزا و بورزای سواحنه
۴۷	بخش سوم - تاثیر فرهنگ حاکم و گشته‌ای از ببلورات شیوه‌نیزم
۶۲	بخش چهارم - زنان در قانون ایران
۶۸	بخش پنجم - زنان در ادبیات ایران
۷۲	اندکس
۷۶	فصل سوم
۸۶	بخش اول - تاریخچه مختصر باریات زنان ایران
۹۸	بخش دوم - زنان در جنبش‌های انقلابی ایران (از سپاهکل تا به امروز)
۱۰۲	فصل چهارم سوسالیزم یگانه راه رهانی
	فصل پنجم نقش زنان در کشورهای سو سیالیستی و جنبش‌های رهانی بخش :
	زنان چین

١١١	زنان الباقي
١١٤	زنان كوما
١١٢	زنان وتنام
١٢٦	زنان المينا
١٢٠	زنان عمان
١٢٣	زنان شمالي
١٣٦	فهرست ملابع

پیشگوئی

رشد جنبش توفنده انقلابی میهن ما بشارتگردیدن سبید انقلاب و رهانی توده های دردمند از قهد استئمار طبقاتی است . خبرش نهین مسلحانه و انقلابی میهن پس از سه ری ساختن ۶ سال نبرد بیکر و قاطع طیه حاکمیت بیداد و استئمار اینک در آستانه ورود به مرحله توده ای شدن قرار دارد . سازمانهای پیشاہنگ انقلاب ایران با هیکار قاطعانه و رزم‌آوری حساس خود تبلیغ بالته اند که با در هم کوبیدن ارزش‌های کهن و میانی شده به ترویج فرهنگی پیش از انقلابی بدارت ورزند . فرهنگی انقلابی که بهره کسی انسان از انسان را طرد و لزوم مبارزه علیه حاکمیت استئمار را تبلیغ میکد . فرهنگی که با شناخت از پژوهیهای فرهنگی سنتی سلط بر توده، بر جنای عمل-تئوری عمل، افق دید خلق زحمتکش و رنجبر ایران را وسعت داده و با نمایاندن سیمای فردای انقلاب، توده های میهن ما، که از نشاسته و استئمار طبقاتی بجان آمد و اندرا به صفو مبارزه انقلابی بسیج می‌نماید .

امروز ضرورت بیوستن هر چه وسیعتر اشاره و طبقات مختلف به جریان توفنده انقلابی بیش از هر زمان دیگر احسان می‌شود . در این رابطه لزوم بیوند زنان که تشکیل دهنده بخشنده عضیی از مردم می‌باشند؛ دارای اهمیتی حیاتی و تعیین کننده است . نمونه های برجسته ای از بیکار زنان انقلابی مشکل در سازمانهای پیشاہنگ انقلاب کواه آن است که زن ایرانی به مرور با کشته دردناک خود بدروید می‌گوید . زن ایرانی که تا این هنگام موجودی معروف از هر گونه حقوق انسانی و اجتماعی، موجودی فراموش شده، مسخ شده و بیکانه از خود و قابلیت‌هایش بوده و در طی قرنها هر گونه ارزش و اعتباری از او مسلب گردیده و شدیدترین وجهه استئمار دوگانه طبقاتی و شوونیستی (برتری طلبی مردان) را تجربه نموده است اینکه در می‌باید که زمان آن فرا رسیده است که با یافتن شخصیت واقعی

وبکار آند اختن استعدادهای نهفته اش ریه دنیا ای پیشروترین انسان های عصر ما قدم گذاشت و با شرکت وسیع در بارزات رهایی بخن خلیق ایران به اینفای نقش اصلی و اداری وظیفه واقعی اش ببرداشت . مراد از استثمار دوگانه زن این است که زن علوه برآنکه در کسار مسدود هم طبقه اش مورد استثمار و تجاوز سرمایه ذاران و بطور کم طبقه حاکم فرار میگیرد ، مورد بهره کمی و ستم از جانب مردان چه در جامعه و چه در خانواده (پدر) برادر شوهر و فرزند پسر) نیز واقع میگردد . بینشک طرح مسئله استثمار زن و بارزه با پدیده شوونیزم در کسر محیطی که ناازد مخصوصیات محیط فعالیت سیاسی مشترک مامت صورت میگیرد . طرح مسئله اسارت زن در دو بخن :

الف : بارزه با غاید ، احساسات و اعمال شوونیستی در مردان .
ب : بارزه با تسلیم و تن دادن به ارزشیابی تبیعت شده شوونیستی (که در کوه جوامع طبقاتی حاکمند) در زنان باید صورت کیرد .

متاسفانه طرح مسئله و بحث در بارزه اسارت زن و منشاء استثمار وی و بحث درباره تجلیات بدیده شوونیزم در محیط سیاسی و بارزاتی ما (کنفراسیون) نیز اغلب به یک بحث روشنفکرانه و بازی با کلام بد ل گردیده و آنچه که کثر شهد و قابل لعن است که همانابرخورد فاطح ما به مسئله و به عمل گرفتن دانسته های نظری است . شاید قبول این واقعیت که حل فطیعی مسئله اسارت زن تا قوعیک تغییر بنیادی در جامعه نا میسر بوده و تنها جامعه بدون طبقه است که میتواند جوابگوی این مشکل باشد ، محلی برای گیری از یک برخورد بارزاتی و ایدئولوژیک در تعداد کمی کمی کمی کمی است . تابد انجا که اساساً تلاشی حتی در طرح مسئله نیز نموده و گاهی با ایسن استدلال که این مسئله در حال حاضر حل شدنی نیست ، مانع از بحث در مورد آن نیز میگردد و حتی این نکه اساسی را فراموش میگند که تغییر موقعیت زن از نقطه نظر شرکت در بارزه و تسریع حرکت جنبش انقلابی در جهت دست یافتن به جامعه ای بی طبقه ، یک

ضرورت و نیاز برم در هر جنبش انقلابی است . ما بر آنهم که نسل اس
در بارزه طبیه استثمار زن نیز همچون بارزه طبیه استثمار طبقاتی از
وظائف هر خصر آگاه بشمار می‌رود . امری که باید با درک عجیب
نظری در عمل پیاده شده و به توده‌ها انتقال یابد . باید به
درک عجیب این واقعیت دست یافته که بارزه طبیه استثمار زن از آنجا
ضرورت می‌باشد که پیشروتوین نیرو‌های خلق بخاطر ضدیت با پدیده
استثمار است که برای این امر اهمیت خاص قائل می‌گردند و نسیه
 فقط بدین لحاظ که جنبش امروز میهن به جلب و بسیج نیروی کمتری
از جمیعت نیازمند است، این امر که تنها از نیروی کوچک زنان در امر
انقلاب استفاده شود که در نهایت همان برخوردی است که بولیوازی
در هنکام انقلاب بولیوازی به طبقه کارگر می‌نماید و در مسدد
بخدمت گرفتن نیروی عظیم بولتاریا در به نعر رساندن انقلابی است
که در خدمت منافع بولیوازی قرار می‌گیرد . نظر به اینکه استثمار
زن خود بمنزله بایه استثمار طبقاتی می‌باشد، عدم درک صحیح و
علق آن و نیز عدم بارزه قاطع علیه آن حتی در جامعه‌ای که در
آن انقلاب سوسیالیستی نیز موقع یافته است، می‌تواند جامعه را از
سیر تکاملی خود در جهت دست یافتن به جامعه‌ای خالقی از
استثمار طبقات دچار انحراف سازد . چرا که با ادامه استثمار زن،
رشوهای استثمار طبقاتی در جامعه بر جای باقی خواهد ماند .

گاه چنین بنظر می‌رسد که طرح مسئله زن، تحقیق روی وضع
زندگی زنان و تشکیل کمیته‌های تحقیقی بدین منظور فقط مسویوط به
زنان بوده و رفای مرد در این رابطه دارای مسئولیتی خطیر نیستند.
اگر قبول داریم که باید صفوی انقلاب و بارزه را هر چه وسیعتر و
توده‌ای تر نمائیم و اگر می‌بذریم که فرهنگ استعماری و طبقاتی حاکم
 تمام هم‌خود را صرف این مسئله می‌کند که از زن پک کالای تجارتی و
تبليغاتی بسازد و حتی العقد و نیروی خلاقه زن را به هر زبرده
وقت و اندازی وی را صرف توجه به ظاهره مذ و زیبائی و تعریف فنون
دلبرائی برای به اصطلاح راضی ساختن مرد نماید، باید به راحتی

درک نهایم که تلاش ضد انقلاب در این زمینه بیشتر در خدمت آن است که قوای مبارزه جو را تجزیه نموده و از وحدت خلائق و رزمده زن و مرد که هر دو تحت شدید ترین ستم طبقاتی قرار دارند، جلوگیری نماید. در این صورت آبای این وظیفه فرد مرد مان و زنان نیست که بدین مسئله برخوردی قاطع و جدی ننمایم؟ و در صدد مبارزه علیه تبلیغات فرهنگ استعماری و طبقاتی حاکم برآئیم.

حداقل در این زمان باید از ریشه به تغییر ارزش‌های سنتی برداخت و به زن شخصیتی داد که شایسته اوست.

ارزشها و تعاریف در مرضه یک مبارزه انقلابی-طبقاتی است که تغییر می‌باشد. باید به مرد و زن ایرانی آموزت که نانیر بد پری از فرهنگ ارتجاعی بورزوایی است اگر درخشش و زیبائی انسانها با معیارهای چون سانتیمتر-سرخی و سفیدی و طنازی ارزیابی شوند. ارزش واقعی انسانها اعم از زن و مرد را محتوای افکار و غاید آنان و روال بگارگیری این محتوى تعیین می‌کند. وظیفه برم همه ما در این زمان ایجاد می‌کند که با برخورد به تک تک نقاط ضعفی که احتمالاً در این زمینه در ما وجود دارد - مثلاً چند مسائلی ریشه‌ای و عجیب شده بسا فرهنگمان - آنان را در هم کوییده و قاطعانه به ارزش‌های نوین روی آوریم.

به کمان ما نه تنها بسیج مردان - بلکه بسیج زنان نیز باید مبارزه انقلابی وظیفه‌ای برم است که بر عده کمی عناصر آگاه می‌باشد. از آنجا که لااقل نیوی از جمعیت را زنان تشکیل می‌هند توجه عناصر آگاه به بسیج زنان نیز امری خطیر است. البته گاه با وجود ریشه‌های عیق شوونیزم در رفقا - این توهمندی وجود می‌باید که هنگامی که سخن از عناصر آگاه می‌رود که مراد رفقاء مرد هستند و حال آنکه برای آنانکه به آگاهی عیق و بینش علی مجہز می‌باشند عناصر آگاهی مستقل از معیار جنس پژوه می‌گردد! منظور از عناصر آگاه فردی است که به آگاهی طبقاتی و تاریخی دست یافته و در جهت محواستنار در جامعه قاطعانه می‌کشد. به اعتقاد ما

وظیفه بارزین در کنفرانس‌های جهانی در این رابطه، عده‌تاشکل کمیته‌های تحقیقی درباره مساله استمار زن، نوشن رسالت متعدد و بحث درباره آن است. این نظر که کمیته‌های زنان باید تنها با شرکت زنان مشکل در سازمانهای دانشجویی تشکیل شود، نظریه‌ای انحرافی و در تحلیل نهایی شوونیستی است و هرگونه تلفیک جنسی درباره تعمیق دانش در مورد مساله‌ای که آنها بدان هم بین مردان و هم بین زنان ناکافی است نظریه‌ای نادرست می‌باشد.

با محول نمودن این وظیفه تنها به رفقای زن، علاوه‌رفقای مرد از خود سلب مسئولیت نموده و از آنها یافتن به این مسئله شانه خالی کرده و به این ترتیب نه تنها عق کافی در این زمینه نمی‌یابند بلکه عرصه را برای بارزه با گرایش‌های شوونیستی که اغلب نهان می‌مانند نیز تنگ می‌کنند. از آنجا که در صورت عدم عق کافی و یا عدم تابعیت عمل از تئوری علمی، انتقال دانسته‌ها به نحوی مازنده ممکن نیست در این صورت نفیسه‌ای بزرگ حتی در بطن یک محیط بی‌ارزه سپاسی به عمر خود ادامه نمی‌دهد. مساله زن، همچنان مساله زنان باقی مانده و بارزه با شوونیزم تنها به عهد و مذکاره زنان گذارد و می‌شود. تضاد میان زن و مرد که تضادی اشتی پذیر است تشدید و تبلوری آنتاگونیستی می‌یابد. بنابراین تنها با شرکت خلاق جمیع رفقای مشکل در سازمانهای دانشجویی در بحث و تحلیل مسائل مربوط به زن و درک مساله استمار و بارزه در جهت ریشه کن کسرین آن، آنها رفقا تکامل یافته و بر این اساس قادر خواهند بود بسی رهنمودهای شخصی در امر بارزه برداشته‌ای علیه استمار زن دست یابند.

از دیگر نظرات انحرافی گرایش‌فکری آن دسته از خاصی است که ستدیدگی واستمار زن را در محرومیت جنسی خلامه نموده و نااگاهانه هرج و مرج جنسی را تبلیغ می‌نمایند. به احتقاد طالع درک مساله استمار زن برای زن و مرد از آنجا اهمیتی خاصی می‌یابد که فرهنگ بورزوائی با وارد ساختن نظریاتی این چنین انحرافی از درطلب

وارد شده و با عباراتی بر حضور از و دنای اراده ای استه دل برای سترم
کمیتد لی زن می سوزاند . به تبلیغ به اصطلاح **عشق آزاد**
می برد آزاد و به ناگاه آلساندرا کولوتای را یعنی تئوریستی وانسون
می کند که به اصطلاح به درک مساله زن واقع شده است .. و در
راه آزادی زن مبارزه کرده است . آنچه که کولوتای بدان معتقد
بود و راه حلی که این عناصر پیش روی می کارند و با آب و تابی
روشن فکرانه " از آن دفاع می کنند یعنی هرج و مرج جنسی

برای زن در واقع توجیه کننده همان انحرافی است که خود مردان
متلاشیده اند یعنی آناشیسم جنسی برای مردان اما
چه علت این به اصطلاح راه حل سالیان متعددی است که
در جوامع بورزوایی به زن ارائه شده است . و حاصل آنکه زن در
جامعه سرمایه داری بیش از کشته به انقیاد کمیده شده و بمن اعتبار
تر از همیشه به گالانی مصرف شونده بدل گردیده است . لینین
که در پاسخ به نامه ای که نویسنده در آن به دفاع از " عشق
آزاد " برخاسته است سئوالی ظرف و مشکافانه طرح میکند :

" عشق آزاد از چه ؟ "(چرا که آزادی را امری نسبی و در رابطه
با پدیده های دیگر می بیند . لینین می نویسد که بسا عشق آزاد از
تعصبات اجتماعی ، مذهبی و محاسبات اقتصادی و غیره موافق است .
اما عشق آزادی که تنوع طلبی و هرج و مرج جنسی تبلیغ میکند را
خواستی بورزوایی می داند .

هرچ و مرج جنسی نه تنها خواست زن آگاه امروز که برای تحصیل
آزادی خود و رنج بران جامعه اش را مبارزه ای بی امان می خیزد نیست
بلکه اصولا از وزیگمهای فرهنگ طبقاتی و ملوث به نیزگ فرب و تنوع
طلبی می باشد . اما بینش علمی این " تنوع طلبی " در مردان را
نیز محکوم میکند و این خصلت را نموداری از عدم نبات در کوه زمینه
های فکری می شناسد . رهبر کمیر بولتاریای جهان لینین در مصاحبه
ای با کلارا زتکین (از رهبران جنبش زنان آلان) بسازرد " تئوری
لیوان آب " در ارضاء جنسی چنین اظهار می دارد :

۰ رفیق ایکس جوان خوی است و بسیار با استعداد است . با وجود این من نگران آنم که چیزی از آب در نیاید . او روابط عشقی متعددی را پکی بس از دیگری برقرار می کند . این برای مبارزه سیاسی و انقلاب امر صحیح نیست من به نبات و بیگیری زنانی که روابط عشقیشان با کار سیاسی در هم آمیخته و با مردانی که به دنبال هر زن جوانی می دوند اعتقاد ندارم . وجود این خصلت با انقلاب جوهر در نمی آید . ۲

در جوامع طبقاتی به علت فقدان معیارهای علمی : روابط زن و مرد نه در جهت حل تضادهای موجود بین آنان لکه در جهت تشدید این تضادها حرکت می کنند . در جوامع سرمایه داری تضاد اجتماعی بین زنل و مردان هر دم کمترش می یابد . نلاهی به جنبش زنان امریکا و نظری به نفوذ نظریات انحرافی در آن روشن می دارد ، هنگامیکه جنبشی فاقد بینش و رهبری علمی باشد ، نفوذ اندیشه های انحرافی بورژوازی زنان را به قهقرانی می کساند . برخی از زنان امریکا تا بد آنجا میروند که مردان را دشمن واقعی خود قلمداد می کنند و نه نظام و فرهنگ طبقاتی را .

آنچه که امروز در رابطه با مسئله زن یک رورت بمی سرم است ، شناخت شرایط دردناک زن از نقطه نظر حقوق انسانی و اجتماعی استه آنたه که با فکری روشن - دیدی وسیع و برخوردی متعهد مسئله استنمار زن را در نئانهای نخستین کامها را در جهت از میان بردن تبعیضات اجتماعی در مورد حقوق زن برداشته و به تبلیغ مبارزه علیه ارزش های اسلامی اور موجود می برد ازیم . هنگامی که به شناختی عیق از زن و محرومیت های اجتماعی دست یابیم به مبارزه ای قاطع علیه ایسن استنمار که بایه های عیق در فرهنگ ما نیز دارد قادر خواهیم گشت . آنچه که مسلم است این است که پیشروان انقلاب با تلاش رزنده خود در جهت بیان بخشیدن به استنمار انسان از انسان در این زمینه نیز توجهی جدی بذول داشته و به ما می آموزند که باید از مجرد نکری اجتناب نموده ، جامعه و مبارزه هر دو را درین مجموعه

دید . مجموعه‌ای مشکل از هر دو جنس . در این رابطه باید خود سازی کرد و در حرف و عمل دانسته‌ها را به دیگران منتقل نمود و سازندگی کرد . و با بالا بردن آگاهی زنان همراه با مردان به وقوع هر چه سریعتر انقلاب امیدوار شد . پیکار نوین انقلابی که آگاهترین فرزندان خلق را در صفر زندگان خود در برابر گرفته است با ایدئولوژی طمن هدایت کننده اش در مدتها کوتاه توانسته است به تسویت عین سیاسی زنان محروم جامعه ما دست زده و والاترین نمونه‌های ایمان و عشق راستین به خلق را در وجود آنان بیافروند . از آنان بیاموزیم و در ادامه راهشان سخت کشنا .

رژیم منفور بهلوی با بکار اند اختن دستناء ننگین تبلیغاتیش تلاشی مذبوحانه^۱ در طوط ساختن این رهروان انقلابی جنبش رهانی بخش به اتهامات ننگینی^۲ نموده است که تنها از خصائص رجالگان درساری خودش بشمار میرود . این دستگاه منفور تبلیغاتی به اصطلاح خویش با بهره جستن از معتقدات اخلاقی موردم میهن ما تصویری نماید که با شایعه برآکنی و متهم ساختن این زنان و مردان مبارز راه رهانی خلق و انقلاب که بر اساس شرایط و صالح جنبش در منازل تبعی سازمانهای چریکی زندگی می‌کند میتواند ذره‌ای از عشق بی‌نهایی توده خلق به آنان را کاسته و یا تصویر باکی که از آنان در ذهن توده نقش بسته را مخدوش ساخته و بیالاید . اما چون هر قدم دیگر ارجاع، این تشبیثات تنها گاوه فراتر است در افسای ماهیت ننگین خود این مزدوران امپریالیزم . خلق ایران سالیان متعددی است که به ماهیت فاشیستی، خائنانه، فاسد و نیز نگاز این رجالگان وقوفی کامل دارد و همواره با لتعقادی راستین نفرت خویش را نثار اینان و عشق عضیم خود را اینار راه بپنوند فرزندان خویش این پیشاہنگان انقلاب میکنند .

گستردگه ترباد بیوند این زحمتکسان و پیشاہنگان انقلابیش .

فرومایگان وابسته به منافع امپریالیزم که از ارتکاب به هیچ جنایت فجیعی در مورد فرزندان انقلاب ایران روی کردان نیستند از شکستهای بیانی خویش در کلیه جبهه‌های این نبرد خونین سخت در هراسند .

چریک فدایی خلقوفیق اشرف دهقانی که نمونه‌ای والا از قدرت خلاق زن آلاه است در کاب "حمامه مقاومت" در رابطه با بصر خورد حمارت بار مزدوران رزم تیپه‌کار شاه بهنگامیکه به عنوان بکسی از ابزار شکجه از وجود مار استفاده می‌کند چنین می‌نگارده
"آنها بی‌شک حساب کرده بودند که زنها از جانوران میترسند زیرا زن را موجودی ترسو و ضعیف، می‌بنداشتند. بجز این‌چه تصوری می‌توانستند از زن داشته باشند."

این نوع اندیشه نمراه زندگی حفیر و ننگینشان بود. چه آنان در حoul زندگی خود "زن" را ضعیف یافته‌اند. اما هرگز قادر نبوده‌اند علل این امر را تحلیل کنند. چگونه زنی سعیف است؟ زنی که در طول قرنها در جوامع طبقاتی و در روابط تولیدی صفتانی دوبار متمن دیده است

یکبار دوست‌به دومن مرد و همانند او استنمار شده، تحفیر گشته، نیروهایش به هدر رفته، آلت دست‌بوده و وسیله تفریح و خوشگذرانی هم بشمار آمده. بار دیگر در رابطه با فرهنگ وابسته به روابط تولیدی بوسیله مرد تمام مستحبای یاد شده را در سطحی گستردۀ نر تحمل کرده است.

اما هنایی که زن آلاهی طبقاتی خود را باز می‌یابد و همراه مردی که آلاهی طبقاتی خود را باز یافته است آن‌نان آلاهی و شناختی که او را به در هم کویدن نظام طبقاتی وای دارد دیگر او پیش "زن" با میارهای ارتجاعی نیست. بلکه "انسان". است آلاه و به ساختن نظامی می‌بردازد که در آن "انسان" مقام راستین و شکوه شایسته خود را باز یابد. او با آلاهی از تمام مشکلات قدم به راه می‌نهد و در راه ارمان والای خود از هیچ دشواری هراس ندارد. زن انقلابی و مرد انقلابی هنایی که در منکر جارزه قرار می‌گیرند انسانهایی هستند که به رستاخیز خود رسیده‌اند. آنها برای جامعه ای بجارزه می‌کنند که در آن این مسئله که به زن همقدرباشد آزادی داد، آزادی زن خوست‌یانه اصولاً مطرح نیست. بلکه همه

انسانها ، زن و مرد یکسان از مزایای زندگی استفاده می‌کنند
و برای پیشبرد آن در کثار هم تلاش و کار می‌کنند . ۳

اینک به طرح مسائلی که زن را در طی تاریخ ، تحت انقیاد
درآورده است و به بررسی مسائلی از جمله کیفیت تحت ملطمه
قرار گرفتن زن و اینکه چه حقوقی از وی ضایع شده و چگونه
او را به بازیچه‌ای تبدیل کرده و رسالتش را تنها در تولید
فرزند خلاصه نموده اند و چگونه زن در برابر همه این تحملات
در فرش طغیان برافراشته و نیز چه کلیدی به کشایش این شکل
 قادر است ، مورد ازیم .

فصل اول

بررسی تاریخی استثمار زن

با نظری به تاریخ تحول خانواده در دورانهای گوناگون میتوان به منشاء اساسی استثمار زن و دلایل تغییر روابط بین دو جنس بخوبی وقف شد . بروزه این تحولات را انگلر بدین طریق بیان میکند که در جوامع اولیه موسائل تولید متعلق به همان بوده و تمام اعماق اجتماعی بطور مساوی از مزایای مختلف برخورد ار بودند و بسر عکس جامعه طبقاتی کوئنی که کوچکترین واحد آنرا خانواده بریاست پدر تشکیل میدهد و به جامعه پدر سالاری با پدر شاهی معروف است جامعه اولیه یک جامعه مادر شاهی بوده که واحد آنرا عشیره یا تیره مادری تشکیل میداد . جوامع قبیله ای از تعدادی عشیره تشکیل میشد که هر یک از عشیره ها مشکل از برادران و خواهران اجتماعی بودند . زمانیکه نسبت های طبقاتی وجود نداشتند . زن مقام والانی داشته و از آزادی بسیار و استقلال کامل برخورد اربود .

”بانوی دوران تدن که محصور در اخترام دروغین و بیلانه شده از کار واقعی است از نظر اجتماعی بینایت بائین تراز زن سخت کوش دوران برسیت است که در میان خلق خود بانوی واقعی محسوب میشد . و بخاطر ماهیت خود چنین بود ” . ؟

” در مراحل ابتدائی نظام دودمانی ، زنان کنترل کننده کلیه روابط اجتماعی خود بودند و این وضع خود حاصل شرایط زندگی ملکی در آن زمان بود . بدین معنی که شکار به کم سلاح های ابتدائی که قادر به تا زین کامل نیازهای جامعه نبود ، کار مردان بود و نتیجه ای نامعلوم و بستگی تام به نصادمات داشت . در این شرایط اشکال اولیه کشاورزی و دامپروری از اهمیت فوق العاده ای برخودار بود زیرا در مقایسه با شکار منبع متن تری برای تامین نیازهای

انسان محسوب میشد . در این زمان کار دستگمعی در بین کلیه اقوامی که بکار کشاورزی میبرد اخته اند متد اول بود . بدین صورت که مردان بکار کدن زمین میبرد اختند و زنان بکمک بیلهای ابتدائی و کودکان بوسیله دست کلوخها را نرم کرده و سنکها را جمع مینمودند تمام کارهای بعدی از قبیل کشت، وجین علفهای هرزه، مرزینسیدی، دفاع در برابر انگلها و پرندگان و جوندگان و بالاخره جمع آوری محصول معمولاً بعده زنان بوده است .

با توسعه اشکال جدید اقتصاد شکار و دامهوری جزو وظایف اصلی مرد شد و زنان عمدتاً بکار جمع آوری میوه، کشت زمین و امور خانه داری از جمله سفالگری میبرد اختند . کشاورزی و سفالگری به نقش اقتصادی زن اهمیت زیاد داد . ابداع هنر سفالگری و طریق بکار بردن آن کار زنان بود .

”افزايش توليد در کلیه بخشهای دامداری کشاورزی و کارهای دستی خانگی به نیروی کار انسان ظرفیتی داد که محصولی بیش از آنچه که مورد نیاز بود تولید میکرد . در همین زمان مقدار روزمره کاریکه میباشد بوسیله هر فرد قبیله یا خانواده انجام شود نیز افزایش یافت و اضافه کرد ن نیروی جدید برای کار مطلوب بمنظور میرسید . جنگ این نیرو را تا نیمسن نمود . اسپران جنگ بصورت برد و در آمدند شرایط تاریخی عمومی، نظام برد داری را به وجود آورد و از این تقسیم بزرگ اجتماعی کار نخستین شکاف بزرگ اجتماعی بصورت تقسیم آن به دو طبقه :

اربابان و بردگان استئمار کنندگان و استئمار شوندگان بوجود آمد .^۶ اینکه دقیقاً به چه صورت نقش مردان جایگزین نشق زنان در زمان مادر شاهی شد و چگونه جوامع پدر سالاری بوجود آمد ، معلوم نیست . ولی آنچه قابل توجه است این است که با وجود گه و دیگر نژادهای جدیده خانواده دستگوش دگرگونیهای گردید .

شاید با بوجود آمدن محصول مازاد بر احتیاج قبیله و بیاد لسه محصولات یک قبیله با محصولات قبیله دیگر شکاف اقتصادی و اجتماعی

بین زن و مرد بوجود آمده است از آنجا که به علت تنفسیه فرزندان، حاملگی و سایر منوچهتها زنانه، زنان ناگزیر از باقی ماندن در محل سکنی میگردیدند، کار بادله که چون شکاربه مفهوم دورشدن از قبیله ورفت و آمد به نقاط دیگر بود به عهده مردان قرار گرفت. و در جریان امر بادله محصول مازاد، نیوتن به تصاحب و تملک مرد در آمد و نخست بایه های مالکیت بر تولید مازاد بر مصرف و مواد بادلش شده و سپس کل تولید و ابزار آن را برای مردان بنا نهاد. "فراموش کردن لوازم زندگی کار مدبود. مرد تولید میگرد و وسائل تولید را نیز به تملک خود در می آورد. کله ها وسائل جدید تولید این مایحتاج بودند. رام کردن حیوانات و نگهداری بعد از آن کار مرد شد.

بنابراین کله به مرد تعلق گرفت، همانگونه که اجنازو برد گان که با کله بادله میشدند به وی تعلق میگرفت. آنچه مازاد بر احتیاج زندگی بود به مرد تعلق گرفت و زن تنها در تلذذ از این نیوتن شریک بود ولی به هیچ وجه سهمی در مالکیت آن نداشت. تقسیم کار در درون خانواده تقسیم نیوتن بین زن و مرد را تنظیم نمود. کار خانه کی زن دیگر در کار تامین نیازمندی های زندگی که بوسیله مرد انجام می شد به حساب نمی آمد. کار مرد همه چیز و کارزن کاری زائد و بدون اهمیت تلقی گردید. ۷

مسئله ازدواج یکی از مسائل عده در رابطه با نقش زن در جامعه می باشد. انگلیس در کاب منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت در سه مرحله تکامل بشر بعنی توحش، بربست و تدبیر به ترتیب سه نوع ازدواج را تشریح میکند. ازدواج کروهی و ازدواج زوجی و مونوگامی یا تک همسری.

در جامعه اولیه مادر شاهی ازدواج کروهی بود با روابط جنسی نامحدود. فرزندان کلیه زنان قبیله را مادر و کلیه مردان قبیله را برادران مادر یا "دائی" خطاب میگردند. در ابتدا هیچ گونه محدودیتی برای ازدواج نسل قبل با نسل جدیدتر و نیز ازدواج های همسنون مطرح نبود. ولی با مشاعده و کسب تجربه، زیان رابطه جنسی

بین دو نسل و افراد همخون که منجر بد بوجود آوردن نوزادان نا
سالم میشد رفتہ رفته و در طی نسلها کم کم باختصار بین رفتگی
این‌تونه ازدواج شد و با الآخره در مراحل آخر به ازدواج زوجی ختم
گردید . در این دوران یعنی دوران مادر شاهی بعلت عدم محدودیت
روابط جنسی، شناخت شجره و نسل فرزندان تنها از طریق مادر امکان
داشت ولی با از بین رفتن ازدواج لوهی و بید این ازدواج زوجی که
فرم کاملاً محدود شده ازدواج کروهی بود، ازدواج مردان پیش از عصیره
با زنان عصیره دیگر متداول شد و چون این دوران هنوز دوران مادر
شاهی محسوب میشد مردان برای ازدواج به عصیره زنان می‌رفتند .
با مشخص ترشدن رابطه ازدواج و ورود مردان به قبیله زنان
انکال عدم شناخت بدرود در نتیجه تشخیص شجره یا نسل تا
اندازه‌ای کاهش یافته و از اهمیت نقش زنان در تعیین این موضوع که
پی از مهمترین عوامل دوره مادر شاهی بود کاسته شد و در این
مرحله کم کم به تحول جامعه از مادر شاهی به پدر شاهی با آغاز
دوران تحد نزدیک می‌شود زیرا همانطور که لفته شد مردان در این
مرحله اندک اندک کترل تولید را بدست گرفته و این تحول تحولات
دیگری در مورد تغییر نام، انتقال ارث و بیدایش ازدواج تک همسری
را با خود بهمراه آورد .

"بدین طریق یکا همسری به پیوشه در تاریخ بتابه آشنا مسد
وزن و به طریق اولی، به صورت عالیترین شکل چنین سازشی
پدیدار نمی‌شود بلکه بر عکس صورت انفیاد یک جنس توسط جنس
دیگر بتابه اعلام تصاد به شدتی که تاکنون در اعصار ما قبل تاریخ
سابقه نداشته است ظاهر می‌شود . در یک نوشتہ منتشر شده،
قدیمی انگلستان در سال ۱۸۴۶ جارت نهر را می‌باید : اولین
تخصیم کار بین مرد و زن بخاطر تولید مثل است و امروزه میتوانیم
اضافه کم اولین تناظر طبقاتی که در تاریخ بوجود می‌آید مقارن با
تکامل تناظر بین مرد و زن در ازدواج یکا همسری است و اولین سنم
طبقاتی مقارن است با سنم جنس مذکور موتت . کتا همسری یک

پیشرفت عظیم تاریخی بود، ولی در ۱۱۰ همراه است با برده داری و نروت خصوصی، هصری را آغاز کرد که تا امروز ادامه دارد و در آن هر پیشرفته در عین حال یک پیشرفته نبین است که در آن رفاه و تکامل یک گروه به قیمت بد بختی و سرکوب گروهی دیگر بدست هی آید. یکتا همسری شکل پاخته‌ای جامعه تندن است، شکلی که در آن میتوانیم ماهیت تناظرات و تضادهای را که در جامعه بطور کاملی رشد میکند مورد مطالعه فرار دهیم".

لوئی مورگان در "جامعه باستان" اظهار می‌دارد که تا روزی که اصول مادرشاهی برقرار بود و نسب فقط از طریق زنان تعیین میشد میراث عموماً به نزد یکسرین اقوام یعنی به همخونهای شاخه مادری می‌رسید زیرا نروت گروه می‌باشد در خود گروه باقی بماند. بدین منظور لازم بود که رسم انتقال نروت را به نفع فرزندان خود دیگرگون سازند و برای رسیدن به این هدف لازم بود که فرزندان از طریق بذر قابل تشخیص باشند. این مسئله باعث شد که کم کم ازدواج زنان فقط به یک مرد محدود گردد و بدین صورت قید و بند های ازدواج و لزوم خداداری زن به یک مرد و مهاجرت زنان به نقاط دیگر جهت ازدواج صورت گیرد.

انگلیس در این مورد میگوید "بر انتقادن مادرشاهی، شکست جهانی و تاریخی جنس موتت بود. مرد فرمانروائی خانه را نهیز بدست آورد. زن تنزل هم یافته و برده شد. برده شهوت مرد و ابزاری صرف برای تولید فرزندان" .

با ظهور پدیده پدرشاهی وارد دوران متدن و تاریخ نوشتنه میشود. بدین ترتیب ازدواج مونوگامی با تک همسری بر اساس موحدت زوج و زوجه بوجود آمد. منظور از تشکیل این خانواده این است که فرزند از یک پدر شخص بوجود آمده و وارث و مالک نروت بذر خود میشود. در مورد مشحونات ازدواج مونوگامی انگلیس اظهار می‌دارد که مونوگامی با تک همسری در اثر تجمع نروت زیاد در دست مرد و همچنین بخاطربه ارت گذاشتن این نروت برای اولاد ذکور بسیار بود.

آمد . بدین جهت تک همسری فقط برای زنان و نه برای مردان لازم شد و این تک همسری زنان بهبیج وجه از تعدد زوجات مردان چه علق و چه بندهانی جلوگیری ننمود . بر طبق قانون ناپلئونی فرانسه به مرد مزدوج رسمًا آجازه داده میشود تا زمانی که مشوقه اش را به خانه نبرد ، میتواند از حق داشتن مشوقه بخورد ارباشد .

نکه قابل توجه این است که فرق ازدواج تک همسری با ازدواج زوجی دوران بربریت در این است که در ازدواج تک همسری برخلاف زوجی حق بهم زدن ازدواج یا طلاق اکثرا با مرد بوده و نیز با مطالعه تاریخچه تک همسری در کشورهای متعدد دوران باستان به این نتیجه میرسیم که ازدواج تک همسری بر انحراف عشق و علاقه زن و مرد بوده بلکه صرفا بخاطر ملاحظات طبقاتی و اقتصادی بوده است . در ازدواج تک همسری مرد کاملا آزاد است ولی زن بسیار محدود . در یونان باستان معتقد بودند که " ازدواج تک همسری فقط بخاطر بزرگ آشت مرد در خانواده و ایجاد فرزندانی است که وارث بدر هستند در غیر این صورت ازدواج باری است بر دوش مردان که باستنی آنرا بخاطر خدا ایان دولت و اجداد خویش بر دوش بگشند " ۱۰

در این دوران ازدواج معمولاً توسط والدین ترتیب داده میشند و فرزندان بدون هیچگونه اعتراضی همسر تعیین شده را می پذیرفتند . ازدواج تک همسری و روابط جنسی مردان با زنان دیگر در خارج از حیطه خانواده رواج بسیار داشته بدانگونه که تکامل نهائی آن به رو سبیگری علني متفہ شد . با تشدید عدم تساوی در مالکیت در مرحله بالای برد و داری ، کار مزد وری در کار کار بردگی به چشم می خورد و در نتیجه نحساً به صورت حرفة ای برای زنان آزاد در همان زمان در کار تسليم اجباری بردگان وجود داشت . ۱۱

در دوران باستان و قرون وسطی زن و مرد در مورد انتخاب همسر

از خود حقیقی نداشته و در بعضی موارد قبل از بسلوغ همسر افراد انتخاب می شد . برای سوالیه ها ، بارون ها و شاهزادگان ازدواج یک علت سیاسی به حساب آمد و اکثر این خواسته ای نوبده است . البته چنین بدیده هائی در طبقات بائین کمتر دیده شده است . قوانین و سنت های ازدواج و نیز شخصیت زن فقط در چهار چوب معیار و سلله لذت مرد بود ن مطلق او باز جامعه خارج از محدوده خانه تا امروز نیز به همین منوال باقی مانده است .

ما اکنون بیک انقلاب اجتماعی نزدیک می پیویم که در آن بنیاد های اقتصادی یکتا همسری که ناکون وجود داشته اند با همان قطعیتی که مکمل آن یعنی فحنا نابود شد ، نابود می گردند . یکتا همسری نر اور تراکم نرود زیاد در دست یکفر، در دست مرد ، و از میل به باقی گذاشتن این نرود برای فرزندان مرد و نه به هیچ کس دیگر بوجود آمد . برای این مشهور یکتا همسری برای زن ضروری بود ولی نه برای مرد بطوریکه این یکتا شوهری زن به هیچوجه چند همسری آشکار یا پنهان مرد را متوقف نکرد . ولی انقلاب اجتماعی قریب الوقوع ، با تبدیل حداقل قسمت عده نرود قابل ارتداشی و سائل تولید به مالکیت اجتماعی ، تمام این نظرانیهای موجود در مورد توارث را به حد ادنی میرساند . از آنها که یکتا همسری از علل اقتصادی نشأت گرفته ، آیا هنکامیکه این علل از میان بروند خود نیز از بین خواهد رفت ؟ .

میتوان بدرستی جواب داد که . یکتا همسری نه تنها از میان نمیرود بلکه آغاز به تحقق کامل خواهد کرد . زیرا با انتقال وسائل تولید به مالکیت اجتماعی ، کار مزدوری ، برولتاریا نیز از میان نمیرود و بنابراین بنابراین ضرورت تسلیم تعداد معینی از زنان که از نقطه نظر آماری قابل محاسبه است بخاطر بول نیز از میان نمیرود . فحشا نابود میشود یکتا همسری به جای زوال یافتن سرانجام یک واقعیت می شود و برای مردان نیز .

موقعیت زنان در جامعه سرمایه داری

از آنجا که تضاد اساسی دوران سرمایه داری تضاد بین طبقات کارگر و سرمایه دار میباشد و از آنجا که زنان بخش عظیمی از اردوی کار را تشکیل میدهند مشروحاً به بررسی نفس زن در این دوره میپردازم.

انگلستان در اولین انوش "شرايط طبقه کارگر در انگلستان" در سال ۱۸۴۴ و مارکس در "سرمایه" اشاره مینمایند که بارزه برای "مزد مساوی برای کار برابر" هنوز بیروز نشده است و استثمار بیرونی زنان و دختران در جوامع سرمایه داری کاملاً وجود دارد.

انگلستان مینویسد که "چگونه استخدام زنان اساس خانواده را در هم میکوید. زیرا هنگامیکه زن به مدت دوازده الی سیزده ساعت در روز در کارگاه کار میکند و شوهر او نیز در آنجا ویا در کارگاه دیگر مشغول بکار است چه بر سر فرزندان خواهد آمد؟ کودکان به مانند علف های هرزه رشد مینمایند". در بعضی مواقع آنها را با صرف مقدار ناچیزی بول به بستار واگذار میکنند. براحتی میتوان تصور کرد که با کودکان آنها چگونه رفتار میشود. در محله های کارگری، در آنجا که کارخانه ها وجود دارند، کودکان قربانی سوانح دهشتناکی میشوند. زنان سه یا چهار روز بس از وضع حمل اجبارا به سر کار بازگشته و طبیعاً کودکان نوزاد خود را در خانه میگذارند و در موقع ناهار با عبله به منزل رفته تا غذای کودک خویش را آماده نمایند. روشن است که چنین تغذیه ای برای کودکان چه ضرایتی دارد. انگلستان در جای دیگر اشاره میکند که چگونه در نظام سرمایه داری استفاده از مواد مخدوش به منظور آرام نگاه داشتن کودکان و تحیيل خواب به آنان به میزان زیادی در کارگاههای قالی بافی متداول بوده و کودکان نوزاد از همان بدو تولد قربانی از مذیهای سرمایه داری میگردند.

مارکس در "سرمایه" استنثار زن در جوامع سرمایه داری را این چنین بیان میکند . "در آخرین هفته ژوئیه ۱۸۶۳ تمام روزنامه های لندن با پیک تیتر "شورانگیز" چنین منتشر کردند: مرگ بر انر کار زیاد، مرگ پیک کارگر دوستند" کلاه زنانه بنام مری آن و اکن بیست سالسته شاغل در پیک لباس دوزی خیلی معتبر، استنثار شده بوسیله خانم السی . داستان کمنه بار دیگر تکرار شد . این دختر بطور متوسط ۱۶ ساعت در روز کار میکرد و در فصل کار در حدود ۳۰ ساعت بدون وقفه که در این میان با نوشیدن شراب و یا قهوه از کم شدن قدرت کارش جلوگیری میشد . درست در موقع شلوغی کار بود که او مرد . در آن زمان او مشغول دوختن لباس های پسر زرق و برق برای خانمهای نجیب زاده بود . مری آن برای ۶/۵ ساعت لاپنقطع با ۶۰ دختر دیگر در این کارگاه کوچک کار کرده بود دکتری که بر بالین مری آن خوانده شده بود در برابر هیات زوری رسیدگی به مرکهای "ناگهانی" مرگ او را بسر انر کار طولانی، در اتاق برآزاد حام شهادت داد .

هیات زوری رسیدگی ۰۰۰۰۰ برای اینکه درسی به این دکتر داده باشد مرگ مری آن را در انر سکه ناقص تشخیص داد .

۱۴

مارکس در جای دیگر میگوید "اگر تا قبل از سرمایه داری نیروی جسمانی معیاری برای تولید به حساب نیامد، با رشد سرمایه داری این امر بسیاری اهمیت تلقی گردید زیرا آنچه برای به حرکت در آوردن چرخها ضروری است قوای جسمانی نبوده - بلکه دستانی است که قادر به حرکت در آوردن آنها باشد که این خود میتواند بوسیله کودکان و زنان نیز صورت بذیرد ."

مارکس چنین ادامه میدهد " مسأله ارزش کار دقیقا حل شده برای اینکه اگر تا قبل از سرمایه داری فقط مرد خانواده قادر و تیروی کار در خانواده بود - سرمایه داری با وارد کردن تمام افراد خانواده

اعم از زن و بچه، قدرت کار و نیروی انسانی را نه فقط منتص
مرد بود به تمام افراد خانواده واگذار نمود. اگرچه نیروی کار
چهار نفر برای سرمایه دار گران تمام میشند ولی در عوض کاری که
در چهار روز میتوانست انجام شود اینک در یک روز انجام
میگرفت و ارزش اضافی که قبل سرمایه دار از کار پن نفر به دست
میآورد، اینک از کار چهار نفر بدست میآورد. یعنی ارزش اضافی
چهار برابر برای سرمایه دار با ظهور وبسط سرمایه داری درباره ای
از نقاط دنیا نه تنها تغییراتی در امور اقتصادی صورت بذیرفت،
بلکه سرمایه داری با عرضه کردن هر چیز به صورت کالا و با وبسط
تجارت و رقابت آزاد^۰ کلیه روابط و سنن قدیمی از جمله ازدواج
را تغییر داد ۱۶۰

در رابطه با گسترش ارزش‌های نوین جامعه سرمایه داری و انسر
آن در روابط سنتی ازدواج که در جوامع ما قبل سرمایه داری بوجود
امده بود باید نکت که ازدواج بر حسب ظاهیم بورزوایی بعنوان یک
قرارداد با یک داد و ستد آزاد تلقی میشد و اگر آزادی تصییم در
تمام فرادرادها میباشد رعایت شود پس چرا برای قرارداد ازدواج
رعایت نشود؟ بدین ترتیب بورزوایی انتخاب همسر را از هدرو مادر
و تمام نیروهای سنتی دیگر گرفته و به افراد تقدیم نمود. البته
ازدواج به صورت یک ازدواج طبقاتی باقی ماند ولی نسبت بسیار
دوران گذشته هرگز در طبقه خویش آزادی بیشتری در مورد
انتخاب همسر پیدا نمود.

در رابطه با نقش زنان در جامعه بورزوایی در تولید اجتماعی
روزا لوکزابورگ می‌نویسد^۰. در مورد زنان طبقه بورزوایی باید توجه
داشت که آنان اصلاً سهمی در تولید اجتماعی نداشته و چیزی
نیستند مگر مصرف کنندگان ارزش اضافی که مردان، آنها از حاصل
دسترنج کارگران بدست میآورند. آنها انگلکهای انگلکهای یمنی
جامعه میباشند و این انگلکهای حرف کننده اغلب در دفاع از حق

انگل بودن در زندگی از عوامل مستقیم حاکیت و استثمار طبقاتی
بیشی گرفته و بپرحته از مردان نیز عمل میکنند . خلا در سال ۱۸۷۱
هنگاهیکه کون تهرمانانه کارگران بوسیله سلسل های بسیار بازی
شکست خورد ، زنان بورزوای دفاع از کارگران تحت استثمار
از مردان خود بیش جستند . زنان طبقات منول همواره به
غصب مانده ترین وجه در حد دفاع از استثمار و برداشت کارگران
برخواهند آمد ، یعنی ادامه شرایطی که بر اساس آن ، آنها بطور غیر
مستقیم وسائل گران وجود بخواهیت خود را نامن نمایند . زنان
طبقات استثمارگر از نظر اقتصادی و اجتماعی بخش مستقلی از جمعیت
را تشکیل نمیدهند . تنها علکرد اجتماعی آنان این است که ابزار
طبیعی تولید مثل طبقات حاکم باشند . بر عکس اینان ، زنان کارگر
از نظر اقتصادی نیروی مستقلی را تشکیل نمیدهند . آنها برای جامعه
درست مثل مردان نیروی مولد محسوب میگردند . البته در این
بخش منظور ببورزن کودکان و یا خانه داری نیست . این نوع کسار
طبق مقام امروزه اقتصاد سرمایه داری مولد نبوده و هر قدر هم که
انرژی - نداکاری - وغیره در این رابطه انجام و صرف شود چیزی
نیست مگر امور شخصی مربوط به شخص کارگر . تا زمانی که سرمایه داری
و سیستم کارمزدی حاکم است تنها کاری که مولد به حساب میآید
کاری است که ارزش اضافی تولید میکند یعنی چیزی که برای
سرمایه دار سود تولید میکند .

از این نظر ، رفاقت پک کاباره که سود به جیب کارفرمایی سازی سر
میکند ، یک کارگر مولد محسوب میگردد در حالیکه تمام زحمت زنان کارگر
و مادران در چهار دیواری خانه هایشان ، غیر مولد محسوب میگردد . این
امری وحشیانه و ظالمانه بنظر میرسد ، اما باید آنرا از ارتباط مستقیم
با وحشیگری و ستم ناشی از اقتصاد سرمایه داری دید . و دیدن روشی
این واقعیت زنده از جمله وظائف اولیه زنان طبقه کارگر است .
استثمار وحشیانه زنان در جامعه سرمایه داری همچنان ادامه

دارد. تبلورات این بهره کسی فاجعه آمیز برای برخی از زنان حتی ابعاد وسیعتری نیز میابد.

از جمله این نجایع در جامعه سرمایه داری را میتوان در استثمار شدید زنان سیاه پوست مشخصا در جامعه طبقاتی امریکا بررسی کرد. زنان سیاه پوست مانند تمام زنان دیگر در جوامع طبقاتی از یکسو تحت استثمار طبقه حاکم بوده و از سوی دیگر توسط مردان جامعه نیز مورد استثمار قرار میگیرند. ولی چیزی که آنها یکبار بیشتر از سایر زنان بخاطرش استثمار میشوند رنگ تیره آنها و بالاخره ساله تبعیض نزدی است. در امریکا زنان سیاه پوست جزو آخرین کسانی هستند که به استخدام درآمده و نخستین کسانی هستند که از کار اخراج میشوند. مشابه این استثمار در مورد زنان خلقها و ملیت‌های تحت ستم در جوامع بورزوایی تبلور بیشتری هباید. استثمار زنان رنجدیده و زحمتکش خلق‌های کرد - بلوج و عرب و ترک در ایران نمودار دیگری از ماهیت جامعه سرمایه داری است.

با بررسی تاریخی منشاء استثمار زن شاهد تحولات مرحله‌ای چگونگی تغییر روابط بین دو جنس و تنزل نقش زن در تاریخ بودیم و اینک در می‌یابیم که تحت سلطه بودن زن ناشی از یک عصب و "نقم" بیولوژیک که از جانب عده‌ای طرح میشود نیست بلکه این امر دارای رشه‌های عمیق اقتصادی و تاریخی است. کشورهایی که نظام اجتماعی آنها دستخوش تغییرات بنیادی شده است با حاکمیت نظام نوین نمونه‌های کهایی از این واقعیت را بدست داده اند که اختلاف بیولوژیک تعییین کننده "سرنوشت" زن نیست و استعداد زنان نیز اگر فرصت و امکان بروز پابد، آنان نیز میتوانند در موقعیت کاملا مشابه اجتماعی بسا مردان قرار گیرند.

فصل دوم

بخش اول

منگاهی اجمالی به زن در تاریخ ایران.

مانکونه که اشاره شد پس از بوجود آمدن طبقات و حاکمیت نظام بردۀ داری زن برای اولین بار در جامعه مورد مبارله قرار می‌گرفت اکرچه در اجتماع کوچکتر یعنی خانه نیز به بردگی خانگی اشتغال داشت.

در جامعه بردۀ داری گرفتاری زن به استئمار دوگانه از جانب شوهر و سپس صاحب‌شروع گردید و بهای زن بر حسب معیارهای زشی و زیائی و تجاری در انجام کار تولیدی تعیین می‌گردید.

پس از تحول جامعه از بردۀ داری به نظام فتوود‌الی استئمار زن بصورتی دیگر متجلی گردید. ادبولا در این دوران به زن بصورت عامل تولید فرزند نگویسته می‌بیند. ارزش اجتماعی هر زن در کرو تعسیاد فرزندان، بخصوص فرزندان ذکر وی بوده است و البته علت این امر نیز استفاده از نیروی فرزند در امر تولید و شرکت او در جنگها و نیز ارت بودن نام و اموال بدر بوده است.

"با ظهور آیین زرتشت پدیده ازدواج بد لایل ذکر شده، مورد تشویق قرار می‌گرفت بنحوی که در اوستا چنین ذکر شده است "مرد مزدوج بر مرد بی‌زن دارای امتیاز است". اوستا وظایفی را برای مرد در مقابل همسرش، تعیین می‌کند. این وظایف عبارتند از حمایت کامل اقتصادی مرد از زن و فرزندانش و نیز حمایت جانی از آنان. اکرچه این وظایف در تحلیل نهانی باعت گسترش محدودیت زنان و کنترل هرچه بیشتر مردان بر آنها می‌گردید. در زمان بارت‌ها چنانچه زن مرتکب سقط چنین می‌شد و بایست خود کسی کد چه فرزند و سیلمه مونیری در امر تولید و شرکت در جنگ محسوب می‌شد اما به نسبت دوره بردۀ داری استئمار زن کمی تخفیف می‌آید. در دوره تسلط شاهان

سازمانی جهت تقویت حکومت طبقاتی، ازدواج زن تنها با فرد هم طبقه خود میسر بود سریع‌تر از این قانون منجر به طرد زن و مرد از طبقه خویش میگردید.^{۱۸}

تحریفات تاریخ نویسانی از قبیل هرودت یونانی، جنبش مسزد ک و یارانش را بصورتی قلب شده به ما عرضه داشته است. در تشریح غایب اشتراکی مزدک اشاره به اشتراکی بودن اموال و زنان همگرد د در حالی که غایب اشتراکی مزدک میتوانست مرحله نیمنی در زندگی اجتماعی و سیاسی زن در دنده ایرانی ایجاد کند. مزدک با بسیاری از اجحافاتی که در مورد زن اعمال میگردید مخالفت ورزیده و معتقد بود که تنها باید یک مرد و یک زن بیکدیگر تعلق داشته باشند و با چند همسری مخالفت داشت. پیروان مزدک خواستار آزادی ازدواج و حق انتخاب همسر برای زنان بوده‌اند. متأسفانه شکست نهضت مزدک و قتل او جنبشی را که میتوانست نپید بخشن آزادیهای بیشتری برای زن گردد، در نطفه خفه کرد. از مبارزات زنان در این دوران اطلاعات دقیق و کافی در دست نیست. معروف‌تر کسی همسر مزدک "خرم" دوشاد و میش خویش فعالیت میگرد و حتی بس از کمته شدن وی نیز طرفداران او را گرد هم آورد و پس از کوhestan رفته و به بازاره ادامه داده است.

"در زمان سلطه سامانیان، طلاق طبق اراده مرد و بدون رضایت زن امکان پذیر بود. در این دوران تعدد زوجات و همچنین نوعی از صیغه وجود داشته است. غیر از طبقات اشرافی که معمولاً معشوقه‌های متعدد داشتند در طبقات باشین نیز وقتی مردی زن خود را از دست میدار میتوانست زن را بطور مؤقت صیغه کند. این عمل با گفتن این جمله توسط مرد انجام میشده "من برای تو یک سالار تعیین میکنم" در این دوران زن اصولاً شخصیت حقوقی مستقلی نداشته و تنها موقعی میتوانسته شخصیت حقوقی داشته باشد که شوهر با انجام تشریفات قانونی او را در امور مالی شریک کند. زنان

حق مالکیت داشته ولی معمولاً اموالشان تحت کنترل شوهر بوده.
جنانچه زن از شوهر اطاعت نمیکرد دارائیش از طرف مرد خصب میشد.
زنان مانند مردان مجبور به پرداخت مالیات سالانه بودند ۱۹۰۰
زنان طبقات استثمارگر در رفاه بوده ولی زنان طبقات زیستگش
مهمایست از فنون داده‌داری و مزرعه داری، بخت و بزر، دوزندگی
با فندگی و رسندگی سرنشته داشته باشند. به حاکمیت رسیدن
بوراندخت و آذربایجان در نظام قانونی ایران دوره سامانی
علیرغم موقعیت نازل زن در این نظام و فرهنگ سلطنت بر آن که زن
را عدتاً برای مطبخ و زادن شایسته دانسته و اختقاد به تحسیت
سلطنه بودن زن را تبلیغ میکند، امری استثنایی بشمار می‌رود و علت
این امر تقدم ناگزیر منافع طبقاتی بر احساسات حاکم شویستی
است. آنجا که خطر از دست رفتن قدرت و انتقال آن حتی به
جناب دیگری از طبقه حاکمه به وجود آید استثمارگران بر خلاف
تعابلات خود به انجام اعمالی مبادرت می‌روزند که مستقیماً با ارزشها
فرهنگی خود آنان نیز در تضاد می‌باشد. حفظ قدرت و نژاد در
خانواده و میراث نام در هنگام نقدان فرزندان ذکر طالعی در
استفاده از زنان بشمار رفته و می‌رود. تا بدآنجا که حفظ قدرت
اقتصادی و تبلورات رومانی آن یعنی حفظ قدرت سیاسی در
مواجهه با ارزش‌های سنتی نیز تفویق خود را روشن نموده و این
ارزش‌های فرهنگی که مستقیماً ثابعی از زیربنای اقتصادی استه
مخدوش و موقتاً به فرمشی سپرده می‌شوند. در دورانهای
تاریخی بس از حاکمیت سامانیان علاوه بر بهره کسی از زنان به
صور کم و بیش شبیه به گشته، موضع زنان از نقطه نظر نفوس اجتماعی
بعلت وضع قوانین مستقرانه جدید باز تنزل بیشتری کرد.
قوانين و ارزش‌هایی که ادامه آنها تا امروز تجزیه‌های اسارت زن
را تحکیم بخشید از جمله ساله حجاب زنان و قوانینی نظیر قانون
ارت، شهادت و کمالت خود قیود اجتماعی جدیدی را برای زن

بیمار آورد که تا قبل از آن با آنها وابجه نبود .
شهادت دوزن ، ساوی با شهادت یک مرد گردید و قانوناً به زنی
که فاقد استقلال اقتصادی نیز بود معادل نیمی از حق ارثی که بسی
برادرانش میرسید تعلق گرفت . امکان سربرستی و نگهداری فرزند از
زن گرفته شد و حتی در فقدان شوهر، تقدیم حق کالت به جد پسردری
محواب گردید . این قوانین ظالمانه تنزل فاحش ارزش زن در جامعه
را نتیجه داده و علیورغم بوسیدگی، عمری پس طولانی یافتند چنانکه
تا به امروز تکیه این قوانین (اـتعلا با مختصر تغییراتی) با بر جا
مانده و حقوق اجتماعی زن را تضییع مینماید .

با تبروغ نقبذ امپرالیزم در ایران، تبروی زنان در امر تولید نیز
مورد نیاز واقع گردید . امپرالیست‌ها و مترجمین سرسبزه آنسان
این امر را با "کسف، حجاب" و باز نمودن درهای واحد‌های تولیدی
بروی زنان آغاز نمودند . "کسف حجاب" فلد رانه رضا شاهی به زیر
سر نیزه چادر را از سر زن ایرانی به نیز گشید چرا که آنرا ابزار
مزاحی در هنر انجام کار تربیتی میدید . از آن پس زنان زحم‌کش
ایران در سطحی رسیع به عرصه تولید وارد گردیده و تنهایت وحشیانه -
ترین استثمار طبقات از جانب رمایه داران غارتگر قرار گرفتند . شرکت
زنان در امر تولید علاوه بر آنکه جوابگوی نیازی مولده ای بود که
بورزوایی نیازمند آن بود موجبات آنرا نیز فراهم آورد که با استفاده از
کار ارزان زن منافع بینشتری به جیب سرمایه داران بیوی و اربابان خارجی
آنها سرازیر شود . اردیهی زنان مولد در کلیه بخش‌های تولیدی با
مزد بسیار نازلتی از مردان به خدمت گرفته شد و در عین حال این
نیروی کار بمنزله جانشینی برای نیروی مولد کارگران مرد قرار گرفت و
بهنگام اختراض کارگران مرد به بائین بودن سطح دستمزد، از نیسرزی
ارزان کار زنان استفاده گردید .

بخش دوم

شوونیسم واستثمار زنان در عرصه تولید اجتماعی در ایران

زن در جامعه ای که به طبقات مختلف تقسیم می‌شود بطور کلی مورد ستم و استثمار است ولی ستمی که بر روی می‌برود بسته به طبقه ای که از آن بر می‌خیزد متفاوت است. استثماریکه از زنان طبقات زحمتکش بعمل می‌آید، بطور کلی با ستمی که بر زنان بورژوا و خرد، بورژوا می‌برود به هیچ وجه قابل قیاس نیست. در واقع زن دهقان و زن کارگر از نظر طبقاتی کاملاً مانند مردان طبقه خویش استثمار می‌شوند و در همن حالت شدیدترین فشارهای زورگویانه مردان خود را نیز تحمل می‌کنند.

«منان کارگر»

با نفوذ امپرالیستهای تاراجکر که بمنظور استفاده از مواد خام، مزد ارزان و ایجاد بازار، سلطه ننگین خویش را بر جامعه ماتحیسل نموده اند، شدیدترین و وحشیانه ترین وجوه ممکن بهره برداری از زنان رنج دیده طبقه کارگر می‌هن ما در مورد آنان اعمال می‌شود. امپرالیزم بمنظور استفاده هرچه بیشتر از این کالای ارزان یعنی نیروی کار زنان در ایران موجباتی را فراهم آورده که با کساندن زن ایرانی به عرصه کار تولید اجتماعی جهت تولید بیشتر و برد اخت مزدی بس از انتربه انباشت سود هنگفتگی بپردازد. زنان کارگر ایران همچون مردان هم طبقه خویش قربانی بهره کسی غیر انسانی استثمارگران دالی و اربابان خارجی آنها می‌باشند و اصولاً نیروی کار آنان در امر تولید به منظور برد اخت مزد کتری از مزد مردان مورد توجه قرار گرفته است.

«قانون کار» در ماده‌های مختلف به ایجاد تسهیلاتی در مسورد زنان کارگر اشاره نموده است که به صورت زیستی بر کاب قانون ستمگران و سوداگران باقی ماند. «قانون کار» در مورد حداقل دستمزد، بیمه کارگران، مرخصی دوران بارداری، وضع حمل و ایجاد شیرخوارگاه در محیط کاری مطالبی بر روی کاغذ آورده است که هیچکدام انجام نمی‌شود.

با همه هیاهوی تبلیغاتی رژیم منفور شاه، وضع اسفناک زنان کارگر حنسی از مردان هم طبقه آنان بعارات بدبوده و نه تنها بدانها حقوق مساوی با مردان تعلق نمیگیرد بلکه در مواردی دستمزد آنان چند بسی برابر از مردان کتر است.

زنان کارگر ایران علاوه بر کار طاقت فرما و استنمار به بحثانه از ضرف سرمایه داران، از ستم مردان جامعه نیز در امان نبوده و در محیط خانواده نیز از مشارست شرمنان، بدراخ و برادران خود دنبج میبرند. زن کارگر علی‌رغم آنکه در تولید نقشی مقتض و مستقل ایفا می‌نماید، معهم‌تر از دسترنج کار خود نیز اغلب‌بی بهره می‌ماند و در خانواده از نقش تبعی و جنبی برخوردار است. تعصبات اخلاقی ناشی از فرهنگ مدنی و مسلط، از جمله عواملی است که استنمار دوگانه زن کارگر ایران را به شدیدترین وجه مبتلور می‌سازد.

با ورود زنان و کودکان کارگر به عرصه تولید، درآمد خانواده بالا نمی‌رود بلکه تنها سود بیشتری علیه سرمایه دار می‌گردد. سرمایه دار علاوه بر آنکه از مجموع ارزش اضافی که از نیروی کار مرد، زن و کودک بدست می‌آورد، سود فراوان انباست پیکند، از پرداخت دستمزد بیشتر به مرد (که در آنکه به منظور تامین مخارج خانواده دریافت می‌نمود) امتناع می‌ورزد. و در واقع با تقسیم همان دستمزد سابق مرد (بعنوان سربرست خانواده) بین کلید اخته خانواده، از نیروی ضاغط کار تولید کنندگان جدید نیز سود می‌جویند. آنچه که در ذیل مورد ابد چند نمونه شخص از استنمار بیزحمانه کارگران زن ایران بوسیله استنمارگران غارتگر ایران و امیریالیست‌های جیاولگر می‌باشد.

در نظریه دانشجو می‌خوانیم:

"در یک کارخانه پارچه بافی دولتی یک کارگر مرد دستمزدش ۶۰ ریال و کارگر زن ۳۰ ریال است. دستمزد ۳۰ هزار کارگر دستیاف که اکثر آن زن هستند از ۱۵ تا ۲۰ ریال می‌باشد و مزد ده‌ها هزار زن قالی باف ایران از نصف حداقل دستمزد حصیه دولت‌بائین تراست. ۲۰ همچنین کارگران صنایع غذائی که ۹۵ درصد کارگران آنرا زنان

تشکیل میدهد نه بطور فصلی استخدام میشوند و عده کارشناسان از اوامطبم ارنا اوخر تابستان صورت میگیرد . ۲۱

و باز در جای دیگری میخوانیم " دربیکی از کارخانجات صنایع غذائی که به شیوه کارمزدی اداره میشود میتوان در قسمی از آن زنان رهاتی زیادی را دید که در محلی اینبار مانند نشسته اند و به همان کردن سبزیجات مشغولند اینان دارای سنین متفاوتی هستند و بستگی به مهارتی که دارند حقوق میگیرند یعنی هر کدام که جوانتر است و میتوانند سریعتر کار کند حقوق بیشتری از همکار مستقیم میگیرد . ۲۲

همچنین " دربیک کارخانه بارچه بافی تعداد کارگران زن نسبتاً زیاد است و میزان دستمزد بهمین علت کتر است . زن کارگری میگشت که یارده سال است که سابقه خدمت دارد روزی ۸ ساعت کار میکند و مزدش در روز ۹ تومان است . پسر بچه دوازده ساله ای در همین کارخانه روزی ۲ تومان مزد در ازای ۹ ساعت کار خود پیگرفته . بمهیگفت کارگر فنی ، مردی با بنج سال سابقه کار ، ۰ تومان و نیم تعلق میگرفت . در کارخانه هایی که تعداد کارگران زن بیشتر است مزد خیلی پائین تر است . از این نوع کارخانجات میتوان نساجی ، بافندگی و صنایع غذائی را نام برد . دربیک از این کارخانجات تعداد کارگران مرد از ه تا ۷ نفر تجاوز نمیکند و بقیه را اغلب دختران خرد سال شهرستانی و زنان جوان که معمولاً سنتان از ۲۰ سال تجاوز نمیکند تشکیل میدهند و میگفت که دوازده سال سابقه خدمت دارد و مزد من از ۰ هریال به ۸۰ ریال در ازای ۸ ساعت کار رسیده و برای ۲ ساعت اضافه کار ساعتی ۱۲ ریال دریافت میکند . زن دیگری با ۶ سال سابقه کار و ۱۰ ساعت کار روزانه ۹ تومان حقوق میگیرد و برای هر ساعت اضافه کار ۳ تسمیمان دریافت میکند . دختر بچه ده ساله ای که ۱۰ ماه بود شروع بکار کرده بود از ۵ / ۶ صبح تا پنج بعد از ظهر کار میکند و ۶۰ ریال اجرت میگیرد . دختر ۱۲ ساله ای میگفت با روزی ۱۰ ساعت کار هر پانزده روزی ۱۰ یا ۹ تومان مزد میگیرد که آنرا به مادرخانه نشین خسود

برای خرچ او و خواهر کوچکترش میدهد . دیگری ۱۵ سال داشت و از ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار میکرد و روزی ۲۰ ریال مزد میگیرد .
در جای دیگر در دانشجوی خوانیم . زنان کارگر بیشتر در قسمت های نساجی، قالیبافی و دخانیات مشغول بکار هستند . مزد زنان زحمتکش در بخش تولیدات صنعتی بسیار ناچیز و در حقیقیه با مزد مردان بسیار برابر است . اما رژیم (که البته باید در نظر گرفت که واقعیت را از آنجه که هست خبلی بهتر نشان میدهد) که مزد ۰ درصد از زنان کارگر در این بخش از تولیدات بین ۱۰ تا ۱۰۰ ریال مزد ۳۸ درصد آنان بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال و ۱۲ درصد آنان در حدود ۲۵۰ ریال در روز است .

و نیز ۶۵ درصد از زنان کارگر که در کارخانه های چای کسار میکنند کار فصلی دارند و سن آنها بین ۱۲ تا ۱۸ سال است و حقوق روزانه شان فقط ۰ ریال میباشد که در مقابل ۱۵ ماهیت کار طاقت فرسا دریافت میکنند .

همچنین در کارخانه کسروسازی سبلات جنوب د و نوع کار فصلی و دائمی وجود دارد که ۲۰ درصد کارگران فصلی را زنان جوان تشکیل میدهند که در مقابل ۸ ساعت کار فقط ۲۰ ریال مزد میگیرند و فقط چند ماهی از سال را بکار مشغولند .

در گزراشی از کارخانه آتا در "جنگل" شماره ۱ چنین میخوانیم : حقوق اولیه زنها ه تومان و مرد ها ۶ تومان بود ۰۰۰۰ در طی این ۱۵ سال که فیضها چند برابر شده ، حقوق اولیه کارگرها تنها یک تومان بالا رفته . یعنی زنها ۶ تومان و مرد ها ۷ تومان میگیرند .

(کارگران اضافه کار هم دارند .)

در گزارشی از کارخانه گابور که کشتهای زنانه تولید میکند چنین آمده است " کارخانه دارای کارگران زن و مرد است که سن مردان بین ۲۰ تا ۴۰ و سن زنان بین ۱۴ تا ۴۰ میباشد . مزد کارگران ساده زن و مرد به هنگام استخدام ۱۰ ریال با هم تفاوت دارد، زنان ۱۱۰

ریال و مردان ۱۲۰ ریال که ۱۰ ریال آن برای نهاد رکسر میشود .
مزد کارگران بیسواو ۱۰ ریال کمتر از مزد کارگران باسواو است : ۲۸
همانطور که اشاره شد زنان ایران در شاگردین و ظاقفات فرساتین
شرایط به کار تولید میبردازند . زنان کارگر ایرانی تحت تأثیر فرهنگ
سلط بر توده علاوه بر آنکه از نظر دستور مورد تبعیض قرار میگیرند
از ستم مردان در محیط کار و خانواده نیز بر کثار نیستند . برخورد
های شوونیستی کارفرمایان مرد در محیط و تحفیر و در عین حال جسم
داشت به زنان کارنرا از جمله مسائلی است که زن زحمتکش کارگر در
زندگی روزمره خود با آن مواجه میباشد . حاکمیت شوونیسم در محیط
کار خود موجب تضاد بین کارگران زن و مرد نیز گردیده و اغلب به
ایجاد تفرقه و نفاق بین کارگران زن و مرد منجر میگردد . بطریور
خلاصه زن کارگر ایرانی بهر سوکه رو میکند جز با فشار و ستم طبقاتی
و فرهنگی بیرونویست .

زنان روستا

زنان روستائی ایران از جمله بر کارترین و زحمتکش ترین زنان
جامعه ما میباشند که علاوه بر آنکه مستقیما در امر تولید نشست
دارند به انجام وظایف مربوط به خانه نیز موظفند بیانکه حتی
کوچکترین سهی از بهای تنها کالای تحت مالکیتشان یعنی نیروی
بازواننان را دارا بیاشند . زنان روستاهای ایران همواره در اقتصاد
روستا نقشی مؤثر داشته و بر این اساس در عرصه روابط اجتماعی نیز
از موقعیت خاصی برخورد ارنده . ازدواج در روستاهای ایران با زنانی
که از تجربه کار در مزارع و دامداری وغیره برخورد ارنده ترجیح داده
شده و از این نظر زنان با تجربه بیشتر مورد توجه قرار دارند . چه
کار را زنان زن روستا در امر کشت و زرع از لحاظ انتصادی مستقیما در
خدمت اقتصاد خانواده قرار میگردد . زنان روستا ها بطور کلی زندگی
طاقت فرسانی را گذرانده و به علت مقید بودن به غایید سنتی و
معصیانه مردان خود، زندگی آنها از شادی تهی و ملعواز مشقت است
زنان روستاهای ایران که بعلت اشتغال بکار سنین و شاقفات فرسای

کساورنی با وسائل ابتدائی و در شرایط سخت و در فقدان کامل
تجمیزات ماشینو، در امر تولید کار میکند از عمر متوسط و یا "ابد
زندگی" بسیار کوتاهی برخورد اری باشند. زنان روسنا بطور کلی
از نظر بهداشتی در ضیقه فراوان بوده و تعداد کمیری از آنسان
بهنگام وضع حمل در این گرده.

در مورد بیماریها شایع در بین کارگران قالیباف روزنامه کیهان
ورق باره رزیم در ۱۸ آبان ۱۳۴۲ چنین مینویسد "شایعترین
بیماریها بین کارگران قالیباف طبق اظهار رئیس بهداشتی کاشان تراخیم
کچلی، رماتیسم قلبی وبا است" اغلب زنان قالیباف کاشان و اراک
در موقع زایمان بطور غیر طبیعی طفل را بد نیا میاورند و چون این گونه
زایمانها بین از دوبار مقدور نیست از زایمانهای بعدی بحروم میگردند
در بعضی از نقاط استان کرمان تعداد زیادی از خردسالان
دختر و پسر بکار قالیبافی اشتغال دارند. این قبیل کارگران هنوز بسن
چوانق نرسیده بیرون میشوند و چون هنوز اکبراین کارگران از مزایای بیمه
های اجتماعی محرومند موضوع حد اکبر سن مطرح نیست و نا زمانی کسی
توانانی داشته باشند بکار خود ادامه میدهد.

دختران و زنان قالیباف در بدترین شرایط از نظر بهداشتی در روز و
بسیار کم و رطوبت بسیار زیاد در زیرزمینهای بدون ته و به کار گرده و
از حداقل مزد برخورد ارند. اغلب دختران قالیباف که از سنین ۹ - ۸
سالگی در کارگاههای انجنانی قالیبافی شروع بکار میکنند در سنین
۱۵ - ۱۴ سالگی دچار انواع بیماریها از قبیل بیماریهای ریوی (سل)
تراخیم وغیره میشوند. بسیاری از دختران خردسال در جریان بافت
قالی، انگستان خود را از دست میدهند. یک جهانگرد فرانسوی که
مشاهدات خود را در ایران در کابین بنام "پیزا برای ایران" نوشت
ا م چنین مینکارد "از هنتاو که به دیدار چند کارگاه قالیبافی در
ایران بادرت ورزیدم دیگر هرگز نتوانستم با بر روی قالی بگذارم زیرا
فکر میکم که کام گذاشتن بر روی قالی، قدم نهادن بر روی چشم ان بیمار
دخترگان قالیباف است."

حمد بهرنگی نویسنده، بازی ایران شاید به بهترین بیان معکن مسائل موجود زن روستا را بیان میکند " روستاییان در مورد مسئله "ناموس و توه " سخت متعصب هستند . روی این حساب رابطه زن و مرد خیلی محدود است . در مدرسه اگر معلم اسم مادر و خواهر بچه را بپرسد سرخ بینشود و چیزی نمیگوید . این را از بدر و روستاییان دیگر اخذ کرده است که کفتن اسم خواهر و زن و مادر کار خوبی نیست . داماد عروسش را بار اول در حجله میبینند . اتفاق افتاده است که بخطاط پک نگاه چسبه زن یکی، دعوا مرافعه در گیرشده است . اما با این وجود زنان و حتی دختران روستائی برکارترین مردمند . آنها در مزرعه ها کار میکنند و حرفی در نمی آید . دشیدن کاو و توسفند ها جایجا کردن سرگین آنها و تپاله سازی و " قالانخ " سازی بر عهده زنان و دختران استه در دو کلمه خلاصه کم : آن همه حرفهای خوش (و شیرین) که درباره عشق بازی های عجیب و غریب روستائی دیگر شبهای مهتاب کنار جویهای روان گفته میشود ، خیال‌بافی ، شاعرانه ایش نیست . رابطه زن و مرد روستائی بر پایه احتمال خیانت زن ، ناقص العقل بودنش ، تحفیر شدنش و خد متغیر بودنش گذاشته شده است زن روستا نباید در تک رعنی ظاهر شود و طرف مشورت باشد او باید دور از انتظار مردم به حمام برود که پنجم نامحرم بر وی نیفتد . او باید در خانه از مردم بترسد و خود را زیر دست او بداند به مردم این حق را بد هدکه کنکن بزند و از خانه بیرون شکند . اما او حق ندارد برکرد به خانه بد رنگ و نلایه کند ، باید تحمل کند و ثابت کند که زن خوب و نجیبی است . فحش و گلک شوهر لازم و واجب است که زن در خانه بند شود ، صاحب خان و زندگی شود و بچه لوسی بار نباید . دختر هم که با به سن دو سه سالگی گذاشت باید چادر سر کند و رو بگیرد و از نام درم پرهیز کند . جلوی بدر و برادرها بایش بلند شود . بیش از این دست به غذا نبرد . نماز و روزه بجا بیاورد . خلاصه تقلید نه این را بکند ."

باید نوبه داشت که با تحوالت اخیر زیر بنائی و نجزیه طبقاتی در روستاهای ایران، زنان دهقان نیز به کارزار کشاورز، خرد، مالکان و خون نشینان تبدیل نموده اند. البته به اصطلاح رفته‌های تبلیغاتی دستنام ننگین بهلوی نه تنها ته‌ولی در جهت بهبود وضع توده غذی روستائیان میهن ما ایجاد ننموده بلکه اسارت بخشی از زنان روستا را که درگذشته به کار تولید اجتماعی منقول بودند به محبس "خانه‌های" تحمیلی بین از پیش موجب نموده است. ما در نویل بذکر آمار و ارقامی که اغلب از کارشناسان سازمانهای انقلابی درون کشور گرفته شده میبرد از هم تا تأثیر این "انقلاب شاهانه" را در زندگی روستائیان شاهد و تواه باشیم.

نمونه زندگی این بخشنده‌ها بزرگوار و چایکار گیلان میباشد که از سبیده صبح تا شب در مزارع تا کمر در آب و گل کار میکنند و شب هنگام نیز به انجام امور مربوط به دامداری، تهیه لبنتیات خشک کردن میوه‌ها و سبزیجات، بختن نان، آشپزی، رختشوی و بجهه داری میبرد ازند و اغلب اوقات جهت فروشن محصولات خود به حمل مجاور از سی کیلومتر بار بیاد رت میورزند.

"در منطقه چایکاری فومن و صومعه سرا کار زنان فقط چای چینی است و دستمزد آنان ۵۰ ریال در روز میباشد. این دستمزد رسیا ها کل ولاهیجان به ۳۵ ریال در روز میرسد. ساعات کار برای این زنان زحمتکش ۱۲ ساعت در روز است. بطور متوسط از هر ۱۵ نفر که در باوهاوس چای کار میکنند حدود ۵ نفر آنها دخترهای هشتاد و ۱۰ درصد آنها زنان سالخوردگی هستند که قاعدتا قادر نکار کردن نمیستند."

در داشجوی خوانیم. "امید دهقانان دامداری مختص رشان و صنعت دستی زنان روستاست. زیرا که کار مزد وری موقتی است و نمیتوان به آن امیدواری داشت. در این قبیل روستاهای اگر هم صنعت دستی قبل وجود نداشته باشد زنان از جاهای دیگر یاد نمیکنند.

به این ترتیب که دخترانشان را به شاگردی میفرستند یا اگر احیاناً زنی از اهل روستای خودشان از همایر باشد و در صنعت قالبیانی یا جاجیم و گلیه‌بافی وارد باشد از او یاد میگیرند . در این روستا چند سالی است که زنان قالی می‌بافند . از صبح تا غروب روزی دارهای افقی قوز میکنند تا بعد از سه یا چهار ماه که قالی را فروختند تکه نانسی گیر بیاورند ، وصله شکنان کنند . بشم قالی را هم از پیله ور نسبتی می‌خرند و هنگام فروختن قالی بول بشم را با بهره‌ای که رویش کشیده شده ، بس میدهند .

۳۲

زنان خوش‌نشین هم در بنیه چینی و در رو و سایر کارهای کشاورزی شرکت دارند و مزد آنها از ۲۵ ریال در روز تجاوز نمیکند . مزد بنیه چینی من ۲ ریال است . آنها حد اکثر روزی ۱۵ - ۱۰ من بنیه می‌چینند . زنان دهقانان صاحب‌زمین نیز در کارهای کشاورزی حنسی در درو نیز بشهود خود کمک میکنند و حتی زنان وقتی که حامله هستند تا آخرین روزهای قبل از زایمان در این طور کارهای سخت شرکت میکنند . زنو هنگام برآشتن از درو در راه خانه و شم حمل کرده بود این طور حواله غیر عادی نیست و مردم ده از این موضوع تعجب نمی‌کنند .

۳۴

در اواخر سری تحقیقات روستائی برمی‌ساخت اقتصادی روستا های کرمان میخوانیم : " کار زنها در اقتصاد خانواره روستایی ، اول (شهر آباد) نقش مهمی دارد . زنها هنگام بسته بوسی کمی تقریباً بدون استثناء در باغهای بسته کار میکنند . آنها اغلب با دندان خود بسته را خندان میکنند و برای بسته نگذان کردن هر من بسته ۸-۲۰ ریال مزد میگیرند . بطور متوسط یک نفر در روز همین بسته بوسی میکند بدین ترتیب مزد روزانه هر زن بطور متوسط ۲۵ - ۲۰ ریال است . دخترها در خانه گلیم نیز میبافند . مزد یک گلیم دو نیزی (عوض گلیم کثر از یک و نیم نیز است) نصف تومان است . معمولاً گلیم بافهای هر خانوار در خانه خود و روی گلیم خودشان کار میکنند . گلیمهای نخی (بنیه‌ای) است . مثلاً برای هر گلیم به اندازه ۰ بیست و نه درصد دود

چهل تومان رس میخورد . قیمت فروش این گلیم ها در حدود ۱۵۰ - ۱۲۰ تومان است .

مرد ها در صورتیکه برای کسی کار دائمی انجام دهند (در بسیغ
بسته) حدود ۶ تومان مزد میگیرند و در غیر این صورت مزدان در
حدود هفت تومان است . ۳۰

و نیز " کار در تمام مدت سال وجود دارد و استفاده شدید از کار
کود کان مسبب شده که آموزش و بروشر درده رشد بسیار ناچیز داشته
باشد بطوطیکه در این روستای ۲۶ خانواری فقط ۳۵ دانش آموز وجود
دارد . مزد کارگران مرد روزانه ۵۰ ریال مزد کارگران زن روزانه ۲۵
ریال مزد کارگران کودک روزانه ۱۵ ریال . اغلب زنان به جای مزد خود
برگ چند رهانی را که تپار کرده اند میگیرند تا خوراک گوشتند از خود
کلند . ۳۶

زنان ده هم برای ناجران قالی بشم میگردند و برای رشتن هر من
بشم ۵ ریال میگیرند . باید به یاد داشت که هر من ناجران یک من
و چارک و حتی بیشتر هم هست و زن ها حق اعترافی ندارند زیرا
میترسند که دیگر به آنها رسندند (این مطلب را مردم روستایی
مجاور میگفند و معتقد بودند در همه جا چنین است . در این روستا
نیز احتمالاً چنین است) رشتن هر من بشم دست کم ۷ روز طبول
میگند . ۳۷

بطوطه کلو " کارگران دائمی در این مزارع کمند و اکثر آنها کارگران فیصلی
هستند که روزانه ۴ تا ۵ تومان مزد میگیرند . زنها و دخترها هم موقع
چیدن و بذر باشی در مزارع مکانیزه کار میگنند و روزانه ۱ تا ۲ تومان
مزد میگیرند . ۳۸

در جای دیگر میخوانیم . " سرمایه دار نصفه کار بزدی (قدیری)
در زمین های زراعی بیش گفته صیغه کاری میگند . او از کارگران روزمزد
برای کار در این مزارع استفاده مینماید . مزد کارگران روزمزد که همه
موقتی هستند بدین قرار است . زن روزی ۳۰ ریال بجه روزی ۲۰-۱۵

ریال دارگیریزدی ماهی ۴۰۰ - ۳۶۰ تومان ۰ ۹ ۰
و نیز " قالی بافی زنها قسمت مهم و بلکه اساسی از درآمد خانواده را تشکیل میدهد . بطور متوسط دو تا زن که روی یک قالی کار میکنند هر سه ماه یک قالبچه میباشند . البته کار قالی بافی با دارالفنون به علت مشکل بودن از عده زنان بیرون منبع آباد . ۴۰
و نیز " مزد قالی بافان نیز بدین ترتیب است .

مزد قالی باف مرد ۶۰ - ۴۰ ریال

مزد قالی باف زن ۴۰ - ۱۵ ریال

مزد قالی باف بچه ۱۵ - ۵ ریال

هر قالب باف معمولاً سالانه ۳ الی ۴ ماه بیکاری دارد . ۴۱
در شرکت‌های سهامی زراعی معمولاً هم زنان و کودکان مزد وری می‌کنند و هم مردان . مزد زن و کودک در شرکت‌ها بین ۲ - ۱ تومان است و مزد مردان بین ۱۰ - ۶ تومان . ۴۲

" در آن دسته روستاهایی هم که شرکت برای سهامداران خانه ساخته است (مانند شرکت آریا مهر) حتی صنایع دستی نیز از بین رفته و زنان و دختران به یکباره عاطل شده اند زیرا در خانه‌ها ای که شرکت برای سهامداران خود ساخته، چیدن بساط صنایع دستی، معکن نیست نازه اگر هم ممکن باشد، شرکت اجازه نموده . ۴۳

" در کاب بررسی شرکت‌های سهامی زراعی چنین آمده است :
به گفته سهامداران قبل از تشکیل شرکت تضم اعماق خانواده کار می‌کرده اند و هر یک بنحوی در تولید شرکت داشته اند و بسهم خود درآمدی ایجاد می‌کرده اند . مثلاً زن در برگردان چغندر، چیدن علفهای هرز زمین، برداشت محصول، دوشیدن شیر و سایر کارهای مربوط به دام در خانه، بشم رسی، قالی بافی و غیره شرکت داشت کودکان جوانان می‌کردند و علف برای دام‌ها گرد می‌آوردند جوانان هم در کار کشاورزی بطور فعال دخالت می‌کردند . اگرچه زنان کاملاً بیکارند کودکان و جوانان و حتی بزرگسالان هم بقدار

زیادی از کارکشاورزی بیکار شده‌اند . ۴۴

و در جای دیگر آمده : " از طرفی زنان از کارهای مثل بشمر ریسی و تهیه لبنتیات و فالیباخی افتاده‌اند . زنان اکنون نان هم نیتوانند بپزند زیرا در خانه‌های جدید تنور وجود ندارد . آنها مجبورند نان را از نانوایی بخرند . در حقیقت اکنون کار زنان روستا شبیه زنان خانه دار شهری است در حالیکه کار زنان قبل اکمل خرجی برای خانواده به حساب نمی‌آمد . ۴۵

" میزان مزد‌های شرکت به ادعای شرکت بدین ترتیب است :

کودکان کارگر روزی ۲۰ - ۲۰ ریال کارگرهای دیگر روزی ۸۰ ریال (کاهی هم به ندرت ۱۳۰ ریال) کارگرهای دختر (فالیباخ) روزی ۴۰ - ۱۰ ریال (بر اساس کارشان) . کارگر زن هم که در شرکت وجود ندارد . (سرآبیار روزی ۱۰۰ ریال و آبیار روزی ۹۰ ریال) اما چنانکه گفته‌ی این رسمها را اولیاً شرکت میدهند . خود سهامداران می‌گویند که مزد شرکت چنین است . مزد کودک (سر) ۵ - ۳ تومان

مرد ۸ - ۵ تومان

میرابها (۱۲ نفر) ۱۲ - ۹ تومان

دختران فالیباخ ۶ - ۲ ٪ ۵

" زنان بطور کلی از کار بیکار شده‌اند و مانند زنان شهری فقط به خانه داری می‌پردازند . سایر مراد خانواده ، نیز مانند کودکان بیکارند فقط . محدودی از دختران در کارگاه مخصوص شرکت فالیباخی پیشنهاد نمی‌شود . این عده در حدود ۲۵ نفرند که اکثر آنها کم سن و سالند . چنانکه گفته تقریباً مزد روزانه آنها بر حسب کارشان بین ه تا ۲۰ ریال است . مزد این دختران روزانه نیست بلکه بصورت کار مزدی است . یعنی برای هر ردیف گره به آنها ۸ - ۵ ریال بر حسب مرغوبیت قالی می‌پردازند . ضمناً این ۸ - ۵ ریال هم به نسبت مساوی بین دختران استادکار و دختران استادکار و دختران شاگرد تقسیم نمی‌شود و دختران استادکار سهم بیشتری از آن را می‌سازند . با این وجود مزد دختران استادکار هم جیز قابل توجهی نیست . بسی

از دختران استاد کار بیکفت که در مدت سه ماه به او فقط ۰۰ تومان مزد داده اند . او بیکفت که در این مدت از ساعت هجده تا ۱۰ شب کار کرده است ،

دختران قاليسياف ميگويند : اگر کسی يك گره غلط بپرند حنسی اگر هر ديف هم گره روی آن زده باشد باید تمام رابشکاند و غلط خود را درست کند . طبعاً شکافتن و دواوه بافتن قالی مزد ندارد . اين دختران قالی باف از سواد محرومند . فقط بعضی از آنها به کلام شبانه ميرولند ۴۲°

همچنين " بيكاري كامل زنان سهامداران " گشته از تاثيسو اقتصادي نامطلوبی که بر زندگی آنها گذاشته ، سبب دگرگونی هايي در زندگي اجتماعي روستائيان نيز شده است . زنان سهامداران از طرفی در قفسهایی که در درون روستا برای آنها ساخته اند زندگی میکنند و از طرف دیگر خصلت های زن شهری به آنها تحميل شده در واقع آنها حتی نمیتوانند نان هم برای خود بپرند و مجبورند بيكار باشند و خانه داری و بجهه داری کنند . البته ايسن امر با برنامه انجام نشه بلکه خود دليل يك جانبيکي و ناتوانسي رفتهای ارجاعی است . لازم به ياد آوري است که در خود روستاي شمس آباد که در چند كيلومتری ساختمانهاي شرکت قرار دارد زنان مانند ساير زنان روستائي ايران به کارهای دامداری و صنایع کوچک خانگی روستائی وغیره ميبردازند و نقطه تغييري که تشکيل شرکت در زندگی آنان ايجاد کرده اين است که دیگر کار زراعي ندارند . ۴۸

" در روستاهای مورد عمل شرکت ، قاليسياني زیاد رواج دارد به طوری که شلا" در روستاي قاسم آباد هر خانوار تقريباً يك دار قالی دارد . روی هر دار قالی اغلب سه نفر کار میکنند و در عرض ۲ تا ۳ ماه يك قالیچه میباافند که آن را هزار تومان ميلروشنند . برای اين قالی لاقل ده من پشم لازم است که مني ۶۰ - ۵۰ تومان قيمت دارد .

مزد یک دختر بچه که سه تا چهار سال قاليبياني کرده باشد برای بافتني یک قالی ۵۰ - ۱ توطن است و مزد یک استاد کار در حدود ۱۰۰ توطن . ۴۹

در جای دیگر من آید " در سالهای قبل از تشکیل شرکت زنان این این منطقه معمولاً گرشهای خاص میباختند بنام بشقی . هر جفت بشقی در حدود ۸۰ توطن مواد اولیه نیاز داشت و حد اکثر ۰، روز هم کار میبرد . این یک جفت بشقی را به ۲۰۰ توطن میفروختند . پس باز تشکیل شرکت تولید قالی باقی به صورتی دیگر درآمد . از آن پس بیشتر زنان و دختران قالی باف برای بافتني قالی به کارگاههای شرکت میروند . یک نفر از دهقانان منطقه میگفت که دو نفر از خانواده او به قالی باقی میروند و هر دوی آنها برویهم در عرصه یکسال فقط ۶ توطن کار کرده اند . ۵۰

هچنین سازمان مجاہدین خلق ایران در گزارشی از " شرکت سهامی زراعی آریا مهر " در خود اد ۳ چنین مینویسد :

" کارگاه صنایع دستی در این کارگاه که از دو اطاق تشکیل شده ۱۰ دستگاه دار قاليبياني به مساحت ۳ ۲ متر قرار دارد . پشت هر دستگاه قاليبياني سه تا چهار دختر جوان که سنشان بیمسن ۱۲ - ۸ سال است کار میکنند . جالسمب است که طبق دستور شاهنشاه آریامهر دختران ۱۲ - ۸ سال حق قالی باقی ندارند ، اما رزیم نتوانسته از بکار گرفتن آنها حق در این نطايشگاه هم خسود داری نطايد . این کارگران جوان همه دارای یک نوع لباس و یک نوع روسری هستند . کارنامه قاليبياني زیر نظارت شرکت سهامی فرش اداره میشود و یک نفر زن از طرف آن شرکت بکار دختران نظارت میکند و دختران را تعلیم میدهد و نقشه قالبها هم از طرف شرکت سهامی فرش در اختیار آنها گذاشته میشود . مهمترین کار این خانم معلم ۵ ساله که شلوار بیا دارد و کمی هم توالی کرده این است که در مورد کارگاهها باز دیدگذشتگان توضیح بدهد .

مزد دختران بر حسب مقدار کاری که انجام دهند، پرداخت میشود. بدین ترتیب که در ازای هر روزیف (نفر یا راه) که قالی بیافتد ۶ / ۵ ریال دریافت میدارند. مزد هشت ریال مرسوط به یک نوع قالی مرغوبتر است. هر سه نفر دختر یک روز بین بیست تا بیست و دو روزیف بیافتد که مزد هر سه نفر آنها رویهم ۱۴۳ ریال و یا به هر نفر در روز ۲ / ۶ ریال میرسد و کاملاً واضح است که بگونه استثمار شدید در این کارگاه رایج است. حتی در بعضی از کارگاهها ۴ نفر دختر در روز ۲۲ روزیف بیافند.

این میستم کار یعنی مزد برای هر روزیف بافته شده این حس را برای کار فرما دارد که کار فرما دیگر در این فقره نهیست که کارگر در کار کرد ن سهل انگاری کند زیرا هر دقیقه وقت تلف کرد ن باعث میشود که کمتر بیافد و در نتیجه مزد کمتری دریافت دارد. در این حالت کارگر ممکن است کارگر نفع داشته باشد مهارت در کار بیشتر از آنچه برای خود کارگر نفع داشته باشد بنفع کار فرما است و کارگر را استثمار بینشتر میکند زیرا کار فرما از این مهارت کارگر دو استفاده میکند. یکی اینکه کارگر میتواند قالی مرغوبتر را با همان مزد سابق (هر روزیف ۸ - ۵ / ۶ ریال بیافند) و نانیاً بر اثر مهارت کارگر تولید کارگاه بیشتر میشود که در هر دو صورت سود سرشاری را نصیب کار فرما میکند. در سال گذشته این دختران هر سه تا چهار نفر روزانه ۱۰ روزیف بیافند یعنی مزد روزانه آنها در حدود ۲۰ ریال بوده. مدت کار روزانه اگر بیشتر از ۱۰ ساعت نباشد کمتر نیست ولی امسال بین ۲۰ تا ۲۲ روزیف رسیده است. قالیهایی که سال گذشته بوسیله این دختران تهیه شده بود بوسیله شرکت سهامی زراعی آریا مهر در بازار تخته ای ۴۳۰۰ تومان فروخته شده در حالیکه شرکت سهامی زراعی برای تهیه یک تخته قالی بدختران ۱۴۹۵ تومان بیشتر مزد نداده بود.

زنان خرد ه بورزواد بورزو

در مورد زنان خرد ه بورزوا که مرکب از دو کروه خانه داران و شاغل از نیمه امور اجتماعی میباشد باید گفت که زنان خانه دار کم فاقد استقلال اقتصادی میباشد تمام نیروی انسانی خود را صرف امور مربوط به خانه و بجهه داری نموده و در قبال این کار بی مسرد تحت تاثیر فرهنگی که زن را بسته بذیرفتن ارزش های سنتی در چهار دیوار خانه و به دارا بودن بینشی محدود از نظر اجتماعی، محکوم می نماید . افکار آنها معمولاً متوجه مسائل غیر عده گردیده و سطحی و نا آگاه باقی میمانند . در استدلات روش تفکر مآبانه این کونه مطرح میشود که بزرگترین وظیفه اجتماعی یک زن تربیت صحیح فرزندی است که به اجتماع تحويل میدهد و نقش و اعتبار زن را در حاممه، بسته به انجام این "وظیفه" میدانند . سؤال اساسی اینجاست که جکونه زنی که خود از عرصه اجتماع جدا بوده و دارای هیچ کونه تحلیلی از مسائل اجتماعی (علمتدوری از آن) نیست میتواند به تربیت اجتماعی فرزند برد اخذه و موجود خبیدی به اجتماع تحويل دهد ؟ البته این سؤال معمولاً بی باسخ میماند و چه باسخی کویاتر از سکوت .

کروهی دیگر از زنان که به کار اجتماعی اشتغال داشته و به اصطلاح دارای استقلال اقتصادی نیز هستند ، اغلب دختران هستند که تحصیل کرده و معمولاً در دیورستان و احتمالاً دانشگاه را به پایان رسانیده اند . این زنان شاغل اغلب در بخش خدمات بسته مشاغلی از قبیل تدریس و یا کار در ادارات مصغولند . مسئله اساسی اینجاست که با وجود استقلال اقتصادی، باز هم مسئله "زن" بودن بعد از بازگشت بخانه تکرار میشود و اداره منزل به اضافه انجام کار اجتماعی توانماً بعده آنان است . اغلب او قات زن که بکار خارج از منزل نیز اشتغال دارد باید تلاش کند که "وظائف" مربوط به منزل را کاملاً خوب انجام دهد، تا مرد از سلاح قانونی خود یعنی

"کار همسر را منافی مصالح خانوادگی دانستن" استفاده ننماید.
روشن است که با وجود "برابری زنان و مردان" اصولاً در اسر
استخدام و برد اختحقوق نیز تبعیضات بسیار م وجود است که از
ذکر آن به تفصیل خودداری میکنیم .

طرز تفکر زنان خود را بورزوا نیز اغلب بر حسب گروههای مختلف
اجتماعی که در تماشای آنها میباشند، متفاوت بوده و همچون
مردان این طبقه تحت تاثیر تبلیغات فرهنگ استعمار، میباشند .
ولی باید توجه داشت که آنکه زنانی که در زمان حاضر به
آکاهی طبقاتی و تاریخی دست میابند و علیه نظام طبقاتی و
حاکمیت مردان به نبرد دست میازند، از این طبقه برخاسته اند .
چرا که درگیری اجتماعی و امکان ارتباط بیشتر با افکار متوفی و روشن
(بیش از هر گروه دیگر) به آنان یاری میدهد که الام اجتماعی
جامعه را شناخته و در صدد حل آن برایند .

در مورد زنان بورزوا در ایران روشن است که آنها خود از نظر
طبقاتی استمارگرنده و لی بعنوان یکی از تحت سلطه و بازیحه دست
مردان هم طبقه خویشند . باید توجه داشت که اگر در جامعه
سرمایه داری نیروی کار زنان کارگر در جامعه بصورت کالا در می آید
زنان طبقه بورزوا به علت آنکه خود مولد نیستند و مطلقان در تولید
اجتماعی شرکت ندارند، خود به صورت کالا در میابند . زنان این
طبقه بین از هر زن دیگر اجتماع به سئله آراستگی ظاهر
توجه داشته و به شدت از مظاهر فرهنگ بورزوایی متأثر میباشند .
آرایش افراطی، بیرونی مطلق از مد، رقص و موسیقی "مدون" فیلمهای
تجارتی و هفتضخ همه و همه در خدمت این امر است که این مساعی ،
این کالای مصرفی و این موجود نقش باخته، با رنگ و رونگ بیشتر،
و در زروری بیجیده تربه بهای کلان در بازار مکاره مسد اکران اجتماع
بفروش رود و در خدمت مصرف خوددار در آید .

فواحش

و اما تیره بختان و سیه روزان دیگر جامعه ما زنانی هستند که بعلت وجود فقر نمایند ناشی از استطراجمعه طبقاتی و بعلت تعصبات و خشک مغزی حاکم بر جامعه، به تجارت بد نبرداخته و در لجنزار آلوگهای طبقاتی جامعه غوطهورند. این زنان تیره روز اغلب بر اثر استیصال و جهت امور معاش به این کار استفاده داشته و کاملاً مطرود جامعه میباشد.

در کتاب "پیرامون روسیگری در شهر تهران" تالیف آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی (۱۴۴۲) تعریف روسین را جنین میخوانیم: "روسین زنی است که از راه خود فروشی امور معاش میکند و جزاین پیشه‌ای ندارد و تحت نظامات خاص این پیشه بنکار خود ادامه میدارد." آمار این شریه نشان میدارد که ۸۴٪ روسیان از خانواده‌های بی‌چیز هستند. ۸۵٪ در شهرها زندگی کرده و ۲۶٪ در صدی که در روستاها تولد یافته اند برای پیدا کردن کار به شهرها آمده و به دلایل مختلف به این شغل تن داده اند. در مورد سواد والدین آنها باید گفت که فقط ۵٪ از بدران و ۲٪ از مادران روسیان با سواد بوده اند. ۳٪ از خود روسیان نیز بسیار نمودند و اکثر آنان که سواد دارند سطح سوادشان در سطح کلاسهای اول تا ششم ابتدائی میباشد. ۳٪ بخاطر ازدواج‌های نا موفق (طلاق و یا فوت شوهر) و بقیه به دلایلی از قبیل فریب خوردن یا فوت والدین بی‌سر برست مانده اند. بیش از ۶۰٪ از این زنان بین سنتین شانزده الی بیست و پنج سالگی می‌باشند و مشغول به این کار شده اند. ۲۲٪ قبل ازدواج کرده اند و از ازدواج خود اظهار عدم رضایت میکنند و دلایلی مانند دخالت دیگران و یا وجود "هوو" را علت جدایی ذکر کرده اند. ۸٪ ۵۳٪ از شوهران این زنان، بی‌سواد و از نظر شغلی در سطح بایین قرار داشته اند. عده‌ای از روسیان دارای فرزند هستند و ۶۲٪

از همه فرزندان چه قانونی و چه غیر قانونی : توسط مادر اداره میشوند که این خود افلیب بدلیل نقد بدر و یا بی توجهی او بسه اولاد میباشد . ۰ / ۳۲ درصد از روسیان قبله به کار دیگری استغال داشته اند . ۰ / ۶۳ درصد از این شاغلان به کفتی، رختشوی، آشپزی وغیره ۰ . ۰۰۰۰ اشتغال داشته اند . و سپریا اختلاف قابل توجهی کارگران بافتگی و کارهای دستی و قالبیافس ریستنگی، خیاطی و آرایشگری قرار دارند . بطور کلی هیچگونه مشاغلی که مستلزم مهارت و یا سواد باشد میان این گروه به چشم نمیخورد . علل توك کار غالباً بد رفتاری کارفرما و حقوق کم در شرایط بد و سخت بوده است . در حدود ۵ / ۲۵ از روسیان تعایل به ترک کار خود و استغال به کار دیگری را دارند ولی غالباً جاره ای دیگر ندارند . ۵۲

چنانچه دیدیم اکثر روسیان از طبقات محروم بوده و بعلت نداشتن تامین اقتصادی تن باین کار مید هند . این زنان محروم و ستدیده معمولاً در سنین جوانی دچار انواع بیماریها گردیده و در سنین، نزدیک به سی سالگی بعلت تحمل رنج و مشقت فراوان و ابتلا به امراض کوناکون به سیما زنان کهن سال و بیرون آمده و معمولاً به مرگی زودرس در میگذرند .

اگر چه حاکمیت نظام استعمار خود شرایطی را تو افریند که بخشی از زنان محروم جامعه به منظور امصار معاش به فحشا، کسانده شوند، اما ماهیت ریا کارانه این ستمگران، آنان را وامید ارد علیرغم آنکه خود موجد بیدایش فحشا در جامعه گردیده اند، برای قربانیان ستمهای خوبیش با وضع قوانین، عواشر بیانه، مجازات نیز قائل گردند و آنان را محکوم تعایند . فرهنگ منحط طبقاتی در توجیه طبقه استعمارگر لبه تبع ملامت را تنها متوجه روسیان تبره روز نموده و به ازادی حاکمیت شوونیزم که زانیده فرهنگ طبقاتی است . این زنان محروم را مسئول دانسته و در این رابطه از نقش تعیین کننده مردان در وجود و ادامه این بدبده بیطارگونه اجتماعی هرگز

سخن نمیرود . انگلیس کبیر در کتاب منشا " خانواده ، مالکوت خصوص
و دولتی نویسد که :

پدیده نهنا گرچه در سخن محکوم میشود ولی
در حقیقت نه تنها عمل میشود؛ بلکه با لذت تطم، بخصوص توسط
طبقات حاکم صورت میگیرد . ولی در واقع این محکومیت بهبیچه جو
شامل مودانی که به آن اقدام میکنند نمیشود و فقط شامل زمان
میگردد . آنها نگفیر شده و طرد میشوند تا بدینوسیله یکبار
دیگر سلطهٔ مطلق جنس مذکور بر جنس موئنت به منابع قانون بنیادی
جامعه اعلام گردد .

بخش سوم

تاثیر فرهنگ حاکم و گوسته‌ای از تبلورات شووندیسم.

اصولاً بدیده شووندیزم بجهه همین است و تبلورات آن کدامند؟
شووندیزم، به همین برتری طلبی است و این واره در مورد نظری که
به "برتر بودن" مرد در جامعه و یا "برتری" ملیت و یا نژادی بسر
ملیت و نژاد دیگر معتقد است به صور "شووندیزم مرد" و "شووندیزم
ملی" مورد استعمال دارد.

چنانکه در بیش اشاره کردیم، استنمار زن از نقطه نظر اقتصادی،
بیش از بیدایش طبقات اجتماعی آغاز گردید و پس از ظهور طبقات در
جامعه انسانی نیز ادامه یافت. استنمار زن از نقطه نظر زیربنائی
(اقتصادی) در جامعه سند بنای شووندیزم یعنی احسان برتری
طلبی مرد را در فرهنگ، بمنابه بخش از رینای جامعه گذاشت.
در بروسه رشد تاریخی جوامع، شووندیزم مردان به صور کوناگون و با
توجه به قانونمندیهای هریک از سیستم‌های اقتصادی مسلط در دوران
های خاص تاریخی تبلور یافت.

با انتقال قدرت اقتصادی در جامعه به مردان، مردان شرکت
کنندگان مستقیم در تولید اجتماعی گردیدند و کار زنان به تولید
کوچک خانواده منحصر گردید. کنترل تولید اجتماعی بوسیله
مردان، ناگزیر قدرت سیاسی و اجتماعی مردان را بدنبال اورد. از
آن پس مردان حتماً انان جامعه کوچک خانواده گردیده و نقش
زن به نقشی نانوی و جنبی بدل گردید. بروسه تاریخی این
نزول نقش اجتماعی زن را به تفصیل مورد بررسی قراردادیم. در
اینجا لازم می‌بینیم که تبلورات شووندیزم را در جامعه خود یعنی
ایران امروز نشان دهیم.

هر نظام اقتصادی دارای فرهنگی است که بطور مستقیم در

خدمت آن نوع نظام فرار میگیرد . روینای فرهنگی جامعه ما ایران امروز، آمیزه‌ای از عاید سنتی کهن فرهنگ هندوالي، با کلیه تبلورات اخلاقی و مذهبی حاصل حاکیت طولانی فنودالیز م در ایران و ارزشهاي نوين بورزواني است که با رشد سرمایه داری در ایران و اعانت دستگاههای تبلیغاتی امپرالیستی و طبقه حاکمه کبرادر ایران رشد میابند . در طبقات زحمتکش ایران دختران در اجتماع درسته خانواده / تحت کشش شدید بدران و برادران خود هستند و والدین هر لحظه متصد يافتن شهری برای آنان بوده و میل دارند که هرچه زودتر آنها را از سرباز کنند . در این طبقات اماں تحصیل علم معمولاً نه برای دخترونه برای بسر وجود ندارد ولی اگر چنین امکانی نیز وجود داشته باشد بسر است که حق استفاده از این موقعیت را دارد . دختر باید نزد مادر به امور خانه برداخته و بیاموزد که همیشه مطبوع و بردۀ مردان خانواده (بدر و برادر و شوهر) باشد . در این طبقات توجه شایانی به تعلیم امور خانه داری به دختر مبذول میگردد ، تا برای ازدواج با فردی که بدر و مادر تعیین میکند اماده باشد .

همه روزه جراید ایران ملو از اخباری از نوع ذیل میباشند . "بدری دختر خود را کیلویی شوهر داد " و یا " دختر بانزده ساله ای بعلت مخالفت با ازدواج با یک مرد بیرون که موافق میل بدرش بوده بدمت بدرش بقتل رسید ." روشن است که برای دختری که تحت چنین شرایطی ناگیر از ازدواج میشود، راه بازگشت وجود ندارد به جز آنکه به کلیه ستمای اعمال شده از جانب شوهر تن داده و تسليم محضر باشد و اگر در شرایطی قرار گرفت که فدرت تحمل این وضع را از دست داد بعلت عدم شناخت از محیط اجتماعی و فقدان هرگونه احساس امنیت در اجتماع، به فحشاً یعنی نیستی محظوظ کشانده میشود . نونه‌های شخصی از ستدیدگی زنان جامعه را در ذیل ذکر میکنیم :

بیمرد هفتاد ساله‌ای همسر هجده ساله خود را بعلت اظهار

نظر همسایه‌ها مبنی بر اینکه به اصطلاح زیر سر شن بلند شده است. در خواب با تبر قطعه قطعه کرد. در جای دیگر میخوانیم بدروی دختر شانزده ساله خود را بعلت ابراز مخالفت با ازدواج با بیزمردی که بدر او براین در نظر گرفته بود کشت. این بدر دختر را بداخل چاه انداخته و بدت بکمال به روی او را لای میریخت.

در جای دیگر شوهری بخاطر اینکه مادا چشمان زیبای همسنیز بروی مرد دیگری افتاد نیمه شب این چشمان زیبا را از کاسه دراورد. اینها تنها نمونه‌ای از هزاران مورد زنده تضییع حقوق زن است. برای توجیه این جنایات، بهانه دفاع از ناموس و شرف غشوان میشود که با انتبطاق بر ارزش‌های "دادرسان" نیز عمل این مالیخولیانیان سنگر موجه شناخته میشود.

در طبقات مرغه وضع متفاوت است. دختران از امتیازات بیشتری برخوردار بوده و حق رفتن به مدرسه را دارند. ولی در اینجا نیز هدف خانواده از فرستادن دختر بمدرسه "تحصیل دانش" بوده. بلکه این واقعیت است که مدرک تحصیلی دختر، قیمت غرمن او را به سکم ازدواج در بازار مکاره اجتماع بالاتر میبرد. تجلیات فرهنگ استعماری در این طبقات بوضوح بیشتری عیان است. زن ایرانی غرق در دنیا بی خبری، بیگانه از ارزش واقعی وجود خود و غافل از نیروی خلاق و مازنده اش، تحت تأثیر فرهنگ استعمار در زیر نفوذ پدیده غورزدگی به "کلا بون" خسود خو گرفته و کار را برای بليغين فرهنگ استعماری که هدفی جز استفاده تبلیغاتی در مورد "زن" ندارند، ساده میکند. انتخاب ملکه زیبایی و دختر شایسته. تقلید کورکورانه از مد، قرار گذارد ن مهریه‌های سنتی و ضیافت‌های مجلل عروسی همه نشانه‌های طرز فکر زن نا آگاه ایرانی است که در چهار دیوار محبس جهل اسیمش ساخته اند، محبسی که میکوشند روزنی به جهان واقعی نداشته باشد.

ویگهنه نامه هایی که رسالت انتقال فرهنگ تحقیقی استعماری را بسیار مهده گرفته اند نقش منسی در انحطاط فرهنگی زبانان ناآگاه ایرانی اینها مینداشتند. محور اصلی کار این وسائل تبلیغسانی ننگین وابسته به رژیم، تبلیغ سطحی بودن؛ شکننده بودن و به همک لام بازیجه بودن برای زن ایرانی است. در مجلات "زنانه" ایران ارمنانهای تجدید به صور ذیل اوردند می شود.

پرداختن به زیبائی، آراستگی ظاهر، در جریان آخرین محصولات سالنهای مد بودن و تجویز نسخه های گوناگون برای زنان جهت دلربایی و هیجان انگیز بودن. باین "کالای ظرف و شکننده" مهاوزه که چگونه در بهترین حرصه کردن خود کوشیده و هر چه بیشتر خود را در خدمت ارضای خواسته های مردان درآورد. آنچه که بطریور خلاصه تضمین کننده ابتدال و انحطاط فکری زنان میباشد.

استفاده از زن در امر تبلیغات و بهای نازل تجارتی که جسمه وی تعلق میگیرد، از شمار برخوردهای سوداگرانه ای است که بدین "کالا" میشود. بهای زن معادل ملان نوع آدامس جای، گشن، کاغذ دیواری و غیره ترار میگیرد به نحوی که همه حکایت از بی اخباری و بی ارزش بودن زن در جامعه امروز میگذد. زن در حد معامله با هر کالای آنچنانی تنزل میابد. زن را به درجه ای از ابتدال کشیده اند که نا خود را برهمه و لوند عرضه نکند، خردیار کالا رفته ندارد به آن جنس نگاه کند خلاصه زن را در بازار مکاره زندگی برهمه کرده اند و چوب سراج را به وی زده اند و افسوس کسی زنان ما نیز به ارزشها متعطی که نظام برده داری را در خاطره ها زنده میکند، تسلیم گردیده اند. چرا که خرد و فروش چه کیلویی صورت گیرد و چه بر اساس مدرک تحصیلی و بایگاه طبقاتی خانسوانه در اصل تفاوتی ندارد.

در اینجا بد نیست: اشاره ای به حضیبه معروف خبرنگار اپتالهایی "اوریانا فالاجی" با شاه که به اصطلاح داعیه آزاد کرد زن ایرانی را دارد بنطعم. این حضیبه در اوائل اکبر

(New Republic ۹۲۳) انجام گرفته و در مجله به چاپ یافته است . خانم خبرنگار از او راجع به شایعه ازدواج مجدد وی سوال میکند . شاه با سن میدهد که این امر صحت ندارد ، ولی هر مردی حق دارد که زنش را در صورت عدم انجام وظایف زناشویی طلاق دهد . خانم خبرنگار میگوید " رفته رفته این کسان بر من قوت میگیرد که زنان در زندگی شما نقشی ایفا نمیکنند . " ۵۴ شاه با توضیحات خود این کسان را به یقین مهدل میسازد و میگوید که زنان نقشی مهتر از زن بودن یعنی ارشاد حوالج جنسی مردان را بعده نداشته و در آن رابطه باید معنی کند کسی جذاب و دلربا بمانند . در اینجا این به اصطلاح عذردار از ازدواج زنان ، نقاب از زن برگرفته و جهره واقعی خود را به مقابله مردی مطلع از پلید ترین احساسات شوونیستی و ارزش‌های تباہ طبقاتی میان میان میسازد . وی در ادامه صحبت‌ش اشاره ای به جنبش‌های زنان جهان که خواهان برابری با مردان هستند میکند و میگوید : " میمن نیخواهی بی نزاکت جلوه کنم . در مقابل قانون زنان میتوانند برابر باشند ، ولی در زمینه لیاقت و شایستگی نه . " ۵۵

خبرنگار از این گستاخی حیرت کرده و میبرسد " آیا ما واقعاً در لیاقت و استعداد برابر با مردان نیستیم ؟ " شاه جواب میدهد " نه ، شما نه میکل انزوتیوانسته اید به جامعه تحويل دهید و نه پنه باخ . شما حتی یک آشیز شهور نیز به دنیا تحويل نداده اید . شما هرگز کار بزرگی انجام نداده اید . " ۵۶

شاه زنان را تحفیر کرده و آنها را بحث میشمارد . شنیدنیست که شاه نمونه زنان آنچنانی دربار خویش را در پیش چشم دارد . در کار اظهار نظرهای مبتذل و ارتجاعی شاه ، نکهه ضحك دیگری نیز به چشم میخورد . وی زنان دارای قدرت سیاسی را موجود انتی خونخوار اعلام داشته و آنها را بپرحتراز مردان میخواند . جالب اینجاست که خونخوارترین دو خیم جهان و کسی که دامنه " دادن آزادی به زن ایرانی " را دارد ، زن را نالایق / حقیر و خونخوار میبیند .

بقایای فرهنگ فتوود الی که هنوز در اعتقدات مردم بیهوده ما
قوت بسیار دارد، اعتقدات خراالفی بسیاری را در مورد زن در جامعه،
همچنان زنده نگاه داشته است. خود این مسئله که برای اکثرت
خانواده های ایران تولد فرزند پسر و دختر ارزش مقاومتی دارد، مسئله
ای است که طل اقتصادی بیش از هر چیز موجد آن بوده است. از
انجا که در دوره فتوود الیز به زن بعنوان یک نیروی مستقل کسار
نگریسته نمی شود، بد ختر از هنگام تولد بصورت موجودی سربشار
خانواده برخورد می شود، در حالیکه فرزند پسر خود میتواند عامل
مولد بوده و در خدمت اقتصاد خانواده قرار گیرد. در تحقیقات همکم
در مورد طرز برخورد پفرزندان دختر و پسر در بین عناصر ایمان
بعمل امد، ریشن گردید که بسته به آداب و سنن هر عشیره پسر-
خورد به نوزاد دختر و پسر مقاومت است. " در عشایری چون ایلات
آذربایجان شرقی (ارسباران، ایل خلالی، هرکی) ایلات قشقائی
و غیره که وجود شیریهای کلان مرسوم نیست تولد نوزاد پسر را جشن
گرفته و از تولد وی بسیار سرور می شوند در حالیکه از تولد نوزاد دختر
حتی احسان سرافکندگی نیز میکنند. حتی مسائل مربوط به سلامت و
رشد بد نو پسر بیش از دختر مورد توجه است اما تولد نوزاد دختر
در ایلانی که " شیریها " مرسوم است مثل کره سنی آذربایجان به
طت شیریهای کلانی که برای دختر در هنگام ازدواج از خانواده پسر
می گیرند، اهمیت بیشتر دارد. " ۵۲

در روستاهای ایران زن طیرغم آنکه از گذشته های دور، خسود
ستقهما در تولید کشاورزی و یا در تولید صنایع دستی شرکت فعال
داشته، معهد اعلاوه بر ستم و استثمار طبقاتی، از ستم شدید مردان
جامعه نیز رنج فراوان میبرد. از زن در روستاهای ایران بمسنوان
نیروی کار رایگان استفاده گردیده و وظائف شرکت در تولید کشاورزی
دامداری، قالیبافی و بطور کلی شرکت در انواع اشکال تولید روستایی
استفاده می شود به اضافه آنکه اداره کلیه امور مربوط به خانه

از قبیل بچه داری، پخت و پز، شستشو، تهیه لبپیات وغیره را نیز بعده دارد . زنان روستا موظف به تسکین محض از شهر بوده و چون برده مطیعی تابع خواسته ها و امیال شوهر، پدر و مردان خانواده میباشند . زنان روستا "ناموس" مردان جامعه روستائی هستند . نظرات و اعتقدات زنان از هیچگونه ارزشی بسیار خوردار نبوده و اصولاً زن "بنت تر" از آن است که مسورد مشورت قرار گیرد . مرد در خانواده حاکم مطلق العنان است و زن عامل بین چون و جای اجرای تصمیمات متذکر بوسیله مردان .

زنان کارگر از نظر تاریخی مدت زمانی بیش نیست که به عرصه تولید صنعتی و اجتماعی روی آورده اند . اگرچه در عرصه تولید نیروی مولده مستقلی را تشکیل نمی‌نمایند، معنداً از لحاظ فرهنگی تابع محض مردان جامعه میباشند . زن کارگر زمانی میتواند به عرصه تولید اجتماعی قدر گذارد که مرد خانواده ضرورت اقدام به این امر را ناید که در این صورت تازه باید رسیدگی به کلیه امور مرسوط بد خانواده را جزو وظایف خدمتگزاری خود قرار دهد . بهای نازل کار مولده زن کارگر در عرصه تولید نیز در واقع بصورت بخشی از هایملک خانزاد، در وابد . وزن کارگر علی رغم شرکت مستقیم در تولید عملاً از نظر اقتصادی همچنان وابسته بمعد و تصمیمات وی باقی ماند، و نهادان استقلال اقتصادی این بار تحت تأثیر تجلیات فرهنگ شوونیستی مردان همچنان ادامه می‌باید .

در مورد فرهنگ سلطنت شوونیستی بر طبقات زحمتکش باید اشاره کنیم که اصولاً فرزند دختر در تطابق با اعتقدات سلطنتی مردان خانواده بار آمد، هیچگونه حق در انتخاب سرنوشت خوبش را دارا نمی‌باشد . دختران این خانواده‌ها معمولاً با الگوی تربیتی از بیش آماده شده‌ای تربیت می‌شوند . دختران موظفند که تا رسیدن به سن ازدواج همان اموزشی را ببینند که آنها را برای رفتن به بخانه شوهر "واجد شرایط و صلاحیت" می‌کند یعنی فراگیری امور مرسوط به خانه، آموزش تعیین محض از مردان و اطاعت در کلیه زمینه

ها . در مورد اینکه چرا مردان چنین ستمی را بر زن روا میدارند باید اشاره کوئم که این خواست و انتخاب مردان برای ستمگری نهست که آنان را وادار به انجام چنین تحمیلاتی میکند . این تحملات اگرچه بسیار ظالمانه و متعصبانه صورت میگیرد ، در هنر حال کاملاً ناآگاهانه است . همانفرهنگی که به زن میآموزد که به این تحملات تن دهد ، به مرد یاد میدهد که اعمال این تحملات حق مسلم است . ملامت کردن مردان بدون در نظر گرفتن فرهنگ سلطنت برآورده و منشاء اقتصادی حاکمیت این رویانه ناشی از مجرد نگری محضیه مبالغه استخراج زن و پیدا یافته شوونیزم در مردان میباشد .

گفتم که فرهنگ سلطنت بر ایران امروز آمیزه‌ای است از احقادات فرسوده ناشی از فرهنگ فتوالی و نفوذ فرهنگ استعماری و بورزوایی . شدت این ناهمگونی فرهنگی مستقیماً در ارتباط با تحولات زیرینانس اخیر جامعه ایران میباشد .

گاه درینی کاصله بین وضع زنان و مردانی که بیشتر در معرض تبلیغات فرهنگ بورزوایی میباشند با زنان و مردان ایرانی که هنوز از تأثیرات مستقیم این فرهنگ تحملی نهیں نقش عمیق نهذیرفته‌اند ، مشاهد میشود . برای مثال تبلیغات فرهنگ بورزوایی در شهر و روستای ایران هنوز از تفاوت فاحش بین احقادات سلطنت بر شهر و روستا حکایت میکند .

در شهرها ، با گسترش نفوذ فرهنگ استعماری و بورزوایی و وسعت تبلیغات به نسبت روستا ، احقادات کهن فتوالی به نفع ارزشمندی فرهنگ بورزوایی هر روز بیش از گذشته خرد شده و از همان میروند . فرهنگ طبقات خود را بورزوای و بورزوای تحت تأثیر مداومت تبلیغات بورزوایی از طریق وسائل ارتباط جمعی نظیر مطبوعات ، رادیو تلویزیون و نیلیم‌های سینمایی غرب مدبلاست که دستخوش تغییرات عظیمی میگردیده است . زنان بورزوای که خود انگلکهای جامعه هستند بسا بذریش کامل فرهنگ منحط جوامع سرمایه داری غرب ، تنها کالاهایی

هستند بی مقدار که با تانیر از تبلیغات سرمایه داران، هصرفکتند گان
محصولاتی می باشند که بورزوای جهانی با ایجاد نیاز مصنوعی از طریق
تبلیغات فراوا ب به بازار عرضه می کند . استفاده از لوازم اراپسن ،
لباسهای مد روز و تقلید از بتهای فیلمهای سینمایی زن بورزو را به
عروسوکی کوکی شبیه می نماید که با استفاده از این محصولات می خواهد
بیشتر و بیشتر مورد توجه مردان هم طبقه خویش قرار گیرد . زن بورزو
برای زیبائی صوری و طبق آخرين مد روز بودن از کلیه امکانات طبقاتی
خود استفاده می کند، تا به هدف "بزرگ" خود یعنی یافتن شوهری
دلخواه (که چیزی نوشت مگر مردی ننویسد که امکانات بسیار اوردن
خواستهای صرفا بورزوائی زن بورزو را تامین نماید) نائل گردد . زیبا
بودن، شیک بودن، به رموز و فنون دلربائی اشنازی داشتن همه و همه
وسائلی است که زن بورزو برای یافتن مرد دلخواهش بکار میگیرد . زن
بورزو مطحعی و مبتذل، خواهان زندگی مجلل، خانه ای کاخ مانند :
اتوموبیل های آخرين سیستم و امکان سفر به کشورهای غربی است
برای آنکه از نزد یک مشاهد آخرين تحولات مد و زیبائی در غرب باشد .
مرد دلخواه او کسی است که این امکانات را ایجاد نموده و در عین
حال همان خصوصیات مبتذل زن را نیز دارد باشد یعنی حتی القدور
خوشنی، خوش بروز و شیک بوسن موده و به آخرين سازه های
سوداگران غربی نیز خوب برقصد و در این میان چه بهتر که از عنادین
شخصی از قبیل "دکتر" ، "مهند من" دکتر مهند من " مد پر کل"
نیز بروز و اربابشند . وبخاطر این عنادین فخر بفرشند . تمام خواست
های زن بورزو، تمام دنیا ای زن و مرد بورزو در این خلاصه میشود .
انجا که کودکان بنوج برای رفع گرسنگی علف می خورند زن و مرد بورزو
نگران آنند که از همبالکیهای آنچنانی خود در میهمانیهای قمار غصب
نمانتند . این لاشخوران با استئنار اکبرت جامعه، زندگی تهوع وری را
که در فوق تصویر کردیم منتهای حصول به "سعادت" و "نیکبختی"
برای خود می انگارند .

لازم به تذکر است که فرهنگ بورزوای برای تحقیق هر چه بیشتر

این عروسک کوکی یعنی زن بورزوای این موجود مشتند و ظریفه
احتراماتی " نیز برایش قائل میگردد . آداب معاشرت بورزوائی
حک میکند که مرد در اتوموبیل و ساختمان را برای زن باز کند هجون
این موجود ظرفی از انجام چنین کار " شاقی " خسته میشود باید
در هنگام راه رفتن در خیابان درستی از زن فوارگیرد که ته " نا "
زن مورد برخورد اتوموبیل و یا تنہ طبیعت قرار مگیرد چون : گفت نیست
که این عروسک پوشالی در هم شکند و

زنان خورده بورزوای نیز تحت تأثیر عرضی فرهنگ طبقاتی حاکمه
قرار دارند . بخش عظیمی از دختران این طبقه که بدروزه میروند
واز تحصیلاتی نیز برخورد از نه هزار آنکه بسن ازدواج رسیدند با
نکه بر معیارهای کو تعیین کنند . آن بیانات فرهنگ ته بیلیسی
سلط میباشد و نیز تمیم و مدنی ، تن به ازدواج مهد هند و در واقع
حاصل تحصیلات آنها یعنی مدرک تحصیلی نیز یکی از عواملی است
که بهاء آذما را بهنگام ازدواج تعیین میکند .

در جامعه امروز ایران ، اصولا زن بحسب برخورد اری از " مزایانی "
که معیارها و ارزشها سلط تعیین میکند بهای متفاوتی میباشد .
مزایانی زن ، مدرک تحصیلی و ۰۰۰ نرخ و قیمت او را در هنگام ازدواج
 بصورت مهریه تعیین میکند . در عین حال جهیزیه ای که دختر به
خانه شوهر میبرد تعیین کنده " احترامی " است که خانه سواده
شوهر برای وی قائل خواهد گردید . بخش عظیمی از زنان طبقه خرد
بورزوای نیز تحت تأثیر ارزشهای سلط ، خواسته هایی مشابه زنان
بورزوایی پابند و اگر امکانات مادی اجازه رسید ن به این تعیینات
را ندهد ، لااقل رهای طلاقی " اینده " نزدیکتر به زنان بورزوای
آن را دلخوش نگاه میدارد . تعداد کمیری از دختران تحصیل
گرده جامعه ایران از طبقه خرد بورزوای برعی خیزند و هست ای سن
ام آن است که با توجه به شرایط طبقاتی ، از طرفی از نظر اقتصادی
تحت چنان فشاری نیستند که ناگزیر از ترک مدرسه گردیده و زود به

خانه شوهر روند و از طرف دیگر فکر اشتغال بکار پس از تحصیل در دختران این طبقه از قوت بهتری برخوردار است. زنان مسائل خرد و بورلوا همچنان وظیفه رسیدگی با امور مربوط بخانه و بجهد داری را بر عده دارند. زنان خرد بورلوا چه در حرص کار اجتماعی و چه در محیط خانواره از تهدید برخوان شونیسم در آمان نمیباشند. در حرص کار اجتماعی، این زنان همواره از تبعیض پیر خود و همکاران مرد رنج میبرند و برای انجام کار مساوی از حقوق نامساوی برخوردارند. در محیط خانه نیز همچنین این نگرانی وجود دارد، که در صورت قصور در انجام "وظایف" خانه، شوهر از ادامه کار اجتماعی وی جلوگیرد. مثلاً بارزه زنان میهن ما در راه حصول به حقوق مساوی اجتماعی با مردان، تاثیر مهیبی در پذیرش واقعیت قابلیت و توانایی زن در پرداختن با امور اجتماعی، طلاق و خبره در مردان بوجود آورده است.

در هرورد رفتاریکه در جنبش خارج از کشور درگیر میباشند، باید گفت که آنان نیز اغلب دارای منشاء طبقاتی خود بورلوا نی بوده و شونیسم در آنها اگر خود را باتبلورات کامل‌آهان خود بورلوا نی نشان نداده، بتصویر طرح نظریات "سیاسی" ظاهر میگردد. البته تجلیات شونیسم برای مردان و زنانیکه در انتشاری سیاسی و جازیاتی کار میکنند و بطور عمومی از آنها سیاسی برخورد ارلد باتبلورات این پدیده در دیگر عناصر طبقه خرد بورلوازی که فائد چنین محیط آمیزش سیاسی میباشند، متفاوت است.

علم شناخت کافی از "مسئله زن" سبب و ماهیه آن میشود که رفتار اغلب در فهم این مساله و نیز بارزه طبیه برخورد های شونیستی دچار نارسانی هایی گردند. چرا که در نقدان شناخت تئوریک و درک مساله، بارزه اکاهانه طبیه این پدیده میسر نیست.

وجود نظرات رنگارنگ انحرافی در رابطه با مساله استنمار زن و بارزه با شونیزم در کفر راسپیون، دلالت بر علم فهم عیق از مساله میگند.

در مورد انانکه طرح می‌کند کیته‌های تحقیق در رابطه با ساله استفاده زن باید صرفاً با شرکت زنان خصوصازمانهای دانشجویی صورت پذیرد، باید گفت که این اظهار نظر به طلت است که این عناصر آگاه؛

۱ - از درک لزوم بارزه همه جانبه عليه کلیه وجوه استثمار (اعم از استثمار طبقاتی و نویز استثمار جنسی و استثمار ملی) طجزند با عدم کسب شناخت تئوریک از ساله و بارزه علی طیه آن رفاقتی مرد علا از بارزه طیه وجهی از استثمار سر باز زده و در نتیجه لزوم طرح سئله در سازمانهای که اساساً خصوصیتی در آن وجود ندارد را حتی احساس نیز نمی‌کند و این تقصیه‌ای بزرگ است.

۲ - قادر به درک این مهم نمی‌باشد که برای بارزه طیه شوونیزم که ساله‌ای دو جانبه است شناخت همکون و واحد از ساله و نیز از بارزه هماهنگ در زن و مرد یک ضرورت است و نیز در صورت تجمع "زنانه" اخضا زن سازمانهای دانشجویی، حول محور تحقیق درباره استثمار زن و بارزه طیه شوونیزم، تضاد اشتی پذیر بین زن و مرد تشید می‌شود. عدم فهم ساله شوونیزم، گرایشات انحرافی دیگری نیز ایجاد می‌کند که تبلور آنها در محیط فعالیت سیاسی ما از موجود است تقصیه‌ای بزرگ حکایت می‌کند.

این نظریه که "در جهان کار دفاعی دختران را باید برای تماشی لبیرالها فرستاد" و یا "در هنگام جمع اوری کلک مالی برای سازمان از وجود دختران باید استفاده نمود" وغیره حاکی از عصی شوونیزم در رفاقتی است که بارزه طیه این خصلت ناشایست طبقاتی را ضروری نیافته اند. در واقع چنین برخوردی به رفقای زن در سازمان های دانشجویی تبلور علی همان بینش بیولوژی ای است که عرضه شدن کالا و ارزن" را در محیطی که شوونیزم بران کاملاً مسلط است مجاز می‌انگارد و بدین طریق استفاده از هر تاکتیک و وسیله نادرست برای رسیدن به هدف درست را مجاز می‌شمارد. این طرز برخورد در واقع بعلت فقدان دانش تئوریک از ساله بوده و نشاند هنده ضرورت طرح ساله و بحث همیق درباره آن در کنفرانس ایرون است و جای آن دارد

که رفقا با برخوردی انتقادی به خود، این نتیجه را از مان سردارند.
بیان این امرکه " در برخی از سازمانهای دانشجویی " ساله
زن " وجود ندارد " و یا " رفاقتی دختر از ما نخواسته اند که در زمینه
طرح ساله اندادی بکم چرا که این ساله در این سازمانها " حل "
نده است " همه و همه از نقدان درک یک ساله خبر اید تولوزیک
نهاده میگیرد . این قابل اظهارات درهن حال دال بر عدم درک از
سائل اساسی دیگری نیز میباشد . از جمله اینکه فهم کافی از عصر
آگاه و وظایف او نیز موجود نیست . به چنین رفاقتی که این
ساله را برای خود " حل شده " نیز من بمندازند باید لااقل گفت
که طرح ساله به بیان فوق بعانت ایست که طبقه کارگر در شرایطی
که غاید آگاهی طبقاتی و تاریخی است به ظاهر روشنگر طبقه خود
رجوع کرده و هدایت و ارشاد خود را خواهان باشد .

همچنانکه درین آمد لزوم درک " ساله زن " که به غلط
مسئله زنان انگاشته شده است برای مجموع رفاقتی مشکل در
کنفراسیون یک ضرورت است . چه دلیل این مسئله و فقدان یک
بارزه بیکسر آگاهانه طیه آن خطاهای دیگر نظری و عملی را نیز
به همراه خواهد اورد .

برخی دیگر در هنگام بحث تکوینیک درباره مسئله با ایجاد کیته
تحقیق درباره " ساله زن " تحت عنوان مختلف از جمله اینکه " ایجاد
کیته های تحقیقی درباره ساله زن " بین مرد و زن جدانی من افتد "
و یا اینکه " این نظریه متعلق به خط راست است " و یا " این
مسئله در کنفراسیون حل نمیشود . " مخالفتی ورزند . به نظر
میرسد که این رفقا اساساً واقعیت یعنی جدا بودن زن و مرد در
شرایط موجود را نمی بینند . تفاوت فاحش موجود در برخورد اری از
حقوق اجتماعی بین زن و مرد واقعیت انکار ناپذیر تضاد بین انان
را بصراء دارد و آنچه که این تضاد را حد تی بخشد بفرار از فهم
و عدم کلمک به حل آن میباشد و نه تلاشی راستین در حل آن .
نه لزوم این بارزه ابد تولوزیک به این بهانه که نظریه خط

راست است، تنها وسیله ای برای طفره رفتن از مبارزه ای فاطمی
طیه شوندیزم است . و این که این مسئله در کنفرانسیون حل
نمی شود امری است روشن گویی که عده ای دامنه حل مسئله در
کنفرانسیون را دارند . ما نیک مهدانیم که حل مسئله زن در سطح
جامعه تا قبل از یک تغییر بنیادی و گراندن پرسه یک انقلاب
فرهنگی و نوسازی فرهنگی امری نامیسر است و در هنین حال معتقدیم
که :

۱ - کنفرانسیون سازمانی توده ای است، تبلیغ لزوم مبارزه طیه
کلیه وجوه استئمار و از جمله مسئله استئمار زن و مبارزه طیه
شوندیزم از طرف خاص را کاه دراین سازمان یک ضرورت است.

۲ - حل این مسئله بسیج وجه در کنفرانسیون علی نہ . و این
از جمله مسائلی است که بس از موقع انقلاب اجتماعی و در پرسه یک
بارزه دراز مدت حل مشود .

۳ - خاص را کاه وظیفه دارند که با طرح لزوم مبارزه ای فاطمی
طیه استئمار زن، اگاهی اید تولوزیک توده را ارتقا داده و در پرسه
علی مبارزه طیه شوندیزم گامهای بزرگی در کمک به حل مسئله در
سطح افراد مشکل در سازمانهای دانشجویی برداشتند .

۴ - طرح لزوم مبارزه طیه استئمار زن، باید حتی محور بسیج
توده و بخاطر جذب زنان سازمانهای دانشجویی صورت پذیرد .
 بلکه صرفا باید جهت ارتقا اگاهی اید تولوزیک و ایجاد محیط رشد
برای خاص نسبتاً کاه (زن و مرد) بانجام آمد .

بدین ترتیب کنفرانسیون وظیفه دارد به ایجاد کمیته های
تحقیقی در رابطه با "مسئله زن" در کلیه سازمانهای دانشجویی
(ام از سازمانهای که رفقای دختر در آن حضور داشته و یا
نداشته باشند) اندام نماید .

شرکت در کمیته ها، وظیفه داوطلبانه زنان و مردان عضو
سازمانهای دانشجویی است و نه فقط وظیفه رفقای زن .

این کمیته، بدین لحاظ که در خدمت ارتقا اگاهی توده دانشجو

و ایجاد فهم اید نولوزیک در رابطه با مسئله زن میباشد باید نبر نظر
کمیته فرهنگی سازمانهای دانشجویی اداره شود . و بدین ترتیب
ایجاد این کمیته به هموم ایجاد سازمانی دیگر و یا مانع، در کار
و با مستقل از کلند راسیون نهاد بلکه صرفاً مانند سایر کمیته های
تحقیقی یخشنی جدائی ناپذیر از سازمانهای دانشجویی بوده که در نظر
نظر دپارتمان فرهنگی اداره خواهد شد و از این طرق تحت نظر همایات
دبیران محلی و مانند هر ارگان دیگر سازمانی تحت نظر رهبری
کلند راسیون جهانی اداره میشود .
بگوشیم با تجهیز خود به سلاح اید نولوزی طی طی کلیه وجوه
استثمار، پارزه ای هر چه قاطعتر را با نجاشی بررسانیم .

بحثش چهارم زن در قانون ایران

رئیم تبکار و فاسد ایران برای تجزیه نیروی مهارز زنان و مردان مترقبی، جهت مانع از وحدت رژیمجهانه زن و مرد و به خاطر گرفتن تبلیغات بیشتر لایحه قانون " حماحت خانواده " را که دارای ۴۲ ماده بود به مجلس برده و به تصویب رسانید . با توجه به اینکه در شرایط موجود مسئله زن نیز مانند سایر تفاههای آشنا ناپذیر طبقاتی دارای راه حل قاطعی نمیتواند باشد، هواهی‌ی رئیم ایران نیز در عمل تنها مایه' انسان' بیشتر آن همگردد . چه وضع قوانینی از قبل " حماحت خانواده " بعلت شرایط مادی موجود دارای خصانت اجرائی نیز باشد . ما بررسی خود را از ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی شروع مینماییم . طبق ایسن ماده : مرد در هر زمان و تحت هر شرایط ممکن است همسر خود را طلاق بدهد و از کانون خانواده طرد نماید . با تصویب قانون " حماحت خانواده " تغییری که در این ماده وارد شده جارت است از اینکه مرد نمیتواند همسرش را هر وقت که بخواهد طلاق بدهد بلکه دادگاه حکم عدم سازش آنان را باید صادر نماید . زن حق دارد از خود دفاع نموده و در صورت ارائه دلایل کافی از پیکی، همگر جد اشوند و در لحظه اول بنتظر همسرش که تغییر مثبتی در جهت بهبود وضع زن انجام شده است و حال آنکه اگر از برخورد مجرد به مسئله خودداری کرده و به بررسی واقعیت ببرداشتم با نگاهی به بایگاه اقتصادی و اجتماعی زن و تحلیلی از عدم استقلال اقتصادی و لزوم داشتن یک تکیه گاه اقتصادی جهت ادامه معاش وی در عیایم که این قانون نمیتواند به اجرا در آید . تا زمانیکه اکنون زنان جامعه' ما غافل استقلال اقتصادی بوده و همازند این تکیه گاما اقتصادی، حتی فکر طلاق و رهایی از زندگی زنانشی که اظبطدانها تحمل نیز شده است را نمیتوانند در سر خوش ببرداشند . برای روشن شدن مطلب کافی است شرایط زندگی زنان در اثار و طبقات مختلف را مورد مطالعه قرار دهیم . برای اکنون زنان ما که در شهرها و روستاها

از لحاظ اقتصادی کاملاً به شوهران خوش وابسته هستند. این مسئله مطرح نیست که حق دارند از خود دفاع کنند و یا طلب بد رفتاری و خشونت شوهران خوبی را دادگاه رجوع کرده و طلاق بگیرند؛ بلکه مسئله اساسی که برای آنان مطرح است این است که در صورت جدا شدن از شوهرانشان چگونه زندگی خود را اداره کنند. حال ممکن است که تصور نمود که برای زنان عاقل که دارای استقلال اقتصادی هستند، این امکان وجود دارد. ولی در این زمان شرایط و ارتش‌های فرهنگی با به میدان گردیده و این امکان را محدود نمی‌کند. چه در جامعه‌ما که هنوز ارتش‌های سنتی بر آن حاکم است دارند، به زن مطلقه پدیده‌ای ناخنایند می‌نگرد و با اوی رفتاری دارند که گویی با مجرمی. بر اساس همین دلایل زن به شرایط نامساعد زندگی زناشویی، به تحقرها، اهانتها و خشونتها تن مهدود و مبرر نمی‌آورد.

بنابر این روش نشد که وضع قوانین بدون توجه به شرایط عینی و پایه مادی مسئله دارای هیچ‌گونه ضمانت اجرایی نمی‌باشد. این استدلال در مورد قوانین دیگر نیز صادق است. از جمله این قوانین ماده مربوط به تعدد زوجات می‌باشد. طبق قانون حفایت خانوار و هیچ مردی بدون اجازه دادگاه و اجازه همسرش، حق ازدواج مجدد را ندارد. دادگاه حکم خود را بر اساس ازدواجی قوانینی مود که آها قادر به اداره زندگی هر دو همسر می‌باشد یا نه صادر نمی‌کند. حال همسری که در مورد مسئله طلاق مشکلاتش را برسی کردهم چه حق انتخابی میتواند داشته باشد؟

او که بد لایل اقتصادی ناگفته از زندگی با شوهر است، تن بسی ازدواج مجدد همسر نیز می‌هد. محد افغانی در کابش شوهر آهو خانم "به تشیح این واقعیت می‌بود از و ناتوانی و درد به کران همسر نخستین "مرد" را بخوبی منعکس نمی‌نماید.

قانون دنی ایران ملو از تبلوه‌های تبعیضات جنسی است. ما تبلوه‌های دیگری نیز بدین تبلوه می‌افزاییم:

طبق قانون مدنی اگر زنی شوهرش فوت کرد، بعد از رفاقت شوهر، او باید بدت سه ماه و ده روز "ده" نگهدارد و بعد از آن مدت است که در واقع قانوناً گزینه تا عمل خارج خواهد شد . در صورتیکه مرد بلاعاصله پس از مرگ همسر، مجرد محسوب نشد .

این تبعیض اشکار در واقع تبلور رونایی شرایطی است که مبنوگانی از طرف زن، به منظور انتقال نام و ارث از پدر به فرزند (انتقال مالکیت خصوصی در خانواده) در آن به وجود آمد و بدین جهت این مدت زمان برای تشخیص حامله بودن یا نبودن زن تعیین گردیده است .

در مورد خوبیت شوهر، طبق ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی، هر گاه شخص چهار سال تمام مخدود الائمه باشد همسر (زن) او میتواند تلاصای طلاق کند . او باید بدت پیکمال هر سه ماه یکبار در جراید رسمی اعلانی منتشر کرده و بعد از مدت چهار سال !گر از مرد مخدود التبری خبری بددست نباشد، دادگاه حکم فوت فرضی ظایب را صادر میکند و تازه در این زمان زن جبری است مدد رفاقت برای شوهرش نگهدارد . با توجه به اینکه اظیب ازدواجها به طل اقتصادی انجام میذ برد میتوان دریافت که در لفدان شوهری که از مستولیت اداره خانواده سرمازده و سد هایی که قانون در برابر زن محروم گردیده ناچه حد اجحاف در حق زن متعدده ایرانی معمول گشته است . بخصوص در حالی که این محدودیت ها پیک جانبه بوده و مرد بلاعاصله بسن از خوبیت زن از قید زناشویی میتواند رها شود .

در مورد امکان فسخ نکاح، ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی تصریح میگارد . محبوب ذهل در مرد که مانع از اینها و ظایف زناشویی باشد مجبوری فسخ نکاح برای زن خواهد بود :

۱- عن (ناتوانی جنسی) به غیر طالع که بعد از گشتن مدت بیست سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع شود .

۲- خشن

۳- قطع عائله بودن

حال بیانیم ماده ۱۱۲۳ در مورد حق فسخ نکاح از جانب مرد چگونه برخورد میگند . هم‌بذریل در زن موجب حق فسخ نکاح برای مرد خواهد بود .

- ۱- قرن
- ۲- جذام
- ۳- برص
- ۴- انفاس

۵- زینتگری

۶- نابینانی از دوچشم
تلها با نگاهی به خاد آهن دو ماده قانونی به حق شوینیزم در قانونگزاران سنتگر ایران به راحتی میتوان بی برد .
نکه نخست انکه، قانونگزار مسلمه اساسی ازدواج بسرای زن را در روابط جنسی خلاصه کرده و فقدان این روابط تنها طامل عده‌ای است که بر اساس آن قانون امکان جدائی زن از مرد را پیسر می‌سازد و حال آنکه در سورت م وجود یست تمام همیشی که در قانون بعدی (۱۱۲۳) در مورد زن ذکر شده، در مرد حق جدائی زن از منفرد برای اوی موجود نیست . مثلاً اگر مرد بنتابه جذام باشد زن حق طلاق از اوی را ندارد ولی ابتلای زن به برص که نوعی بیماری بوسی است و با نابینانی زن از دوچشم، دلیل کافی برای جادرت به طلاق می‌باشد .

طبق ماده ۱۲۹ قانون مجازات عویش هرگاه مرد همسر خود را با مرد دیگری در حال زنا بینند این حق را دارد که هر دوی آنها را بکشد و جرم او ملابل خونیز می‌باشد . ولی اگر زنی شاهد زنای شوهر بوده و اندام به کستن شوهر خود تعابد تحت تعقیب تصرار می‌گیرد . اگر مردی شاهد زنای دختر و با مادرش می‌باشد و آنها را بکشد فقط به یک ماه تا شفیطه حبس تا صد بیس و اگر آنها را مجریح کرده پاشد به هشت ریز تا دو ماه زندان محکوم خواهد شد .
از آهن نوع قوانین یک جانبه در قانون مدنی فراوان است .

روزی نهست که در میان اخبار مربوط به حوادث به این نوع قتلها
برخوردم . طبق آمار موجود در طی سالیان گذشته کثر مردی توانسته
مسئله زنا را در مورد همسر هنرمندان ثابت نماید .

در زیر به اختصار به چند قانون انجنانی دیگر اشاره میکنم . طبق
ماده ۱۱۲ قانون مدنی شوهر میتواند از استغلال همسر خود به هر
کاری که با حیثیت خانواده منافات داشته باشد مخالفت کند و در این
صورت هیچ کار فرمانی هم حق استخدام زن را ندارد . روشن است که
تعریف "کار منافی صالح خانواده " بنا بر اوضاع و شرایط موجود
و تضییع منافع مرد ، میتواند گناهکون و بسیار کلی مطرح شود . لازم بسته
تذکر است که قانون حماحت خانواده این ماده را همانا عمل نماید .
قانون دیگر تصریح میدارد که زن باید برای گرفتن پاسپورت جهت خروج
از کشور ، اجازه کمی شوهر را داشته باشد (ماده ۱۱ قانون تذکر)
قوانين فوق نیز مانند مایر قوانین نظام ستگر طبقاتی و حاکمیت " مردان " .
بی نیاز از شرح سپاه است . مورد دیگر اینکه دختر برای ازدواج نیازمند
اجازه هدرو ، جد پدری یا قوه خود میباشد حتی اگر بیش از همچده سال
داشته باشد . در قوانین ایران شهادت زن یا اصلاً بحساب نمی آید
و یا در مواردی که به حساب آید ، دو شاهد زن جانشین هک شاهد
مرد میتوانند باشند .

در مورد ارت هم زن حتی مساوی با نصف حق مرد را دارد . طبق ماده
۱۰۵ قانون مدنی زن سلطان حق ازدواج با مرد غیر سلطان را ندارد
ولی مرد سلطان چنین حق را دارد . چه از نظر قانون مرد طاقت‌تر
و سلطنت‌تر است و میتواند زن خود را به دین خود درآورد ولی این
حکم در مورد زن صادق نمی‌باشد .

طبق قانون بساز مرگ شوهر زن حق تمییزیت فرزندان را نداشته و در
صورت حیات جد پدری تقدیم تمییزیت با پدر بزرگ است .

قوانين بعنوان بخشی از ریوتای جامعه طبقاتی ما گهای ستگر بهائی
است که بصورت مکوب در جلد های زرکوب آمده اند تا قدرت نطاچی
نورگهان و قلد ران را در قالب وسیله برقراری " نظم " یاد آوری نمایند

و در این میان تده های محروم بخصوص زنان پاقد برآوراشتن طبیعه
نظام ستم و ظلم و بارزه با حاکمیت سنتگران میتوانند به احتمال حقوقی
راستین خود ببردارند .

بخشش پنجم زن در ادبیات ایران

در اوآخر قرن ۱۹ در عمرابطه که نظام بوسیده فلدوالی دوران انحطاط خود را میگراند، مردم ایران تحت تأثیر نظرات مترقبی در ارها و بخصوص روسیه حرکات خاص را آغاز کرده و روشنفکران نیز در این دوران سعی در آگاه نمودن توده خلق نمودند. اگر نگاهی به تاریخجه مطبوعات و ادبیات ایران بینگوییم در میباییم که ادبیات و مطبوعات تعمید و مترقبی ایران در بسیاری و آگاهی زنان ایران نقش مؤثری را اینجا نموده اند.

وجود نشریات مترقبی که از لزوم ازادی زن ایرانی از چهار دیوار زندگان خانه و کساندن وی به مرمه زندگی اجتماعی سخن گفته اند در تحرک اجتماعی زنان ایران تأثیر عیقی بجای گاردند است. از جمله این نشریات "صور اسرالهل" بود که در رابطه با مسئله حقوق زن بحثهای جدی مطرح مینمود و با حملات شدید و خشونت باری به مسائلی از قبیل ازدواجها را زد رسرو ازدواجها نیزه تحت الزام و نشار انجام میگرفت به استبداد رای والدین و شوهران درمورد حفظ حجاب و تعدد زوجات اهتمام نمود. روزنامه دیگری که در این زمان مسائل مشابهی را ارائه میدادشت روزنامه "نیم شمال" بود که بوسیله سید اشرف گلانی در رشت منتشر میگردید. روشنفکران مترقبی ایران در این دوران با اهتمام نسبت به مسئله اسارت زن و محروم بودن وی از کلیه حقوق اجتماعی، حماست نشان داده و به مسئله حجاب و ازدواجها از زایی و تعبیبات مسلط بر جامعه برخوردی شدیدی نمودند و همچنین از کمب حقوق زن و رسیدن وی به شرایط برابر با مرد در خانواده سخن راند و در زمینه آسلامه نمودن موقعيت تحصیل دانش برای زنان به طرح پیشنهاد اتنی مباررت میورزندند. از زمرة این روشنفکران مترقبی که در این زمینه پیشقدم تربودند از ابوالقاسم لاموتی، میرزاوه حقی، هرمن اهمامی میتوان

نام برد . آنان بر خلاف بیشینهای خود تنها به نفس زیبائی صوری و روحانی زن، آنچنان که در ادبیات قدیم فارسی متداول بود نهاد اخته بلکه بتبلیغ ارزش زن و شخصیت‌وی دست زدند . اگرچه این عناصر نظام موجده را از جماعت‌پادار نمودن زن به تحمل حساب و الام و سلب حقوق اجتماعی از وی حکوم نمودند ، معین‌دا بحلت سابقت فرهنگی و اجتماعی و تاریخی و بینش‌اید فولویک خود قادر به ارائه طرق جماعت‌اصلاح وضع زندگی زنان ایران نبودند . بهر حال طرح سلله زن در ایران بهمان اندازه نیز جنبه‌ای بسیار متوفی داشت اما بظهور کی تحلیل طبقاتی از وضع زنان متده‌ه ایران استثنایی بر قاده جاری در ادبیات حاوی مقاله زن بود . در دوران دیکاتوری سیاه ۲۰ ساله و حمله مرتعانه به نیروهای آزادی خواه طلس ناگوارتن تانه ممکن بر روی ادبیات فارسی نیز بوجود آمد . نیروهای مرتعانه بزرگی بر سر راه ادبیات آزادی خواهانه‌ای که تحت تانه و نفیذ اید فولویک و ارزش‌های بولویازی در حال توسعه بود و در آن زمان متوفی بشمار میرفت ، محسوب میگردیدند . در چنین شرایطی ، گرمه از نیویندگان و شعراء خود را با شخصیت موجده پنهان داده و به مسائلی پرداختند که بیشتر خشایند مذاق طبقه حاکم بود . مقاله زن که هنوز یکی از تمهای اصلی ادبیات فارسی بود و میرفت تا عق و غافلی به خود بگیرد ، سرانجام مفهم و عق خود را کاملاً از دست داده و به وسیله این نوع نیویندگان از نقطه نظرهای کاملاً ارتقایی طرح پیشید . در حالیکه طل اجتماعی خب ماندگی زن و خداون حقوق مساوی وی مورد خلت قرار گرفته و مطلقاً طرح نمیشد . نیویندگانی از قبیل حجازی و دشتی سعی در انبیات این امر داشتند که شخصیت محترمی زن توجه برخورد و رفتار سطحی و غیر بدی بودن خود زنان میباشد . شخصیت‌های زن داستانهای آنها عمیقاً زنانی را شامل می‌نمایند که دارای هیچگونه نایستگی و مهارت و تبحر نبوده و تنها به اتفاق‌گردی و ارضای شهوات مردان نست میزدند .

در این سالها که نفوذ ارتقای در ادبیات دامنه‌ای وسیع پاکت بود
نوهندهٔ معاصر ایران صادق هدایت به مردم ادبیات قدم نهاد.
برداختن هدایت به ادبیات در این سالهای نزول ادبی سبب نهاد
که وی نیز تا اندازه‌ای گرامش‌های ایده‌الهستی که بخصوص در آثار
او تبلور پاکت متعال شود. اما طالعه وی از زندگی مردم پاکت
عد که تا اندازه‌ای بر این تاثیرات خافق آده و به بیان «العیان»
از زندگی رنج اور توهه‌های دردمند بپردازد. هدایت بخش عده‌ای
از آثارش را به توصیف زندگی زن زجر دیده و محروم از حقوق انسانی
و غرق در دنیا خللت و بی‌خبری اختصاص داده است. حکومت
اجتماعی زن، فقدان حقوقی وی، حاکمیت مستبدانه مرد، وحشت دانسی
زن از تنها ماندن، تنها و ارزوای روحی زن، اینها تمام مسائلی بود
که هدایت به طرح آنها می‌پرداخت. در دامستانهاش او به تصویر
زندگی و آداب و رسوم زن ایرانی و بررسی طل احتاط اجتماعی زن در
جامعه پرداخته است. اما قهرمانان زن در آثار هدایت مخلوقات
دردمندی هستند که تنها تحمل می‌کنند. آنها برای کسب حقوق خود
بارزه نمی‌کنند. خدیدترین اهراضات آنها به صور خودکشی، جناحت،
و اطلب اوقات بصورت تسلیم سرنوشت‌شدن متجلى می‌شود. و تردید
نهیت که این ضعف ناشی از فقدان بینش طوی و ایده‌لولویک خود
نوهنده بود. اما بهر حال آثار هدایت با بیان کیا و به وجهی
روشن بارتاب واقعیات مربوط به زندگی الٰم انگیز زن ایرانی بشمار
میرفت.

یکی از وجوده خاص و سیمای شخص ادبیات سالهای پس از جنگ
دوم جهانی و حاکمیت اتسفر بالتبه دموکراتیک در ایران که تحت
فاتحه ضعف کشورهای ایرانی الهستی وبالاخص ضعف ایرانی‌الوزم انگلیس
به وجود آده بود، برخورد په این نکه بود که دیگر با زنان بصورت
اشیاء مفعول که در خیر همدردی هستند برخورد نمی‌شد.

نوهنده‌گان به منعکس نمودن رشد ادراک زن از موقعیت خود و اهراش
و بارزه اش طیه موافقی که حقوق حقه اش را از وی سلب نموده و هرگز

زن در جنبش ازاد پیغواهانه ملی و مبارزه برای برقاری صلح پرداختند.
تهرمانان این آثار اغلب زنان ساده‌ای هستند که اصولاً از طبقات
زمینکاری نمی‌خیزند. زنان رستائلی، خدمه مغازل، کارگران و با زنان
روشنفکری که به یاری کارگران به مبارزه جهت استقرار آزادی پردازند،
باشد آگاهی چارزاتی اتفاق و طبقات مختلف خلقی، زنان ایرانی نه
پرده اسارت تحیلی از جانب مردان و طبقات استثمارگر را درنده و با
آگاهی پشد یافته تری به مبارزه پرداخته‌اند. چهره‌های چون
هرون اهمامی و فروغ فرخزاد در تاریخ ادبیات معاصر ایران درخشیده‌که
همکام دیگر زنان اسیر جامعه خود قربانی ستم زایدۀ فرهنگ طبقاتی
می‌باشد و فریاد «هیا! طیه سلطه نظام بهدادگر را سردادرد».

بس از آغاز چارزه سلطانه در ایران، ما با تائیه بلاواسطه این نبرد
حمامی بر ادبیات میهن مواجه می‌گردیم. سردها و نوشته‌های پس
از رستاخیز سیاهکل از کیفیت نهین و غذای بی‌نظیری بربخوردار است.
ادبیات نهین دیگر نه تنها به نابرابری زنان و مردان اختراض می‌کند بلکه
خواست نابودی و سرنگونی نظام بهداد و ستم طبقاتی را طرح می‌کند.
غذای بی‌نظیر ادبیات امروز با اثر پذیری از حرکت طوفانی جنبش
انقلابی خود طلبی در بسیج توده به عرصه نبرد روپارویی با دشمن خلق
می‌باشد. شرکت علی هنرمندان و شاعران و نویسنده‌گان مترقب در بیکار
روپاروی طیه حاکیت بهداد خود حمامی تین چکامه‌ها را آفرینده است
است. گسرخی، دانشیان، دانشگری، دهقانی و احمدی اسکوئی
نه تنها با بیکار رزم اورانه خود زیباترین شعرهارا سرودند که با
طرح غنی ترین محتوای چارزاتی و طرح هزارگهای زندگی توده همای
درد مند، استثمار زده، محتوی و سبک نهین را در ادبیات و شعر و هنر
میهن بنیان نهادند. اخلاقی محتوی ادبیات مترقب و انقلابی در
سالیانی آخر (بس از حمام سیاهکل) نمونه‌های رالای بسیار دارد
که از جمله ارزنده تین آنها شعری از رفیق شهید مرضیه احمدی
اسکوئی می‌باشد که "انتخار" نام دارد. سرده‌ای که بیانی است
که از زندگی زن و نجف ایرانی.

افتخار

من مادرم
من خواهرم
من همسری صادق
من پلک زنم
زندگی از دهکده های مرد و جنوب
زندگی که از آثار
با پای برخنه
درینه است صرتاً سرخان تف کرد و
دشتها را .

من از روستاهای کوچک شطالم
زندگی که از آثار
در شالیزار و مزارع جای
نا نهایت تنوان گام زده است .

من از بیانه های دری شرق
زندگی که از آثار
با پای برخنه
حلش تند زمین را
درینی قطره ای آب در نوردیده است

زنی که از آغاز
با پای بر هن
همراه با گاو لاغر شد ر خرمگاه
از طلوع تا غروب
از شام تا بام
سنگینی رنج را لمس کرده است

من یک زن
از اپلاست آواره‌ی دشت‌ها و کوه‌ها
زنی که کودکان را در کوه بد نهاد آورد
و بزشیر را در پنهان دشت‌آزاد سرت میدهد
وبه عزا من نشید

من یک زن
کارگری که دست‌هاش
ماشین‌عظیم کارخانه را به حرکت‌در من آورد
و هر روز
توانایش را دندانه‌های چرخ
ریز ریز من کند پیش‌چشم‌اش
زنی که از صاره‌ی جانش
برطارتر من شد لشه‌ی خونخوار
واز تباہن خونش
افزوختر من شد سود سرطایه دار
زنی که مراد فهموش

در هیچ جای فریاد نشک آنقدر شما
وجود ندارد .

که دستها یعنی سبید
قامتش ظرف
که پوستش لطیف
و گیسوانش هطر آگین باشد

من هم زنم
با دستهای که
از تین بونده‌ی، ونجها
زخمها دارد .
زن که قامتش از نهایت بیشتری شما
در زیر کار تو! نیز مای،
آمان شکسته است .
زنی که پوستش آئینه‌ی آفتاب، کویر است .
و گیسوانش بدی دود میدهد .

من زنی آزاده‌ام
زنی که از آغاز
با به پای رنیق و برادر خود
مشت‌ها با در نوردیده است .
زن که پروردده است
بازوی نیرومند کارگر
و دستهای پر قدرت دهقان را
من خود کارگرم
من خود دهقانم

تلخی قامت من شش رنج
و پیکرم تجسم کننده است .
چه بیشترانه است که به من میگویند
رنج گرسنگی ام خیال
و عریانی تنم رویا است

من همک زنم
زنان که مراد ف نهاده
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلد شما
وجود ندارد .

زن که در میمه اش دلی
آنکه از رسمهای چرکهن
خش است .

زن که در چشمایش
امکان گرفتن گلوله های آزادی
معجزه .

زن که دستانش را گار
برای گرفتن سلاح بروزده است .

فصل سوم

بخش اول

تاریخچه مختصر مبارزات زنان ایران.

وحدت و تشکل سند بدگان برای هابلله با بنیاد سنگری و اسد.
آن بیک ضرورت است و پیشترین زنان ایران نیز به لزوم ایجاد وحدت
و تشکل، جمیعت احراق حقوق انسانی و اجتماعی و سیاسی خواست
بی برد و سرانجام در مطروح مختلف اجتماعی به تبرد در راه حمول
به آرمانها خوش بود اختنند. ملاحظه آنجه که در ذیل می‌باشد. رشد
و خنای تدریجی این پیکار که در محتوى و شکل مبارزات زنان ایران
تبیلور یافته، سیر نکاملی را که زنان ایران طی نموده اند نشان میدهد.
تاریخ نشان میدهد که جنبش زنان ایران بثابه بخشی از جنبش خلق
ما سایده ای طولانی دارد. زنان کسیور ما در مبارزات خلق ایران بنا
بر شرایط و امکانات موجود در مبارزات مرتقی و آزاد یخواهانه شرکت
فعال و نداکارانه ای داشته و از خود شایستگی و لیاقت فراوان نشان
داده اند که ما در اینجا بطور خلاصه بدان اشاره نموده و این
مبارزات را به دو دوره شخص تقسیم می‌کوییم.

۱ - مبارزات زنان از جنبش تنبیاکو تا ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ آغاز جنبش
نیون انقلابی

۲ - از میاهکل تا به امروز

جنوب تنبیاکو اولین حرکت همگانی خلق طیه استهمار انگلستان و
حکومت مطلقه ناصرالدین شاه بود. در سال ۱۸۹۰ امتیاز دخانیات
از طرف ناصرالدین شاه به شرکت انگلیسی رزی واگذار و تولید و صرف
آن در سراسر کشور به انحصار این شرکت درآمد. مردم از این امتیاز
لنگین حسیانی شده و به هیجان آمده بودند. میرزا اشتیائی و
حاج میرزا حسین شیرازی با پیروی از تعابرات مردم استفاده از
دخانیات را تحريم نمودند.

ناصرالدین شاه و این السلطان حد راعظم وقت برای هابلله با جنبش
مردم، جمعی از روحانیون خود فروخته را تضمیح نموده و از آنها

خواستند که مردم همیان کرد، را ساكت نباشد بکو ز بهنگام دعوت بکشی
از این خود فروختگان از مردم به تسلیم، ناگهان دسته بزرگی از زنان
تهران، جوان و خوشان بجهان مردم هجوم آورده و خطاب به مردم
گفتند که اگر مردان بخواهند نسبت به این والمه تنگ اوربی اهنا
بطائقه، زنان چادرها را به دیر انداخته و تخواهند که اشت حق طی
بدست بیوهاتگان بیلند. آنروز زنان و مردان در شاد وس هم بد کوچه ها
و خیابان ها ریخته قلهانها و چهق ها را از خانه خارج و در مطابصل
چشم مردم شکسته و معتادین را به ترک طادت دعوت نمودند و سر
انجام این مبارزات دلیرانه موجب ان شد که ناصرالدین شاه غب نشینی
کرده و بدنا چار امتحان را پیروزه را لغو نماید.

میرگان شوستر در کتاب "اختنای ایران" در مورد مبارزات زنان نموده
های فراوان ارائه پیده دواز آنجلیه به ذکر این نکته می بود ازند
که در تهران معروف بود که هر وقت زنها برخلاف کابینه ها دولت
بلوا و شورش پیکند، حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک خواهد شد.
"هنگامیکه دولت روسیه تزاری اولتوخاتوم ۴۸ ساکه به ایران داد و
بعضی از شهرها را بتصوف خود درآورد و تهدید آمدن به طرف تهران
را داشت وکلای مجلس در پیک جلسه رای به تسلیم داده و انتظام
حاجت روییه تزاری را پذیرفته بودند ناگهان ۳۰۰ تن از زنان مبارز
که در زیر چادر و لباس و پا توی آستون ها طبانجه و پا گرد ہنها ن
کرد، بودند، پدیده ارکت و از رئیس مجلس خواستند نا نطاپندگان
آنها را بپذیرد ولی رئیس مجلس از این امر امتناع ورزید، و زنان مبارز
طبانجه های خود را برای تهدید آنان بیرون آورده و نتابهای خود را
پاره نمودند و چند تن از آنان در طی سخنرانی گفتند "اگر وکلای
مجلس در انجام وظائف خود و محافظت و برقراری شرف ملت ایران تردید
نمایند، ما مردان و فرزندان خود را کشته و اجساد همان را در همین جا
خواهیم انگشت. مجلسیان تحت نظر این تهدیدها می شور کنایی
اتمام حاجت را رد کردند. "

بطور کو، فعالیت های مبارزاتی زنان کسر ما برای آزادی در حدود

سالهای ۱۹۱۱ - ۱۹۰۰ همراه با تنهضت مشروطه اوج گرفت . در دوران مشروطه افشار و سپهی از زنان کثیر به پیزه در آذربایجان دشاد و شنیده می‌دان در جاریات مشروطه خواهی شرکت نمودند . از جمله هنگامه که در تبریز کمپونی برای اطانه تشکیل شد ، زنان آذربایجان جواهرات خود را به صندوق هدیه کردند . در دوران محاصره تبریز از طرف دستگاه فاسد محمد علیشاه ، زنان گمنته از اینکه در کارهای بشت‌جبهه شرکت داشتند در میدانهای نبرد نهیز با بیان می‌دان جانشانی می‌کردند . روزنامه " حبل العین " که یکی از روزنامه‌های آزادیخواه دوران مشروطیت محسوب می‌گردید نوشت که " در یکی از زد و خورد های بین اردوی انقلابی ستارخان با لشکریان محمد علیشاه بین کشته شدگان انقلابی جسد ۲۰ (ن) مشروطه طلب در لباس مبدل پیدا شده . " ۶۰
بیروزی انقلاب اکبر و برقراری حکومت سوسیالیستی در مشوروی و بخصوص در بخشی‌های همسایگی ایران در توسعه جنبش رهائی بخشن ملی ایران تأثیر فراوانی بر جای گذاشت . در سال ۱۲۹۹ با تشکیل حزب کمونیست ایران و رشد جنبشی‌ای ملی سازمانهای سیاسی زنان نهیز در شهرهای مختلف تشکیل گردید .

برای بدست آوردن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در سال ۱۳۰۰ شمسی در رشت جمعیتی بنام " بیک سعادت " بوجود آمد . این سازمان برای کسب حقوق سیاسی - اجتماعی زنان مرامناسته و اساسنامه مشخص را تدوین نمود . مؤسیین این جمعیت جبارت بودند از شوکت روستا ، جمهله صدیقی ، سکنه شبرنگ ، روشنگ نوهد وست و دهه ای دیگر ، این چه با تشکیل کلاس اکابر ، دستان ، دبیرستان ، کابخانه و مجله ای تحت عنوان " بیک سعادت نسوان " و ترتیب مجالس سخنرانی و دادن نطايشن ، کمک بزرگی به بالا بردن سطح آگاهی زنان کهلان نمودند .
جمهله صدیقی و شوکت روستا که در این معالیت‌ها شرکت خلای

داشتند، بعدها توسط حکومت دیکاتوری رضا شاهی به چهار سال زندان محکوم شدند. با ایجاد کلاس‌آکابر و صنایع دستی وغیره این سازمان توانست رابطه‌ای وسیع با زنان طبقات مختلف برقرار نماید. همزمان با این سازمان، یعنی در سال ۱۳۰۰ جمعیتی در تهران بنام "نسوان وطن خواه" تشکیل شد که دارای نشریه‌ای بنام "جهان زنان" بود. این گروه هدفمندتر به مبارزه برای کشف حجاب و مبارزه با خرافات بود. در اصفهان نیز جمعیتی به شکل انجادیه صنفی از زنان تشکیل شد و همچنین در شهر از "جمع‌انقلاب زنان".

بسیله شامر شهر زندخت‌شیرازی در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۱ تشکیل شد که با جسارت‌های بیشتر طبقه زنان و نیز در راه آزادی و برابری حقوقی با مردان تبلیغ و مبارزه می‌کرد. در اواخر سال ۱۳۱۵ در تهران جمعیتی بنام "بیداری نسوان" تشکیل گردید و همان همین ایام در قزوین هم جمعیت دیگری با مرامنه مشابه سازمان نکبر بنام "انجمن نسوان" تأسیس شد. از جمله زنان مبارز این دوره بروین احصامی، شامر حسامی و آگاه خلق بود که در عرصه ادبیات و از طریق اشعار خود به روشنگری خلق و انسان ارتیاج دست‌زد. نونه‌ای از اشعار تعداد او را ذکر نمی‌کنیم.

تا به کجا جان گدن اندر آفتاب ای رنجبر

ریختن از بھر نام از چهره آب ای رنجبر

نن خواری که بینی ز آفتاب و خالک و باد

چیست مزد ت جز نکوهشها هاب ای رنجبر

از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی

چند میتوسی ز هر خان و جناب ای رنجبر

جهه آنان را که چون زالو مکدت خون بربز

وندر آن خون دست و پایی کن ای رنجبر

در سال ۱۳۲۸ در تهران سازمان دیگری به نام "سازمان

دموکراتیک زنان ایران" که وابسته به حزب توده بود تشکیل گردید.

که در بیشتر شهرهای ایران مانند رشت، تبریز، اصفهان، آبادان، قزوین و غیره شعباتی دایر نموده سازمان دموکراتیک زنان بزرگین سازمان طنی ایران در دوران قبل از کودتا پشتر معرفت که ارگان رسمی این مجله "بهداری ما" نام داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۲۲ زنان مبارز ایران نیز مانند سایر مبارزان جنبش نجات بخش خلقی ما گرفتار تعقیب و حبس گردیدند و از فعالیتهای سازمانها آنها نیز بشدت جلو گیری شد.

پس از کودتای خانانه^۶ ۱۳۲۲ مرداد، مبارزات زنان نیز مانند مبارزات سایر اقوای طبقات به طور مقت دچار رکود گردید، معهد اسلامی خلائی زنان در مبارزات دانشجویی و انتخابات مملکتی در فاصله سال‌های ۴۲ - ۴۹ قابل توجه و بسیار چشمگیر بود. رژیم کودتا همانگونه که امروزه دست به ساختن احزاب دولتی و اتحادیه‌های زرد میزند برای زنان نیز سازمانهای غرماشی بوجود آورد تا توجه زنان را از هسته اساسی مبارزه منحرف نموده و از طریق این سازمانها می‌استهی‌سای تبلیغاتی خود را اعمال نماید. در حال حاضر تعداد سازمان‌ها و جمعیتهای ساخته رژیم فراوان و از آن جمله اند: سازمان زنان ایران، جمعیتهای راه نو، امید فردا، کلوب زنان، انجمن دوچیزگان و بانسوان و چندین سازمان دیگر که ریاست کیه آنها با زنان معلوم‌الحال و فاسد درباری است گویی که تمام رسالت این سازمانها به راه اندختن ضیافت‌های متعدد و خاکساری نسبت به دربار پهلوی است. الشای این سازمانها ارتقای وظیفه هر روشنفکر مرقی است.

در اوایل دهه ۱۳۴۰ رژیم صحن سازی ضحکی در رابطه با دادن حق انتخابات به زنان به عنوان قلمی از اقلام "انقلاب سفید" نمود و تبلیغات وسیعی را در این زمینه به راه اندخت گویی کنمیه در انتخابات محقی برای مردان جامعه وجود داشت که برای زنان از آن پرسی موجود آید. رجاله‌های که بعنوان نایندگان زنان ب مجلس رفتند همه از طبقه حاکم و پیچ و مهره‌های زنگ زده دستگاه بسیاره و کوچکترین تلاوتی با مردان هم طبقه خود ندارند و بعلت عدم

آگاهی تاریخی، مسئله استئمار خود آنها بوسیله مردان نیز در ذهنستان
جانی ندارد . ولی چنانکه مهد اینهم را می با وجود رفتهای گوناگون و بلند
گوهای تبلیغاتیش یا ناتیانی در حقیقت باید که دیگر دوران فربتوده ها
بهايان رسیده وزنان نیز مانند که اشاره طبقات مختلف مردم به لزوم
بارزه طی نظام بیداد گر جمیع حقوق خود بین برده اند . زن
آگاه امروز در رک مینماید که ، علاوه بر " احصای تناسلی " و قدرت
تولید مثل " مقز و استعداد هم دارد و امکان استفاده از قوای خلائمه -
اش در امور اجتماعی توسط این تبعکاران حاکم سلب شدیده است .

زن آگاه ایرانی دریافته است که نظام زمزمه های تبلیغاتی زن را
دارای یک هدف منحصر است و آن چیزی جز کوشش برای انحراف زنان
و دور کردن آنان از بارزه نیست و سرانجام زنان آگاه دریافته اند که
استقلال و آزادی ایران فقط از طریق یک دگرگونی بنیادی امکان پذیر
است زیرا وقتی بحاط اسارت زن برچیده خواهد شد که به استفسر
انسان از انسان خاتمه داده شود .

بخش دوم

زنان در جنبش نوین انقلابی ایران (از سیاهکل تا امروز)

رستاخیز سیاهکل، عطفی تاریخی در جنبش سیاسی ایران و نهضت آغاز مرحله‌ای با کیفیت نوین در زندگی زن ایرانی گردید. سیاهکل جهش زن ایرانی را از ورطه‌ای ملوّن از احساس ناتوانی و درماتیکسی میسر ساخت. پس از سالیان متعددی زنان بیش رو ایرانی فرصت یافتند که با دست یافتن به آگاهی روز سیاسی و اید نولوژیک به نبردی آغاز کنند که حاصل آن بیروزی بر نیروهای مرتجمی است که خلق رنجبر ایران و زن محروم ایرانی را قرنها تحت انتقادی داشتند ک در آورده است. پیکار حساس زنان مشکل در سازمانهای انقلابی، روزنی به افق تابناک فرد ای خالی از قید استعمار بروی زنان ایران گشود. دنبانی که خبر از رهانی انسانها از اسارت استعمار طبقاتی میدهد. نبرد حساس زنان چریک علیه نظام بیداد که متأثر از شرایط نوین جنبش انقلابی در میهن بود، بسیج کنده قشر وسیعی از زنان به صوف بارزاتی گردید و این دستاوردی عظیم بود.

شرکت وسیع زنان بیش رو انقلابی در سازمانهای پیش‌اهمگ انقلاب ایران خود نودار تعالی سطح جنبش انقلابی امروز و آغاز مرحله نوین در بارزات زنان ایران میباشد. تعداد کمیر شهداً انقلابی زن که در جنگ مسلحانه علیه دشمن و دشمن خلق ایران به افتخار شهادت نایبل اهدند، حاکی از آنست که زن ایرانی امروز بیش از هر زمان آزادی خود و توده‌های رنجبر میهن را در گرو نبری قاطع علیه حاکمیت استعمارگران میبیند. بارزه حمامه آفرینشی چون مهرنوشها، مرضیه‌ها، منیزه‌ها و نزهت‌ها که صدای بحق خلق ایران و سرود انقلاب را در میدان نبرد با صفير گوله‌های زخم آور خود فریاد گردند، نه تنها الهام بخش زنان ایرانی بود که آموزشی شکوف برای بیوندگان راه انقلاب. آموزشی بزرگ برای زن ایرانی برای آنکه بیله‌های جهل و ناتوانی که در طی سالیان متعددی

بد پوش تنهده اند را دریده و از انزوای اجتنابهش بدرآید و سلاح بر کک به نبرد با ستم و استمار و عاملین آن طبقه حاکمه و امپریالیزم جهانی بستاید .

بارزه مسلحانه در آستان مرحله توده ای شد نمی باشد و شرکت این چنین تعداد کمتر از زنان که همواره از شطه نظر آگاهی سیاسی از جمله محرومین و در اختیاده ترین بخشهاي اجتماع به شمار آمده اند نعمدار این واقعیت است . آموزش سیاسی و ایدئولوژیک زنان در پروسه رشد بارزه نبین انقلابی و جلب و بسیع آنان به صفو رزمندگان انقلابی در مرحله نخست ناشی از ابعاد وسیع آموزش سیاسی سازمانهای انقلابی مسلح بوده و در مراحل بعدی خود بسیع کنندۀ انتشار وسیعی از زنان رنجبر میهن ما به صفات انقلاب میباشد . زیرا شرکت زنان در بارزه روشنگر حیان و نقش و اهمیت خلائق زنان در امر بارزه است .

به یک کلام ، زن ایرانی تولدی دیگریانه است . واين تولد نبین را منشاء جهات راستین خود می انگارد . زنگی بر تحریک که در خدمت ارمنان والای خلق و تسریع حوكمة این خبر برای حصول به بیروزی نهائی و به خدمت حلول تضاد عده جامعه طبقاتی و قطبی ما گرفته شده است . ما به این پیکار جویان دلاور و به پیشاہنگان انقلاب بدرود میکویم و از عزم راسخ آنان در نبرد با امپریالیزم جهانی و مرتجمان سر سپرد اشالمام میگیریم . با رشد و نفع جنبش انقلابی و شرکت توسعی زنان انقلابی و پیشاہنگ میهن ما امکان شرح حساسه افیونی یکایله آنان موجود نهست و بدین لحاظ ما بذکر چند نوته والای بارزه تزنان پیشاہنگ انقلاب ایران بسنده میکنیم .

رفیق شهین توکلو بارز آزاده ای که با وجود داشتن یک کودک شیسو خواره در عطیات چریکی سازمان چریکمای فدائی خلق فعالانه شرکت من جست در سوم خرداد ۱۳۵۰ بینگام تعویض خانه تیمی خود مورد حظه بلیس واقع گردیده و دستگیر شد . وی در بیداد کاههای نظامی چنین اظهار داشت : من همواره در زندگی هدفم خدمت به مردم و از بین برد ن فقر و بیسواندی و تضاد های اجتماعی بوده است

برای من در کهفر خواست صادره عناصای اعدام شده است. من در ضمن اینکه اتهامات تبارده را رد میکنم صراحتاً به شما و اربابانتان اعلام میدارم که خون من از خون همسر و برادرم رنگینتر نیست من از مرگ هراسی ندارم " . (رفقا حمید توکلی و سعید آریان برادر و همسر رفیق شهین در سال ۱۳۵۰ تیرباران گردیدند) هنگام که رأی دادگاه را خواندند رفیق شهین توکلی با خونسردی گفت "امروز براستم حسینیکم که جزو زنجیرهای دستم چیزی برای ازدست داد ندارم " .

٦١

در تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۵۰ حمامه ای دیگر آنربیده شد . رفیق مهرنوش ابراهیمی، با نبرد دلیرانه ای که یک تنه با قوای دشمن نمود این امکان را بوجود آورد که در پنهان رگبار آتش مسلح وی رفاقتی همزمان فرار کند . رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق در مسورد رفیق مهرنوش چنین مینویستند . " ما بار دیگر خاطره رفیق مهرنوش را گرامی میداریم . خاطره او که با نبرد قهرمانانه اش تده و سیعیس را به منطقه کشانید و به آنها در منشجاعت داد . رفیق مستول تسا جائیکه صدا بگوش میرسید شلیک بین انقطاع اسلحه را من شنیدم که در گرگ و پیش صبح سرود رزم آوری میداد . مهرنوش در آخرین صبح زندگیش زیباترین سرود را خواند " .

٦٢

رفیق فاطمه سعیدی (شایگان) چریک ندادنی خلق مظہر اراد موافق و متفق است که آگاهی دورانساز تاریخی در انسان عصر ما بوجود من اوره .

وی که ۱۰ سال دارد در هنگام مواجهه به یک خانه تبعیت محاصره شد و چریکهای فدائی خلق بدست متذوراً وران دشمن اسیر گردیده و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفت تا بدآنجا که از همسر دودست غلچ گردید . رفیق فاطمه سعیدی، مادر رفیق نادر شایگان مادر و رفیق بحق همه پیوندگان راه انقلاب در جنبش به "رفیق مادر" موسوم گردیده است . حمامه بارزه و مقاومت رفیق مادر الهام بخش کله فرزندان انقلابی میهن ماسته وی که همچنان دلاورانه در زندان

بیمارزه ادعا ه مید هد . پس از شهادت فرزندش نادر چنین اظهار داشت
” نه تنها نادر بلکه خودم و تمام فرزندان دیگرم باید در جنبش رهایی
بخشن که آغاز شده شرکت کرد ، و طیه دشمن بجنگیم و اگر مرگ پیش
آید به استعمالش بروم . ” ۶۲

رفیق مادر این چنیک بمارزهای متکوهد لای خود را با نظره فجایع دیگر
رژیم نیز ادامه داد . دو فرزند سپرده ساله و یارده ساله و نسوانه
و ساله ایشان نیز بدست درخیطان تبهکار ساواک شهید گردیدند و خون
کرم و باک آنان میناوند اوری بیشتر کلیه پویاندگان راه انقلابی
آرمان خلق گردید . هم چنانکه برای رفیق مادر . رفیق مرضیه احمدی
اسکوئی در نامه ای خطاب به رفیق مادر من نویسد :

” رفیق مادر ” فرستنی دست نداد که با تو از کنه های فراوانم به دشمن
حروف بزنم که چگونه آنرا جلا یافتنم میباشم که باز هم بزرگواری به کرانه
ترا بستایم و به تو باز هم بگویم که چگونه از محبت عشق بالک و بر
شکوه تو نیرو میگیریم و بتوجه نگیریم و در برابر دشمن کنه جویش بیشوم .
خوبترین مادر

خود را ناتیان میباشم که بتوانم آنجه را در حق توچی اتفاق بیشم و احساس
میکنم برایت بنویسم .

تو مثل دریائی از خشم و محیقی، خشم به دشمن توده و محبت به توده
و ما همکی در این خشم گسترد . تو، نا لهایان را صفا میدهیم تا بتوانیم
بیشتر باید اری کیم .

صعیقی ترین رفیق بمارز

حتی دوستداشتن تو برای همه ما این تعهد را به وجود می آورد که
در راه آزادی توده ها یکنیک و محکم باشیم و تا آخرین قطوه خون خود
با دشمن بجنگیم چرا که کسی که ترا دوستدارد ترا که بیکره روشن
عنق و یکنه ای بینهایتی اگر جز این باشد مزاوار زده ها نه تنها .
رفیق مادر، آیا میدانی با انسانه دلهری و شهامت و از خود گذشتگی
ات قسام انسانه های را که تا کنون در حق مادر نوشته شده کنه
گردد ای . حق هم براین است . زیرا تو تنها مادر مهریان بمارزین جهن

نیستی ، بلکه بزرگترین رفیق آنها هستی . رسم اینستکه به محبر پیشنهاد کیان هدیه ای میدهند و من لحظاً تغراوان نکر کردم ام برای یک رفیق بزرگوار چه هدیه شایسته ای میتوانم بد هم و با خود گفته ام :
اگر بتوانی همیشه به توده ها و رفتایت و فادار بمانی ، اگر همیشه شایسته باشی که رفیق مادر با شهامت ترین رفیق را بروستبداری میتوانی از قطرات خون خود دسته کلی بیندی و روزیکه در راه رهانی توده ها آخرین تلاشترا کردی و انگاه که آخرین تیرت را در قلب دشمن نشاندی ، برای مادر بفرستو . شاید این هدیه ای باشد که بتوانی آنرا بابی شرمایی به شایسته ترین رفیق تقدیم کنی .

رفیق مادر ، من وده چنین هدیه ای را ببیه تو میدهم ببذر . تا آن دم که هدیه ام را برأیت بفرستم .

با درود رفیقانه و ایمان به پیروزی مبارزه مان
در گیری زنان آزاده ای چون رفیق مادر در مبارزا ترهانی بخشن خلق
به هفتم شکست تلاشها رئیم متغور بهلوی در ایجاد شکافی عمیق بیسن
زنان و مردان زحمتکش ایران و محروم کدن زن ایرانی از شرکت در
ساختن بنای جامعه ای خالی از استعمار برای خود و هم میهناش میباشد .
وابستگیهای خانوادگی ، زنجیرهای کهن استعمار زن و عق فرهنگ استعماری ،
هیچگاه ام نتوانست زن ایرانی را از طفیلان علیه نظام حاکم و شرکت در نبرد
قطاع خلق علیه استمار و ستم بازدارد .

از دیگر نمونه های شکوهمند مبارزات انقلابی زنان پیشا هنگ ما رفیق
اشراف دخانی است که حمامه پر شکوهی از ایمان به بیکار در راه
رهانی خلق و ایمان به پیروزی این نبرد آفریده است . وی کم در
ارد پیهشت ماه ۱۳۵۰ بهنگام اجرای یک مأموریت چویکی مورد حمله
مزد وران دشمن قرار گرفته تنهایی و بدون سلاح با بیش از ده تراز
مزد وران مسلح دشمن در گیر گردید و سرانجام در این درگیری نا براپسر
دستگیر شد . بس از دستگیری وی را به زندان شهریانی برد و تحت
شدید ترین شکنجه ها قراردادند . دشمن چنانکه خود ادعا میکرد ،

شلاقن بر این دختر مبارز انر نینمود . وی که در جامعه ای ملسو از تضاد های طبقاتی بزرگ شده و تجربه عینی فقر بی منتهای خلق زحمتکش ببنابه آموزگاری راستین وجود شیرا آکده از حسیان در برابر فشار این هنگامه بیدار نموده بود ، سرانجام سنگر مبارزه بی امان خویش را در میان رفقای پیکارجوی سازمان چریکهای فدائی خلق یافت . در زندان او وحشیانه تین شکجه های درخیطان را به یاد چهره های رنجدیده کد کان روستائی تحمل نمود و لب به سخن نگشود . دشمن ، این درخیم حقیر چنین میبتد اشت که با ارنکاب به اعمالی شنیع خواهد توانست نیروی هاومت چنین انقلابی راستین را درهم شکند . اما چه عبتهقاومت دلیرانه اشرف و دیگر زنان انقلابی درست بار دیگر مژد و ران ناچیزد شمن را به حقارشان معترف نمود . رفیق اشرف در باره اعمال شنیع که در میور او هرثکب شدند چنین گفت : " . . . من از رفتار کراحت بسار او (مژد و دشمن) خشگین بودم . ولی تلاش میکردم آنچنان خودم را بتوثقاوت و خونسرد نشان بد هم که عرض من آنها احساس حقارت و شرم بکنند . میخواستم به آنها بفهمانم که این رفتار پست و حقیر آنان برایم اهمیت ندارد . برآستین چه اهمیت میتوانستداشته باشد . مگر این کار با شلاق خورد ن برای من ثناوتی داشت ؟ هر دو شکجه بودند هر دو به یک قصد و هدف انجام میگرفتند . هدف بلید اینکه اسرار مرا به این وسیله بپرون بکشند . ومن هردو را با اتنک به یک هدف والا و ارزشمند تحمل میکردم . بخاطر بیشبرد آرمان بر شکوهم ، بخاطر حفظ اسراری که فاش نکرد ن آن به سود مبارزه و انقلاب بود . این تحقیر و شکجه ، برای من گذراو کوتاه دست بود در حالیکه خلقهای زحمتکش را مجسم میکردم که نه یکساعت ، نه یکروز بلکه هر لحظه زندگی پر از محرومیتشان آنرا تحمل میکردند . " ٤٠

رفیق اشرف دهقانی که پس از تحمل دو سال شکجه های مخفوف و وحشیانه روزی در اوایل فروردین ۱۳۵۲ با هوشیاری و فراموشان از انقلابی خوبی موفق به فرار شد ، پس از فرار از چنگ مژد و ران دشمن در طی پیامی به خلق زحمتکش ط چنین اظهار داشت : " وقتی

سرنوشت و رهائی خلق از بند های اسارت بجهان نبود، چگونه مکن است با آغوش زار تعامی خطرات را بجان نخربد و چگونه مکن است لحظه ای رنجهاي خلن را فراموش کرده و از نکر ضریبه زدن به دشمن غافل ماند . ٦٥

آری این چنین است آموزش زرف و انقلابی و بدین سان استهبان زنی که دلبرانه از محبوبه بسی که برایش ساخته اند تدم فسرا همکارد، دیوارهای زندان را از بن هنکدو با فرا گشتن از دنیا از مالبود شوارهای قاطعانه به رینه کن ساختن نظامی میوردا رد، که مولود آن جز زجر و شکجه و ستم واستئمار چیزی نهست .

در تاریخ ٦ اردیبهشت ماه ١٣٥٣ مودم تهران شامد حطای دیگر از هنر و ایمان راستین به خلق و کله و نفرتی عظیم به دشمن خلق بودند . این حمام آفرینان که دلاوری آنان زیانزد توده ها گردیده بود؛ دو تن از رفقاء زن بیکارجوی سازمان چونکهای فدائی خلق بودند . این دو رفیق دلبر به هنگام مواجهه با مزدوران دشمن چنان هنگامه ای از قاطعهت بارزاتی بیا کردند که در خیان مزدور در حالی که از وحشت و ترس سرایی حیرشان بلزه درآمده بود برای توجیه حقارت و احساسات شوونیستی و رذپلایه شان تلاش نمودند که این دو رفیق را مردانی وانمود کنند که به لباس زنانه درآمده اند .

رفیق مرضیه احمدی اسکونی بساز وقوف به این امر که محل قرار رفیق شیوهن معاهد در محاصره است برای نجات رفیق همزمزیه محل شتافت . و بساز آن که مزدوران دشمن را زیر لش مسلسل گرفت در این درگیری شهید شد . رفیق شیوهن معاهد بساز ایستاد گرسنی قلطعانه در برابر مزدوران دشمن علیرغم کوشش در اقدام به خود کشی دستگیر و به زیر شکجه دزخیمان ریسم رفت . ما در اینجا به تقلیل خشی از زندگنیه رفیق مرضیه از تیر خلق ارگان سازمان چونکهای فدائی خلق میوردازیم : رفیق مرضیه توانست احساس بر شکوه و آگاهی هنی خود را از زندگی توده ها با تشویی های مارکسیزم لنینیزم درآمیزد . رفیق مرضیه برای افزایش شناخت خود از قانونمندیهای

تکامل جامعه و آگاهی از جاریات خلق دست به مطالعه هفت تا پیسا
دیدی طی تبرای آشنائی با زندگی خلق به مطالعه چونی بود از د
وازاین طریق بتواند در جاریات آزاد پیغام رهایی کند ۶۰

رفیق مرضیه در طی دوران تحصیل در دانشسرای طالی سیاه داشت
در روستاهای ورامین رفت و آمد میکرد و اوقات زیادی را با خانواده های
روستایی میگرداند او همچنین به بسیاری دیگران از روستاهای ایران
سفر کرد و در آنجا برای کودکان در مدرسه های روستا کتابخانه درست
میکرد و با میاهیان داشت دوست شده و با ارسال کتاب برای آنها
کوشش میکرد که آگاهی سیاسی آنانرا ارتقا دهد رفیق مرضیه احمدی
یکی از چهره های فعال اهتمامات دانشجویی بود و در اهتمامات اسفلنڈ
۱۲۴۹ نفس رهبری داشت وی در زمستان ۱۳۵۱ باز تعاس با
رفقای شهید نادر شاپیگان و حسن رویه‌نا و چند نفر دیگر به تنکیش
یک گروه مارکسیستی با خط مشی بارزه سلحنه مباروت ورزید و پس
از نجادت چند تن از رفقای خود به خوبیت سازمان چریکهای فدائی خلق
درآمد رفیق مرضیه فلی شیوا داشت قریحه واستعداد نهادندگی
او در اشعار و داستانهایی که همه قصه زندگی محنت زیاد ترده های
زند برمیهن ما بود عیان میگشت و نویشه ها و اشعار پرشیوری
در ضرورت افروخته نگاهداشتن شراره بارزه انقلابی نگانه بود
با این سال میگفت من نیخواهم با قلم زندگی کم بلکه نیخواهم قمه
هایم را با زندگم بنویسم ۶۷

و چنین کرد رفیق مرضیه زیاراتیان چکامه زندگی را به مردم انقلاب بود
با خون سرخ و جلا یافته اش بر عرصه میدان نبرد نیشت

رفیق شیخین معاضد چربیک فدائی خلق که در زمرة پرسنلیون رهبران
انقلابی ایران است از همان آغاز پیوند تشکیلاتی با سازمان چنگمایی
له دای خلق تمام توان خپس را در راه حصول به هدفهای جنبشی کار
گرفته و پشتکار و برخورد محمد الله در پیشبرد وظایف انقلابیان او را
به مبلغ نیرو و الهام بخشن رفاقت بریدل ساخته بود وی که علم رفسنجان
کوشش در الدام به خود کمی بس طلتلاش مزد بیان دشمن در زندگان

نگهداشتن او و مخفی به انجام این امر نشد، تحقیق سبعانه تنین شکجه
های دو خیان قرار گرفت و اینکه با بدئی ساخته و جسمی درد ملبد با
ایمان بزرگترین پیروزی... باشد آرزو سر برآز چون ستاره ای در آسمان
انقلاب ایران مهد رخشد.

رفیق منیزه اشرف زاده کرمانی از اعضای سازمان مجاهدین خلق
ایران، نخستین زن انقلابی ایران بود که در زستان سال ۱۳۵۴
بوسیله دزخیان منفی به جوخدادام سپرد شد. رازم تنگین نساه
که تا این هنگام به طت هر امراز واکنش شدید مردم و جمیت قواهای
از تیرباران انقلابیون زن احتراز می‌جست و معمولاً به کشtar انقلابیون
زن در درگیری‌های خیابانی وها به هنگام محاصره مازل تمی و هما
در زیر شکجه اکتفا ننمود، این بار تلاطب محروم و ریاکارانه اش را به
کاری نماد و از هر امن لفظ جذبی انقلابی و به اصلاح خود بسرای
ایجاد، "رعی" در دل شیر زنانی که با به پیدان نبرد سلاحانه
که ارده‌اند اقطام به تیرباران رفیق مجاهد منیزه اشرف زاده کرمانی
نمود. ارجاع که کورد لانه وابستگی شای خلیل به زندگی ناچیز مادری
را واتعیتو برای همه، حتی مبارزین پند اشته و با پیش از تجاعی خود
"زن" را موجوی ضعیف و زیون می‌انگارد. ایدوار بود که وحشت
را به دل زنان شیردل میهن ما رخنه دهد ظائل از آنکه تنها هراس
که روح زنان رزمی انقلابی میهن را میگارد، ادامه سلطه تنگین
ستارگران و فاشیزم بر زندگی شده‌های رنجبر میهن است که الامان
تنها با سرنگونی نظام حاکم تسکین میابد.

از دیگر نمونه‌های والا بارزات زنان انقلابی ایران، میانی پسر
افتخار رفیق شهید نژدت روحی آهنگران است. وی که مسئولیت پیک
دسته تبلیغ سلاحانه سازمان چریکهای فدائی خلق را به عهده
داشت، در محاصره پیک واحد نیمی کارگری در محله کارگرنشین کارخانه
جهان چیت کر. بوسیله مزدوران دشمن پس از درگیری حطامه
آفرینی که ساعتها به طول انجامید، شهید گشت. ندت ایمن
درگیری بعدی بود که مزدوران مساوا کعلوه بر تجهیزات معمول خود

در مواجهه با تم‌های چنین ناگزیر ازان شدند که برای نخستین بار از هلهکهتر نیز در سرکوشی نیم استفاده نطاپند. در آهن نرگیری رفتار حسنه عظیمی، پداله زار و ماتیک فازاریان نیز شهید و رفیق اعظم روحی آهنگران، خواهر رفیق نزهت دستگیر گردید.

از دیگر رزمندگان دلیر انقلابی ایران، باید از رفیق رفعت‌افراز حضو سازمان مجاهدین خلق ایران یاد نماییم که از عناصر برشور انقلاب و سرشار از روحیه پیکار با امیرالبزم، دشمن خلق‌های جهان بود. رفیق افراز بخاطر هبستگی عینی انقلابی خود با مبارزات خلق قهرمان عان به صفوں انقلابیون عان پیوست. وی که تلاش بی‌مانندی در پیشبرد اهداف جنبش داشت، نخستین رفیق انقلابی زن بود که در هنگام اداء وظایف انقلابی در سنگری دیگر از بارزه علیه امیرالبزم به افتخار شهادت نایبل آمد. حقانیت بارزه خلق مستبدده و باز هم دیگر حمامه‌ای.

رفیق فاطمه حسن‌پور از اعضا سازمان چریک‌های فدائی خلائق از انقلابیون بود که با قاطعیت پیک چریک فدائی در درگیری یک پایگاه چنیکی در شهر آمل به مدت ۲ ساعت رویارویی با تمداد کثیر از مژده روان دشمن به نبرد بود اختنا رفقاء دیگر بتوانند در زیر چتر آتش‌سلاح وی موفق به غرار شوند. بس از فرار رفقاء وی پایگاه و همه اسناد را به آتش کشید و بس از ۲۷ تن از افسران و زوار و یک درجه دار بسرای آنکه زنده به دست دزخیمان دشمن نهفتند، با انفجار نارنجک خود را کشت و با خون باکش صفحه بر افتخار دیگری بر تاریخ جنبش انقلابی می‌بین نگاشت. شدت این درگیری چنان بود که تا چند ساعت پس از شهادت این رفیق، نیروهای امنیتی جرات ورود به پایگاه را نداشتند. انعکاس این واقعه در سطح وسیعی از مردم آمل نانیز عیقی بجای گذاشده و مردمی که شاهد وحشت و عجز نیروهای امنیتی بودند، خبر این درگیری را برای یکدیگر تعریف می‌کردند. بدون شک این همه کوشندگی انقلابی انجیزه بیوستن گروههای کثیری به صفوں مشکل جنبش انقلابی خواهد گشت بر طبق گزارشات موجود، هن دیگر از زنان رزمنده انقلاب ایران با مقاماتی بی‌مانند، سلاح کهنه را می‌نگین شاه یعنی شکجه را بین اخبار

ساخته و حامه‌ای دیگر از حاومت افریدند . رفقا صدیقه رضائی و
فاطمه امینی از سازمان مجاهدین خلق ایران به علت استواری بیستکار
جویانه خویش تحت سبعانه ترین شکنجه‌های درخیطان مژدور قسرا ر
گرفته و سرانجام شهید گردیدند .

رفقای عزیز بیان دلاوری و جانبازی انقلابیون میهن از زبان فلم امری
است دشوار و در عین حال نامیسر . ما تنها به ذکر نعنه‌ای چند از این
بیکارجویان انقلابی بمنده نوده و آرزو میکنیم که آموزش انقلابی ایسن
بهترین غرزه‌دان خلق، حرکت امواج مبارزه^۰ توده‌ها را به سیل بنها کو
بدل ساخته و نقطه^۰ بایانی بر عرص حاکمیت بپیاد و بهره کرو گارد .
درود فراوان ما به عمه رفقای بیکارجویی که با شرکت حماسی در
بسیش رهانی بخشن انگیزه تحرك عظیمی در خلق منتدی به ایران گشته‌اند

بوبزه ه رفقا:

زهرا اقانی قلہکی

زهره اغا نبیل

سرور الادیوش

لادن ال اقا

نسترن ال اقا

مهرنوش ابراهیمی

ستوره احمدزاده

نادره احمد هاشمی

مرضیه احمدی استکوئی

منیره اشرف زاده کرمانی

فاطمه اندرونها

رفعت افراز

فاطمه امینی

میترا بلبل، صفت

طیبه پازوکی

نهیین توکلی

عاطفه جعفری

ناهد جلال زاده

ویدا حاجبی

فاطمه حسن بور

فخر السادات حسینی

طاهره خرم

رقیه دانشگری

شهپرد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در زندان رژیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شهپرد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ▪

سازمان مجاهدین خلق ایران ▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ▪

سازمان مجاهدین خلق ایران ▪

سازمان مجاهدین خلق ایران ▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ▪

▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در زندان رژیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در زندان رژیم

سازمان مجاهدین خلق ایران در زندان رژیم

در زندان رژیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شهپرد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ▪

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در زندان

رژیم

اشرف دهقانی	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در حgef رزم جویان سازمان چریکهای 福德ائی خلق ایران
صدیقه رضائی	شہید
مهنا رفیعی	▪
اعظم روحی اهنگران	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
نژدت روحی اهنگران	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
برستو معید نیا	▪
فاطمه معیدی (نایاگان)	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در زندان رزیم
بری شاهی	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شہید
سیمین ممالحی	سازمان مجاهدین خلق ایران در زندان رزیم
عزتغروی	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شہید
فاطمه غروی	▪ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
نصرین فضیلت کلام	▪
بتول فقیه زاده در گلولی	سازمان مجاهدین خلق ایران در زندان رزیم
ماهرخ فیال	شہید
زهرا مدیر شانه چی	▪ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شیرین معاضد	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در زندان رزیم
گلخ مهدوی	سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شہید
بوران یداللهی	▪ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

از قاطعیت‌انقلابی و اراده بولاد بنشان بیاموزیم و ارزو بیکنیم که مثل امثال باشیم.

حاسه‌ای که در سیاهکل آغاز شد، حواسه‌های دیگر آفرید. درگیری روز اخون خلق در جازرات مسلحانه طیه رزیم و پیدا یافتن تشكیل‌های جدید بیانگر پیکری خلق در نبردی است که علیه دشمن خود آغاز نموده است. گسترش جازره مسلحانه، پیکر رزیم بهلوی را به لرزه در آورد و خشم توده‌ها که سالهای مآل در دل نهان مانده بود هر روز به صورتی زیان‌آمیز نکند. تشدید جازرات دانشجویان و توده‌های رختکن میهن مسما ممید این واقعیت است و نوز نکش زنان در جازرات توده‌ای نیز چشگیر بوده است.

دختران دانشجو در کار رفای پسردانشجو در جایگاه آموزش و گسترش فرهنگ استعدادی، طیه بنیاد این فرهنگ منحص طغیان کرده‌اند. اعصاب ابات زنان کارگر در کارخانجات هارسالکریک و فرقه زیبا و نمونه‌هایی از جازرات زنان رختکن میهن است. این زنان رنجبرکننده سالهای متعددی در برابر ستم موضعی که بر آنان روا میشد، سکوت میکردند و درد کمیدن را سرنوشت خود می‌دانستند. متحداً جهت احراق حسوس خود بپا خاستند. دفاع و بستیبانی مادران و خواهران جازین، از مبارزات مسلحانه انقلابی، بیانگر آگاهی سیاسی زنانی است که تایپیش از آن، دنیاپیشان در وجود شوهر و فرزند انسان خلاصه میشد. مادر تهرمان رضائی‌ها به فرزند اش گفت. "هرگز اسلحه را زین نگارید." این مادر شجاع و جاز جلساتی با شرکت زنان در دفاع از جازین راستیمن تشکیل داد و به ترتیب تظاهراتی عظیم در برابر مقادیر ارشاد میاد رت ورزید، بنحوی که رزیم ده منظر بهلوی قادر به ممانعت از فعالیت‌های این زن پیکار جو نموده است.

مادر رفیق شهید غفور حسن بور، هنگام شنیدن خبر تیرباران فرزندش گفت "من از مرگ فرزند، دلکیر نوسم، امید من به شاخه‌های جدید است ما از جازرات این زنان رزمنده که در ستیزه جوانی با دشمن و پایداری انقلابی، در انقلاب به رهوان جاز، داده و کوهده‌انه در برابر جنایات و فجایع رزیم شاه مژد و راستقامت نشان میدهند، تجلیل نمی‌سود و بایندگی انقلابیشان را آرزو میکنم." ۲۸

امه‌ریالیزم، جمیت‌گسترش و تحکیم دامنه نفوذ خود در سطح جهانی برای دستهای این هرچه بیشتر بر متابع ارزان و فراوان طبیعی و نیز نیروی ارزان کار انسانی، سخت تلاش می‌کند . برای ایجاد پایگاه‌های جدید با ارجاعی ترین اشاره و طبقات کشورهای غرب نگهداری شده، بیمان هنکاری می‌بندد و آنان را به نگرانی و دفاع از مفاسع خود در پایگاه‌های تحت نفوذش می‌کارد . و سخت در تلاش آنکه نیروی حاکم خلق را سر سختانه در هم کوبیده و سعی کند هرگونه اهراضی را درگیر خفه کند . در ضرایطی این‌چنین مبارزات رهائی بخش خلقوی تحت ستم جهان بسیار پیروزی قطعی نخواهد رسید، مگر با وازگوی کودن بایه‌های قدرت و سلطه امیریالیزم . و برای پیروزی خلق ستدیده ما نیز راهی جز قطع نهاده امیریالیزم و عالم دست نشانده اش وجود ندارد . رهائی، زنان زحمتکش ایران هر روز بیش از پیش، فشار استثمار و ستم امیریالیزم و ارتقای بهلوی را حس می‌کند و همزمان با آن بعنوان بیک زن، انسانی که اسلام استثماری هزاران سال پیش و هم‌مان باید ایش مالکیت خصوصی و ثبور جامعه طبقاتی بی ریزی شده و بیش از سایر انتشار تحت ستم و استثماری و فربانی فرهنگ پوسیده و ارجاعی بورزاژی، بعنوان بخشی از زحمتکشان ایران در کسر نابودی بایه‌های نفوذ امیریالیزم است و بعبارت دیگر رهائی زن از استثمار، زمانی امکان پذیر است که مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان از میان برود . جنبش میهن ما که در جمیت جامعه عمل بیشاند به این آرمان بزرگ به پیش بروند، نمی‌توانند به پیروزی قطعی برسد مگر اینکه رهائی زنان که نیمی از خلق استثماری زد^۱ را تشکیل میدهند، در دستور کسار خود بگدارد . و این تاییجی است که پیشرفت‌ترین بخش مبارزات مرد ایران نیز بدرستی بدان دست یافته است . در گیری روزافزون زنان در مبارزات مسلحانه در سال‌های اخیر موید این واقعیت است .

در امر مهم تریتیت سیاسی توده‌ها و بسیج آنان ببارزه طبقاتی محور مبارزه باید پیکار علیه بددیده استثمار قرار گیرد . اگرچه عدد توجه‌باید معطوف ببارزه علیه استثمار طبقاتی طبقه حاکمه، امیریالیزم و ارجاعیون

وابسته به امیریالیزم قرار گرد وله، بر اساس آموزش عمیق ایدئولوژیک باید اتصافی را ایجاد نمود که توده به درک لزوم مبارزه غنیه کلیه وجسمه استنمار و ستم از قبیل استنمار زن و ستم مله، نیز نایبل گردیده و به جازه علیه شوونیزم مرد و شوونیزم ملی، نیز پیکرمانه بیاد رت ورزد.

آنچه که اهمیتی بگانه داشته و لزوماً باید محبو و کانون توجه فرار گیرد، پیروزی مبارزه رهانی بخشن خلق در نبرد با ارتفاع و امیریالیزم است. اولین کام در راه بصیر زنان و مردان باید افشاء ماهیت خند خلقی رزم و وابستگی آن به امیریالیزم جهانی، فشار اختناق میاسی و همچنین تبلیغ رشد مبارزات خلق و کمترش روزانه افزون مقاومت و عکس العملهای قهرآمیز خلق در برابر رزم ضد خلق ایران باشد. تکهه عدد را ببروی استنمار زن، که اشتن و استنمار زن را جدا از استنمار توده های زحمتکش طرح کردن راهی است که نه تنها به پیروزی زنان منجر نمیشود بلکه شجر به ایجاد شکاف در مان نیروهای خلق میگدد (در شرایطی کسی تحکیم و تقویت ایون، نیرو پاید در دستور کار قرار گیرد) مساله استنمار زن باید در کار استنمار کلیه افشار و طبقات خلق طرح شده و عدتاً به تضاد میان خلق و امیریالیزم جهانی و متفقین محلی اش توجه نموده و ببروی لزوم هبستگی میان زنان و مبارزات اکاها نه طبقه کارگر ناکید شود.

وظیفه ما این است که با درگیری ساختن زنان در مبارزات رهانی بخشن توده های سنتدیده (که خود نیز بخشی از آنان است) دیوارهای دنیا کوچک و حقیر آنان را در هم شکنیم با ایجاد تعهد و وابستگی آنان به مبارزات توده های زحمتکش افق فکری آنان را وسعت داده با روشن کردن اهداف انقلاب رهانی بخشن خلق، آرمانها یشان را با آرمانهای اکبرست جامعه پیوند دهیم و بگارم به روشنی درک نمایند که خلافت و سازند- گی خود را در چهار دیواری کوچک و محدود خاتواره به کار گرفتن تباہی نیروی با ارزش انسانی است. بگارم به روشنی ببینند که با بیوستن به مبارزات رهانی بخشن خلق چه نیروی عظیمی را برای نابودی دشمن انسانها و نیز ساختمن جامعه نمی‌افزینند.

فصل چهارم

سوسیالیزم میگانه راه رسانی

تفصیل کار برا اساس تقسیم طبیعی کار در خانواده و تئوریک اجتماعی به خانواده های در تضاد با یکدیگر به وجود آمده و در این زمان توزیع نابرابر کار و محصولات ان صورتی بذیرد در نتیجه مالکیت در خانواده یعنی محلی که در آن زن و نوزندان بود گان شوهرند، شکل میگیرد .

این بردگی بنها در خانواده ، اگرچه بسیار ابتدائی ، نخستین تبلورات مالکیت ... است اما مالکیت حتی در این مرحله ابتدائی نیز کاملا با تعریف اقتصاد دانان مدرن که آنرا قادر تصرف نیروی کسار دیگران میخواستند ، در تطابق می باشد . ۶۹

همانگونه که گذشت با بیدایش مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات و تحول خانواده به خانواده یکتا همسری زن علاوه بر مالکیت مرد در آمد و موقعیت اقتصادی و قانونی مرد به عنوان رئیس خانواده در جامعه طبیعتی تنبیت شد . از آن بسیم زن در تقسیم کار اجتماعی منحصر به خانه دارد ، و تامین آسایش مرد در خانه بود ، وابستگی اقتصادی زن به مرد او را به بردگی تبدیل کرد که ناگیر از تبعیت از اراده مرد بود . " زن بردگی شد قبل ازانگه در جهان بسرده وجود داشته باشد . ۷۰

این بردگی زن که نا حاکیت طبقات ستمگر بر نیرو های تولیدی ادامه دارد ، تداوم یافته و با وقوع انقلاب سوسیالیستی نه تنها کارگر از استثمار و سرمایه دار و دهقان رحمتگش از اسارت آزاد میگردند بلکه زنان نیز از قید استثمار اجتماع رها میشوند و میتوانند هم وطن مردان در اجتماع قدم بردارند . آزادی زنان در جامعه کوئی تنها در کار با میارزات طبقه کارگر به نظر نمیرسد . لذین می نمیرسد . " جلب زن به کار تولید اجتماعی و رها ساختن او ، از بردگی خانگی ، آزادی او از قید وابستگی خرفتی اور و موهن کار دانی و منحصر در آشپزخانه و بجهه داری وظیفه عده ما را تشکیل میدهد . این مبارزه ای طولانی است که رگرسیونی

اساسی در تکنیک اجتماعی و اخلاق اجتماعی را ایجاد میکند . این
بارزه با پیروزی جامعه بی طبقه پایان می پذیرد . ۲۱
وی اضافه میکند .

ساختمان جامعه سوسیالیستی زمانی آغاز خواهد شد که برابری کامل
زن را تأمین و دومنیه دومن زنی که از کارهای ناجیز غیر مولد و خرفت
کنده فارغ باشد به فعالیت نهیت بودازم . هچ تحول سوسیالیستی
بدون آنکه بعن عظیمی از زنان زحمتکش در آن سهم منزی داشته باشد
ممکن نیست . ۲۲

با استقرار سوسیالیزم در تعدادی از کشورهای جهان ، میلیونها زن
هراه با آزادی طبقه کارگر کشور خوبیه حقوق برابر با مردان نائبیل
گردیدند . لئن کبیر در بیانی که به مناسبت روز بین المللی زنان ایراد
داشت چنین اظهار نمود :

سرمایه داری تساوی ظاهری را با نابرابری اقتصادی و در نتیجه
نابرابری اجتماعی تاکید مینماید . این یکی از اساسی ترین خصوصیات
سرمایه داری است . خصوصیتی که از طرف حامیان بورژوازی ، لیبرال ها
به دروغ پرس : پوشی میشود و خرد ، بورژوازی دموکرات نیز آنرا
درک نمی کند . در عین حال بخاطر این خصوصیت ویژه سرمایه داری لازم
است که درین بارزه پیگیر برای کسب تساوی اقتصادی ، نابرابری
در رزیم سرمایه داری را بطور اشکار باز شناخت و حتی در بعضی موارد
وقوف کامل به این نابرابری را به عنوان مسالمه ای اساسی در تشکیلات
دولتی پرولتاپیا در نظر داشت . اما سرمایه داری حتی از نظر تمیاوی ته
رسو (تساوی در برابر قانون تساوی بین مردم مردم و گرسنگان ، بین
مالکین و مردم بدون هیچگونه تملک) هم نتواند قاطع باشد . موقعیت
پست تر زن نسبت به مرد یکی از بارز ترین تبلورات این ناپیگیری بسروی
اصول است . هیچیک از دولتها بورژوازی حتی مرقی ترین آنها یعنی
جمهوری های دموکراتیک نیز تساوی کامل حقوق را به اجرا در نیاورد و اند
..... میگویند که مطح فرهنگ جامعه به بهترین وجهی در موقعیت
قانونی زنان نمایان میگردد . در این گفته نطفه حقیقت عیقی نهفته است

از این دیدگاه فقط دیکاتوری پرولتاریا، فقط دولت سوسیالیستی قادر به ارتقاء سطح فرهنگ بوده و می‌باشد . کارزن در جامعه سوسیالیستی نه تنها جماعت انسان به ساختمان بنای سوسیالیزم، بلکه جماعت تکامل شخصیت مستقل زن و تمیق فرهنگ وی پاک ضرورت است . شرکت خلافانه زنان در بنای سوسیالیزم آفون دید زن را وسعت بخشد و حیطه بستگی‌های وی را وسعت می‌دهد .

۲۳

همچنانکه رفیق ما تو سه دون می‌لوهد . "بخاطر بنانهادن یک جامعه کبیر سوسیالیستی بسیج نواده‌های وسیع زنان برای شرکت در فعالیت تولید، دارای اهمیت بزرگی است . مردان و زنان باید بر کار تولیدی در مقابل کار مساوی دستور مساوی دریافت کنند . مساوی حقوق واقعی، بین مرد و زن تنها در بروز تحول سوسیالیستی تسلیم جامعه می‌تواند تحقق یابد .

۲۴

" هیچ جنبش بزرگی از متعدد گان جهان در تاریخ بشری بسدون شرکت زنان قادر به نیا، به پیروزی نموده است .

زنان زن تکثیر این متعدد بده ترین متعدد گان هرگز جدا از جسمان وسیع جنبش رهائی خشن قرار ندادسته و نسبتاً نند تراور داشته باشند . زنان زحمتکش (کارگران و دهقانان) بزرگترین ذخیره طبقه کارگرد و این توانی ذخیره نیمی از جمهیت را تشکیل می‌دهد . رنجیست جنبش کارگری، پیروزی، یا شکست انقلاب کارگری، پیروزی و پا شکست قدرت پرولتاری بعشه به آنست که قوای زنان له و یا طیه طبقه کارگر قرار گیرد .

۷۵

کسورهای صرماهی داری هرگز نتوانسته اند . مشکل اشتغال افراد جامعه و بخصوص زنان را حل نمایند . از نیروی کار زنان در جوامع بورژوازی به عنوان ارتش ذخیره کار استفاده می‌شود همچنانکه از نیروی اقلیت‌های مورد ستم نژادی و ملی . نیروی کار زنان نیز معمولاً بهنگام جنگ و یا در زمانی که کارگران دست به اعتراض می‌زنند به عنوان "اعتصاب‌شکن" مورد استفاده واقع می‌گردد . آری این خصلت سیستم بورژوازی است که دعی از ابیجاد تفرقه در بین نیروی خلاق زحمتکشان باز نمی‌ایستد . در جوامع بورژوازی از اینکه زنان در تکامل تاریخی و

اجت‌ماعی جامعه خود نقشی مورب بر عده گزند، سخنی نمی‌رود. این امر نه تنها مورد علاقه بپولی‌وازی حاکم نیست بلکه بپولی‌ازی به همچ وجه چنین هدفی را نیز دنبال نمی‌کند. هدف واقعی انان استفساده از نیروی کار زنانی است که بر حسب نهاد و مصالح کاربه سران نیروی مولد در بروزه تولید شرکت‌های نمایند. بالاخره که نیروی کسار زنان و کودکان جهت استثمار بیشتر مورد نیاز استثمارگران است.

از جمله وظایف جرم جامعه سوسیالیستی توجه به اموزش‌حرفه ای زنان و اماده ساختن انان برای همکاری با مردان جهت اشتغال در پیشرفت‌های تربیت رشته‌های علم و تکنیک می‌باشد. لئن کویریا برخوردی همچنین به وضعیت موجود و توجه به تفاوت نیروی جسمانی زن و مرد می‌گوید.

منظور آن نیست که زن از نقطه نظر بازده کار، میزان نار، شرایط کار و غیره با مرد برابر باشد بلکه منظور آنست که اختلاف وضع افتخار مرد با مرد او را مورد ستم قرار ننماید. در این مورد تردید نیست که شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی - سهاسی بتدربیج فاصله فکری زنان و مردان را کاهش داده و با از میان رفتن تفاوت کارگسی و فکری نیز بازده و میزان کار زن و مرد یکسان خواهد گردید. و آنکه زنان تنها از نظر مدّت و شرایط کار آنهم فقط در دوران کوتاهی به طبق وظایف خاص مادری با مردان تفاوت خواهند داشت.

در کشورهای سوسیالیستی انواع تسهیلات برای زنان بسته نجاست آنان از کار محدود و یک‌باخت خانه از قبیل نیروخوارگاه کودکستان بیمارستان وغیره ایجاد می‌گردد. بیل می‌گوید: "در جامعه سوسیالیستی زن آزاد است و کودکان این آزادی را محدود نمی‌کند بلکه شادی او را افزون می‌سازند."

سوسیالیزم امکانات اینهای نتشی فعال برای زنان در اداره و نسیم سرتیفیکات چامعه را ایجاد می‌کند. "دموکراسی بولی‌وازی در تکسار نمی‌باید و از اراده برای همکار را وده می‌دهد اما در عمل همچ جمهوری حتی بیش‌رتبه ترین اینها نیز به زنان که نیوی از جمعیت

جامعه بشری را تشکیل می دهد . برابری کامل قانونی با مرد و زن
ازادی از قید قیومیت و ستم جوان را تقدیم است . " ۷۸

با نگاهی به قوانین ظالمنه کشورهای سرمایه داری در مورد زنان
به روشنی در میابیم که " در نظام جمهوری های بولواری برابری اصول
می شود ولی در قوانین مدنی و قوانین مربوط به حقوق زن در جهش
وضع اود رخانیاده و آزادی طلاقی، مادر هر کام با نابرابری و زیرگوئی
به زن رسیده استیم و به این جهت اعلام میکنم که این اتفاق ممکن است .
بخصوص در حق زنستگان است . " ۷۹

نوریه از چگونگی روابط جنسی و موقعیت زن در جامعه بولواری
به انتقاد می پردازد . وی نخستین فردی است که اعلام میدارد :
" در هر جامعه ای درجه آزادی زن ، یک مقیام طبیعی بهای بیزان
ازادی عیوب است " نوریه این افکار را در تزریق چنین توضیح می دهد :
" ترقی اجتماعی و تغییرات زمان به موازات ترشد آزادی زنان به پیش
می رود . نابودی نظام اجتماعی متقابلاً به همان نسبت باشد و دیگر وسیله
آزادی زنان همراه نباشد " ۸۰

و براین اساس بسط و تکامل حقوق زنان اصل عده کلیه پیشرفت های
اجتماعی است . " ۸۱

انگلش میگوید " آزادی کامل در ازدواج فقط هنگام میتواند بطور
علم علو شود که لذت تولید سرمایه داری و مناسبات مالکیت کے
بوسیله ان ایجاد شده است تمام این ملاحظات اقتضای فرعی کے
هنوز یک چنین تاثیر قدرتمندی در انتخاب شریک بازی میکند را از بین
برده باشد . در این هنگام هیچ انگیزه دیگری بجز طلطنه متناسب
با نخواهد ماند . " ۸۲

در جوامع طبقاتی بـ هشق و ازدواج بصور تامی شخصی و خصوصی
برخورد میشود و بدین لحاظ روابط بین زن و مرد بدون احساس مسئولیت
و کاملاً کروکروانه برقرار میگردد . لنهن میگوید " هشق یک امر
شخصی نیست بلکه به طبقه وجود یک فرد نالت یعنی فرزند امری
کاملاً اجتماعی است و اجتماع در این امر ذیلخواست . " ۸۳

در جامعه سویاالیستن، بین زن و مرد تساوی حقوقی برقرار نمیشود.
زنان امکان آنرا میابند که با آزادی کامل شغل مرد علاقه خود را اختیار
کنند. جهت بیارزه با ارزش‌های جامعه طبقاتی مردان برای بیداکسید ن
روح هنگاری و تشریک مسامی‌ها هسر خود آموزش می‌بینند. زنان میتوانند
که ظام خانوارگی خود را بهزار ازدواج نیز حظظ کنند. هرگاه زن بکار
جایز از خانه استغلال نداشته باشد، کار خانگی وی مانند معالمیست
القصدی مورد ارزیابی قرار میگیرد. در تصورهای سویاالیستن زن و مرد
هر دو حق طلاق دارند. لنهن میگوید "انسان نمیتواند سویاالیست
و دمکرات باشد بدون آنکه آزادی کامل طلاق را خواستار شود زیرا
کمود این آزادی بمعنی پک زنجیر اخانی برای جنس منطبق دهد" یعنی زن
است."

۸۴

اگرچه فهم این مسئله دشوار نهست که به رسالت شناختن این حق
به مهم دعوت آفان به اجماع چنین کاری نهست.
لنهن میگوید "رهانی واقعی زن و کونیزم واقعی تنها در آن زمان آغاز
می‌گردد که بیارزه بر دامنه‌ای تحترهبری برولتاریای صاحبقدر تعظیم
خوده کاری و خانه داری آغاز گردید و به جارتند پک تجدید سازمان
بر دامنه این خانه داری بر پنیاد اقتصاد بزرگ سویاالیستی گذارد
میشود"

۸۵

انگلیس می‌نویسد "نظام کونیستی روابط زن و مرد را به روایطی کاملاً
خصوص تبدیل میکند، روابطی که تنها به خود طرفین مربوط است
و جامعه حق داخله در آن را ندارد. نظام کونیستی میتواند چنین
شوابطی بوجود آورد زیرا در آن مالکیت خصوص حذف و کودکان توسط
جامعه تربیت میشوند و بظایا این دو با یه اساس رئاشویی که نامه
از مالکیت خصوص است، یعنی واپسگی زن به شوهر و واپسگی اطفال
به پدر و مادر از بین می‌رود. با این هیاهوی اخلاقیون بجز از ده علیه
اشتراك زن در کونیزم نیز در همین جاست. اشتراك بودن دون روابطی
ای است کاملاً متعلق به جامعه بجهالتی که امروز بصورت غشای بطور کامل
 وجود دارد. ولی غشای متکی بر مالکیت خصوص است و با آن از بین

میزد . بتابراین سازمان کمونیستی نه تنها اشتراکی کرد ن زنان را بر قرار نمیکند، بلکه به عکس آنوا از همان بر میدارد .

۸۶

ارد واج در جامعه سوسالیستی، بر مبنای تفاهم فکری طرفین انجام پذیرفته و زن و مرد بایبیوند زناشویی تنها رفاقت خوشن را حق بیشتری بخشدیده و مکمل یکدیگر میشود .

کمونیزم نظامی است که در آن استعدادها و فوایح و بهترین حفایل اخلاقی انسان آزاد شکته میشود و تمام و کمال آشکار میکرد . روابط خانوادگی تمام‌آگز شایبه حسابهای مادی منزه میگرد و کاملاً بروبنیاد عشق و دوستی متناظر استوار خواهد شد .

۸۷

سوسالیزم در ران گذار از بطن استمارگر سلطیه داری به مرحله املاک کامل استمار پعنی نظام کمونیستی است . تنها پوشله هزارزه متد اوام برولتارهای در جبهه های ایدولوژیک و سیاسی است که از میان برد ن متناسبات اجتماعی کمین از جمله روابط تولیدی و بیاندیز ساختن متناسبات تولیدی میگرد . انقلاب شروعنگی پوشله ای بسیار بسیار اهمیت از نظر جذب ایدولوژی پرولتاری توصیه زده است، بشمار میزد . وقوع انقلاب فرهنگی، نوسازی ارزشها و معیارها بازسازی امروزشی و موحده ایدولوژیک برونقیزه شدن انسانهای جامعه سوسیالیستی است . که باید در پیک بروسه بارزه نوده ای متعدد معرفت پذیرفته و پکسی از اشکال هزارزه طبقاتی است که باید پیگیرانه عداوم باید . تا زمانه کسی این نوسازی فرهنگی تحقق نهاید و یا نافریز جای ماند، ادامه حاکمیت بینش رو ایدلوری طبقات استمارگر را موجب گردیده و نفوذ این بینش مایه ترقه هیان زحمتکشان و انتیاد انان به متناسبات استماری میگرد . ولذا اجازه می‌دهد این متناسبات برقوار مانده و تماحیب خصوصی وسائل تولید و محصولات توسط یک طبقه استمارگر صورت پذیرد . همان گونه که رفیق مانو رهبر بزرگ برولتاری جهستان تاکید نموده است وقوع چندین انقلاب فرهنگی، در بروسه گذار از جامعه سلطیه داری به جامعه بی طبقه یک ضرورت است . مانو ته دون مینویسد . انقلاب عظیم فرهنگی فعلی فقط نخستین

انقلاب از این نوع است. در آینده از این نوع انقلابات بطریز
اجتناب ناپذیر به دفعات صورت خواهد گرفت. تعیین سرانجام
انقلاب، اینکه بالآخره چه کس بر جه کسی بیروز خواهد شد، نهایتند
یک دوران تاریخی بسیار طولانی است. اگر این دوران بسا
موفقیت به شر نوسد، احیای سرمایه داری هر آن امکان پذیر خواهد
بود.

۸۸

نونه تلخ شرایط امروز زنان شوروی حاکی از نقدان انقلاب فرهنگی
در جامعه شوروی میباشد. زنان شوروی تحت اموزش انقلابی لنهن
کبیر به صوف مبارزه انقلابی پیوسته و بس از تحقق انقلاب از حقوقی
قانونی مساوی با مردان برخورد ادار کردیدند. اما ادامه موجود است
ارزش‌های بورژوازی: نفوذ و رشد روپنیونیزم و انحراف از اصول کمونیسم
زنان شوروی را که سخت در راه رسیدن به ازادی و به نمر
رساندن انقلاب تلاش نموده بودند به قهرآشناهند. وجود نهاده
ورشد آن و برخورد ناشایختی که در شوروی امروز نسبت به زن وجود
دارد، جدا از انحرافات عینی دیگر در این جامعه نیست انحرافاتی
که نتیجه ناگزیر عدم تداوم در مبارزه ایدئولوژیک علیه استعارگران
است.

پیدایش سیمتم جهانی سوسالیزم فرو ریختن امپراطوریهای
استعماری امپرالیزم و ایجاد کشورهای تو استقلال در آسها و افریقا
با نام لنهن و اموزش وی پیوشهای ناگستنی دارد. تحقیق ساله
ازادی و برابری زنان در هر کشوری در جهان از اموزش لنهن الهام
می‌بذرد. لنهن میگیرد.

”برولتاریا نمی‌تواند خود را آزاد کند، مگر انکه برای آزادی کامل
زنان مبارزه کند.“ ۸۹

حاکمیت نظام سوسالیستی در کشورهای شوروی، چین تude ای، البانی
و بنلام و کوبا و سایر کشورها و قمع انقلاب فرهنگی به زنان متدهد
جهان تولدی دیگر را نمود داد. و هنگامکه این نظام برابری بسه
صورت بدیده ای جهانگیر حاکمیت یابد، گذشته ننگین حاکمیت

طبیعتی اور بجا میر به کریمان نایح صبرنہ ملراہلہ شد ۔

فصل پنجم

نقش زنان در کشورهای سومیالیستی و بین‌بندی از رسانه‌بیان

(زنان پیش از زنان)

با پیش از زنان اتفاق افتاده موده‌سالیمنسی
تیک نیز ای خود سیم نود، ای زنان در بجهای حواز حفظ
اجسطیع مساوی با مردان در این کشور آغاز گردید. اتفاق افتاده
لئون سومیالیستی در این کشور به یک بازه و میان زنان این بسامد که
در طی فرود میان این تخت سلطه استطراد میان ای و سه هزاران مردان
فرار داشته را در منحصربندهای و میان نیز ای زمان بیس
پیشگام ملطفه خود را برای کشور از کلپ میان بجهای بجهای
برده و سرما و سینه نولیه فرزندان و متفاوت به اینها "وظایست"
خانوادگی و در والج جزو مایلک مود به حمایت میان ای زمان
میبد ای زمان متن بعلم خود میان کامده سینه در با اندیش از بجهای
"مادریه ها" و یا "کمر که در خانه است" میان میان روابط
میبدند. دختران معمولاً در سنین بیست و ای و ده میان دنیه
حتی ببلاید بودند در میانهایند. دختران حالتوره همان فیض
در سینه ها ۲ سالگی بتوان سرویه خانیاده میان بینیان و اندیش
میشدند و مثل هنگ خد منکار بکار بجهای اینست تا میانه به میان
اره زان برسند. از والج میبد زن بجهای ای وی خود اندیشند بیان
میاده در عصری که بعلت عدم استقلال افتادند زنان بزرگ بیان
زنان یک ضرورت مخصوص بجهایند. اما در سر مال شدند که شهاده راه
"حقش راهه" برای بجهای زنان محظوظ نهست. زنیت آنها نیز حس
کوچکترین کثواری بر سهای تابعه ای خود نداشتند و بین سیم بید اینست
که ندرت نهادهای در برخاسته بود و اینهمه را با مخلفات خود برداشتند.

با پیریزی انقلاب در سال ۱۹۴۹ استراحتی سوسیالیستی برای
آزادی زنان با تبلور :

- ۱- اجتنبی نبودن وسائل تولید
- ۲- آبودن زن به هرمه تولید اجتماعی
- ۳- آزاد ساختن وی از تولید خانگی
در دستور کار قرار گرفت.

شرکت زنان در امر تولید اجتماعی با ایجاد تامسیات گوناگون از قبیل شیر خوارگاه های عمومی کودکستانها و دبستانها و دیگر موسساتی که امکان شرکت زنان در تولید بزرگ اجتماعی را میسر ساخت با رشد فزاینده ای صورت پذیرفت و از آن پس زنان چینی در ساختمان بنای سوسیالیزم و تحکیم رایه های ایمن انقلاب عظیم اجتماعی نقشی ارزشمند و موثر اینها نمودند. آموزش سیاسی و ایدئولوژیک زنان مردان چنین از طریق انقلاب عظیم فرهنگی در این کشور مرانجام خرد کردند خاکاید سنتی و مترادف را عملی ساخته و مد عظیم پیشرفت و برابری اجتماعی مردان و زنان چینی را درهم کوبید. انقلاب فرهنگی چین با نوسازی فرهنگ ترده های میلیونی این جامعه در تحریم حرکتی که در کلیه شئون زندگی اجتماعی این کشور آغاز شده بود نقشی عظیم اینها نموده و بسر این اساس زنان چینی را به نیروی تعبیین کننده در کلیه شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدل نمود.

قدیمی قانون جدید در مورد ازدواج و طلاق از نخستین گامهای اساسی بود که دولت انقلابی چین بدان مهاده را تبریز نمود. این قانون که از سال ۱۹۰۰ در چین به مورد اجرا گذارده شد تنها حاصل تصمیمات ده ای محدود نبود بلکه نزهه مبارزه ای طولانی و حاصل بخشها و مطالعات فراوان از پژوهشگاهی مسلط بر جامعه چین بشناسار میرفت. در این قانون جدید کلیه مسائلی که زنان چین با آنها مواجه بودند مورد توجه خاص قرار گرفته و در رفع این مغفلات عملی ترین راه حل ها ارائه گردید.

هندگاهکه زینها از زیباداران گرفته شد و بین دهقانان شوسم
گردیده، زنان نیز سهم خود را در بالاترداشته ولی این به خودی خود
استقلال اقتصادی زنان را بهمراه نداشت اما هندگاهکه مزارع آشتراکی
گردید و زنان به کار در مزارع تشویق گردیده و قادر نشدند
که سهم خود را مستحبه‌گاز تولید بدست آورند وضع کاملاً دگرگون شد.
نقش زنان در جریان تولیه اشتراکی افق تازه‌ای پیش از آن گسترد.
زنان چنین مبارزه خود را علیه تبعیض در مورد اشتغال (بعلت ادامه
نهاد طایفه منقی در مردان) آثار نموده و نایاب شدند که نایابیت بدل است
گرفتن کارهای مختلف و مسئولیت‌های گوناگون را دارا می‌باشند. شرکت
خلق زنان نه فقط در کار تولیدی بلکه خایستگی آنها در انجام پژوهش
سیاسی و نیز شرکت‌سازی، آنان در ارتش سرخ تصویری را که قبل از در
مورد آنان وجود داشت کاملاً مخدوش ساخته است. جرا که بعلت
حاکمیت‌گرانگ نهادی در چنین قبال از انقلاب یک "زن خوب" را
موجودی می‌گذارند لطیف و ظرف پیشناختند و حال آنکه امروزه زنان
سخت‌گشتو بر کار و شایسته چنین از احترام فراوان برخوردارند.
نده، حظیم زنان کارگر در شهرها از نظر اقتصادی کاملاً مستقل هستند.
در مورد نقش‌فعال زنان در سازندگی چنین نیون در نسیه‌ای بنام
"در درون کون خلق" چنین می‌خواهیم.

"در حدود ۹۰ درصد از زنان جنی لینگ بطور برتید برخوار کار
می‌کنند و یک نیروی اساسی در تولید را تشکیل می‌دهند. زنان اکثر
کارهای سخترا در مزارع بهبده کون که معادل سی هزار "مد" (واحد
وزن در چنین) بسبیه تولید می‌کنند، را به عهد دارند. ۹۰
و در جای دیگر آده است" زنان در بخش‌های علمی و تحقیقات
علمی از نقش بسیار فعالی برخوردار هستند.
رلیق مانو تسلی دون می‌گردید.

"زمانه تغییر کرده است بتو زنان و مردان مساوی هستند. آنچه رفتای
مرد می‌توانند انجام دهند، رفتای زن نیز از عهد آن برمی‌آید." ۹۱

بدون تردید شرکت خلای رسانی چینی در پیشبرد اهداف انقلاب این نظر را تائید می‌نماید. انقلاب عظیم فرهنگی چین، این آغازش نوین انقلابی و این دوباره ساری فرهنگی تانیر عصق، در تغییر نفسی زن دور مجموعه جامعه ایجاد نموده است. چنین تهدیدات، مکانه جامعه بر روی کوه خان است که به محدود ماختن کامل قدر، جامعه توفیق یافته است. ۹۶

و این امر انتخاری همثیم بروای جامعه انسانی است. حوا که از همان رفتن فحشاً به ملهم تانیر عصق اید تولوزی خلای مارکسیزم بر تهدیدهای میلهونی در چین است و قد من فراتر در بیادزه طیه استئمار زن و استئمار طبقات. رفیق مائو تسه دون بینگام مصاحبه با ادگر امنو در سال ۱۹۷۰ میگوید. "این غیر ممکن است که نهرا به تساوی، زن و مرد نایبل شویم." این امر واقعی است و نهل به این تساوی، تنها از طبقه بیارزه‌ای پیگیر و بن امان و در بروسه‌ای دراز مدت امکان مذہراست. معهذا باید اذعان داریم که انقلاب کبیر چین تهدید ای گاممالی بسی قاطع و ارزشده در راه حصول به این آرمان بزرگ طبقه کارگر یعنی اصحاب استئمار به طور کامل بوداشته است.

ذنایت آلبانی

البیان، کشته، اصلت که توانسته انتقال موسیقی‌محبتی در جامعه پس از خود را از زندگی اجتناب نماید. اینکه هر آنچه اسلام به سوی محبته دیگر نمی‌نماید، از بونامه‌های دوست‌خواهد بسیاری را شعور نیزه و طرح بونامه‌های متعدد دارد. حبیب‌الحمد تساوی کامل، مسدان و زبان و آسایش کرد کار را بعد. این بونامه‌ها در آلبانی در راه رهائی ذهن جامعه طرح دیزی کردند. ذهنی که در تمام موالح انتقالاتی و نایستگی‌های فراوان از خدمت نشان داده و در واقع نایستگی هست که تغییر بوابی بدست آورده، تساوی، با مودان را دادند. در نظریه «بهمه سویاالیستی در آلبانی» در رابطه با آزادی‌بخشن زنان از قید کارهای خوفناک آور خانه و شرکت در تولید اجتنابی جنسی، امدو اصلت:

قانون اندام و بهنه، از کارها با برای زنان منوع کرده است. آنها در زمان بارداری، و بعد از آنها رفته به مادریت کار در شب و انعام کار اضافی معاف هستند. مادران در دوران بیش از بارداری حق دارند که در طی مدت روز از نیم ساعت الی دو ساعت استفاده نموده و به تغذیه نوزادان خود بپردازند. این مدت زمان جزو سایر کار روزانه آنها محسوس شده و حقوق به آن تعلق نمی‌گیرد. زنان هنگام بارداری، حفظ انتقال به کارهای اسکندری، را دارند و در صورتی که می‌آن کشته از کار مانع نباشد، بعدهای اجتنابی مانع اتفاق آنها بود. اختناب نماید. زنان باردار شاغل، ازدوازه، هفته مخصوص بسی منظور خصم حمل بخورد از بوده و در این مدت هر ۵۰ تا ۹۰٪ از حقوق آنها بر حساب سایر خدمت‌های داشتند و حتی در موضع ضروری می‌توانند از مدت زمان طلاقی تو احتفاظ نمایند. با تائیض هر اکثر بیوتش کودک و کودکستان از طرف دولت زنان می‌توانند از حق شرکت در فعالیت‌های اجتنابی — سیاسی، ابطحه کار، که بو طبق قانون اساسی

شامل حال آنان بیشود برخورد ار شوند . ۹۳

این تسهیلات برای زنان آلبانی، موجب شرکت خال آنان در بخش های دیگر جامعه شده است و آمار زیر نشان میدهد که چگونه زنان آلبانی دو نرید و ش مردان برای ساختان سوسایلیسم در کشور کوشش حی نمایند .

در کارخانجات لاستیک سازی و کش سازی و کارخانجات صنعتی و محصولات غذایی، زنان ۷۰٪ در حد از کارگران را تشکیل میدهند برای هال در کارخانجات بافتگی ۲۳٪ در کارخانجات محصولات غذایی ۵۶٪ و در بهداشت ۶۹٪ از کارگران را زنان تشکیل میدهند .

زنان در آلبانی بخصوص در مناطق روستائی، عامل مهمی برای پیشرفت و پیشرفت جامعه هستند و به نقش تعیین کننده خسود در تکمیل ساختان سوسایلیزم واقفتند . در حال حاضر بیش از ۴۸۰۰۰ زن و دختر در کارهای تولیدی کار میکنند که این ۲؛ ۳٪ از تمام کارگران شهرها و حومه را تشکیل میدهند . در بعضی از رشته های اقتصادی زنان اکثریت را تشکیل میدهند .

بیش از ۲۰۰۰ زن در رشته های مهندسی، بیوشکی، معلقی و دارو سازی اشتغال دارند . پیشرفت مربوط نیروهای تولیدی در جامعه سوسایلیستی باعث بوجود آمدن شعبات مختلفی در زمینه های اقتصادی شده و در نتیجه امکانات زیادی برای زنان وجود دارد امروزه در آلبانی شرکت مستقیم زنان در زمینه های سیاسی و اجتماعی بسیار ترقی کرده است و در حال حاضر ۴۰۰۰۰ نیاپندگان مجلس خلق را زنان تشکیل میدهند و ۱۱۶۸ نفر عضو هیئت مدافعین حقوق و آزادی مردم ۳۰۰۸۸ سر برستی سازمانهای توده ای را بعده دارند و ۳۰۰۰۰ عضو اتحادیه زنان و ۸۲۰۰۰ اخواه اتحادیه جوانسان رحضا کنرا تشکیل میدهند . ۹۴

شرکت زنان در سازندگی جامعه آلبانی نطايانگر قدرت انسانی است که با کسب آگاهی دو نرید و ش مردان به ساختن جامعه ای نوین دست یافته و قبل از آنکه یك زن باشد انسانی است با تمام قدر تهمتا

و لیاقت‌های شایسته یک انسان آگاه .

*
جمعیت‌البانی ۲ میلیون نفر است .

زنان کوشا

انقلاب کوشا، تحول هیئتی در زنان که این به وجود آورد هم
چنانکه در کلیه مظاهر زندگی، اجتماعی، اقتصادی و شرکتی زنان را
ساختمان موسیالهزم در این کشم شاخص، از قدر تخلیف زن در انجام
اموری است که انسان متعهد صر انتساب باز خود زنان می‌نماید.
در طی ۱۷ سالی که از انقلاب کوشا می‌گذرد زنان به پیشوندگی بزرگ
نایبل نگردیده اند.

ایجاد مراکز پرورش کودک دو سطحی وسیع در سراسر کشور هزاران
زن از مادران کوشاوی را قادر به اشتغال، به کار خارج از خانه، بپرداز
است.

طبق تصویب قانون "توجه به وضع مادران، زنان، از خدمت"
انقلاب کوشا می‌باشد. "قدراسیون، زنان کوشا در سال ۱۹۷۰ می‌سخواه
آمد و هدف خود را ارتقاء سطح سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی و علمی،
زنان به منظور شرکت آنان در به انجام وسانند، اهداف، افق، لایب
قرارداده است.

در سال ۱۹۷۴ تعداد اعضاء این قدراسیون به ۳۴۳/۰۹۸ اندر
رسیده بودین معلن که ۴۵٪ از زنان، بالاتر از ۱۴ سال به حضور
این قدراسیون درآمده اند. اعضای قدراسیون با مجهز شدن به
سلاح ایدئولوژیک و یافتن بینش طوی در حد دویشه کن ماخته
غایباتی ایجاد کیهان و تعبصات اجتماعی سلطان بر زنان، مایه افراد جامعه
برآمده اند. زنان عضو این قدراسیون در جمیعت راهیاب، در حمل
مشکلات موجود در رابطه با مسئله زن در سطح توده ای نیز به
آمده اند.

ویلما اسپین وزیر سابق تنفسیه و مسئول فعلی سازمان حفاظت
کودکان و یسکن از پنهانگزاران اولیه قدراسیون زنان کوشا در طی
محاجبه ای چنین می‌گوید:

گ و کمبل زنان بعنوان بخشش، از نیروی دولت در جامعه در بوجود آوردن مسارات خدای امور زنانی که در خدمت تفاهی اشتغال آنان به کار خانگی، فواره، گیوه، ساخت تلاش می کنند و در آن به اضافه اشتغال به کار تولید اجتماعی آنان را از چهارم دیوار خانه بدرآورده و در بوجود آوردن آگاهی اجتماعی در آن تعیین کنند، اینکه اماکن زنان به تنها نی حلال کلیه مشکلات نهیست، هیچ افراد جامعه باید از این مشکلات از آن شده و دلایل آن در حل این مشکلات تکوشا باشند.

حزب کمونیستی و فدراسیون زنان کوپا و کلیه سازمانهای توده‌ای و سیاسی به یک مارزه سیاست‌های در جمهوری از میان برداشتن تعیین بین زنان و مردان پرداخته و در حال حاضر نیز بدان ادایه بوده است. زیرا حتی از بین بردن کوچک‌ترین تعیین، رجامعه نیازمند یک پروسه دراز مدت آموزش سیاسی و فرهنگی است. ما کلیه امکاناتی دیگر را نیز در خدمت گرفته ایم تا مذاقین بینین شرایط روا بیان زنان جمهوری اسلامی را از یک زن خانه دار به یک کارگر تمام عوار ایجاد نماییم. در کوپا هنوز وسائل و امکانات کافی که جمهوری فرع نیاز عموم لازم است وجود ندارد ولی افراد جامعه بخصوص جوانان و دانشجویان به مسئله پروردگاری اصولی نموده و تحسیت تا تبر آموزش‌هایی که گرفته‌اند با تقسیم کارهای خانه با یکدیگر مشکلات را از بین می‌برند و بدین ترتیب کلیه سیاست‌های اجتماعی را نیز با یکدیگر تشکیل می‌کنند و این امر در تعیین روابط زن و مرد در زندگی مشترک آنها بسیار موثر است. لبیل کاسترو از رهبران انقلاب کوپا و کسی که در مردم طرح مسائل زنان هماره پیشقدم بوده است در طی مصاحبه‌ای در زمینه بحث در میز مصانی، کتون، کوپا در رابطه با کمپوند نیروی کار و لزوم افزایش اشتغال زنان چنین می‌گوید:

مشکلاتی که عده‌ای زنان در میز اشتغال با آن روپرتو هستند یه مسائل خانوارگی مربوط می‌شود. هم‌اکثری جمهوری اسلامی کوپ کان لازم است تا مادران بتوانند به کار پردازند. ما به ظلیلی و توسعی چنین هم‌اکثری اقدام کردیم و آنها را در ایند بیش از پیش توسعه خواهیم داد.

• یکی از مسائلی که در اینده : بر اساس آن انقدر بکویا مورد خفاوت قرار خواهد گرفت . چنونکی حل مسائلی است که زنان بدانها دچار میباشند .

زنان ویتنام

” زنان نهی از جامعه را تشکیل مید هند، اگر انان ازاد نباشد آن جامعه نیز ازاد نیست . ” هوشی هن

سالها امپریالیسم امریکا و سکان زنجیریش، ارتجامیون محلی در ویتنام با سببیت هر چه بیشتر بقتل و شکجه فرزندان دلار خلق ویتنام و جنگجوها ن ارتش از ازاد بیخش مشغول بودند . این جانشیتان امپریالیسم فرانسه در سرزمین ویتنام در شکجه فرزندان انقلابی ویتنام از فرانسویان بیشی گرفتند . امریکا با بکار واداشتن موسسات تحصیلی ارتجامی خود به اختراع آخرين مدد های شکجه دست زد و کلیه شیوه های رذیلانه شکجه را در ویتنام به آزمون ننگین گذارد اما با تمام اینها دشمن توانست کوچکی هن خلی در اراده رزمندگان و چریکهای انقلابی وارد آورد . جنگ ویتنام با شرکت خلاف خلق ویتنام سرانجام پوزه دشمنان را بخاک مالده و حرطه ای جاوید در تاریخ بشریت بجایی گذارد . در این جنگ نابرابر ۵۰٪ از خلق ویتنام یعنی زنان شرکتسی تعیین کنده در بیشبرد کلیه مراحل انقلاب داشتند . آنها در زندان های دشمن و بیانهای نبرد حرطه ها آفریدند . طبق برآورده که از طرف موسسات مختلف در سال ۱۹۲۳ بعمل آمد . ۵۰٪ زندانهای سایکون را زنان تشکیل میدادند . بمارزه و مقاومت رفقاء زن ویتنامی در سیاهچالهای رژیم سایکون، در سرمهزگی است برای کلیه رزمندگسان مراسم گیتی .

در انقلاب ویتنام، زنان در کلیه فعالیت ها شرکت کرده و انقلاب راهراه رفقاء مرد به سرانجام رساندهند . زنانی چون نگوین . تی . دینه (Ngynt Dineh) در همام فرماندهی ارتش انقلابی ویتنام جنوی نه تنها بعنوان فرمانده ای لایق در کلیه مراحل خدمت کرد بلکه یکی از بنیان گذاران جبهه ازاد بیخش ملی بود که برای ازادی زنان، استقرار آتشرس و بیوستن دو ویتنام بیک برگ در هنگام جنگ

ویتنام کار یافتند . رژیون لایل د مطریون بیمهوار و صادر د پردازه د فواید
 من هفده سالگی به اتفاقیون بیوستن طبیه خواهان آن که در آن
 زمان مشغول خارج شدن بودند بجند . اور اشیوهای فرموده مرا سریعان
 دستگیر شده ، روحشیانه شکنده شدند . شرکت روی دراز بر شکجه
 بعث شهاد ترسید . ولی او جوغلی به قوار افزایش آن شد و در مسماط
 ۱۹۶۵ اولین خیزش رسانده طبیه فرانسیسیان را رهبری می‌نمود در پیش از
 اولین خیزش مسلحه در سال ۱۹۷۰ (علیه غاریزان امریکان را تحریر
 بعده داشت .
 زن رژیل دیگری که باید در اینجا از اونام بود خاتم نگوین س
 بینه (Ngynti Bineh) است که در نظام فدر خارجیه دولت انقلابی
 ویتنام جنوین دو کلیه حالهای جنگ ویتنام را پیدا کرد خلق دلیر و تمام
 در کلیه مجامع بین المللی بود . خاتم بینه در من مهیجه سالان
 به صوف مبارزه بیوست در من بیست و چهار سالگی توسط رئیسم
 ویتنام جنوین و بد متور فرانسیسیان زندانی شد او تسلیه زندانی
 شدن خود را جنین بیان میکند . صد ها و هزاران زن دار زندان بسا
 من بودند که دلیل زندانی شدن خود را نمی دانستند . وقتی که
 به زندان آمدند نمیدانستند اما وقتی که زندان را ترک کردند
 دریافتند . آنها هنگام ترک زندان مبارزاتی میهند بر سرت بودند
 زنان در زمان جنگ ویتنام حد تا درسته ارتش مشکل بودند که
 هیارت بود از همین تا درسته ارتش مشکل بودند که
 ۱- ارتش مادران رزمیوان - در حدود ۰۰۰۰۰ نفر از زنان سلن
 که قادر به بدست گرفتن اسلحه نبودند در این ارتش مشکل بودند
 و مسئولیت رسانیدن غذای دارو به سربازان در جبهه را بعهی داشتند .
 ۲- ارتش چریک - هزاران زن چریک در این بخش مشغول جنگ بسا
 سربازان امریکانی بودند .
 ۳- ارتش موباندان - مسئول آموزش سهاسی بین نواده های ویتنام
 جنوین بوده و در برانگیختن ظاهرا تضدد جنگ در جنوب و ظاهر اسف

شرطی باید بپذیرد و اشتبک . آنها نهض فعال در مشکل کرد و سربازان
 سایر افراد پسندیدند اتفاقاً . ۱۹۷۰م در این میان ۲۰۰۰ نفر از اینها کشته شدند
 از جمله اینها دو زبانه سلطنتی سلطنتی سلطنتی کشته شدند که خلاصه‌ای از آنرا در
 طبیعت اینجا می‌نماییم .
 ... با مردم و دستهای آنها . کودالهای عجیب تفکهای دست
 سار و تسلیمانی از پرایانه ها ، نهین گداریها و بیبی‌های دست‌ساز
 رسانند خوبی و شبهه را رسماً تعیین کردند و نهضت را کشتدند . در میان
 ۶۰۰۰ کشته شده اند که از اینها ، نشانه بجهت بقای شرکت‌زنان در
 پیروزی سلطنتی از جنگ ایران (دولتی) پیروزی برای زنان پیروزی
 ایالتی خود را در سال ۱۹۷۱ از جنگی
 برداشت . زنان جزوی از نوادگان از این میان روزنخانه بانوی نوک لون
 از اینها ۳۰٪ نیز از اینها از اینها کشته شدند . و به نظر امریکا حمله نموده و پیش از
 این ایام از اینها را کشیدند . پس از جنگ از اینها خانه را شنیدند
 خود را ببرانشده و ببلار ایمانی کشان روزی ادامه دادند در استاد اینکه
 بعیض اتفاقات نیایند و از خانم ایوانی عیار (M1 Getty) به نهایت ۲۵
 سنه را این زنان را کشیدند با این نیزه ایمانی . پیشترین جنکنده دند
 امریکا "کودیل" ۴۰۰۰ کشته شده اند اول سال ۱۹۷۸ حدود ۱۰۰۰۰ کشته
 از اینها در میان اینها نیز میان اینها (Treating) به نیزه ایمانی می‌شوند
 پرسنل (درمانی) دیگر ایمانی کشند (Bach A. ۷۱) (Fouyen) و فویس (Chouze)
 بچشم از این اتفاقات این اتفاقات را واحد پیروزی کنند . می‌توانند خطرناک را انجام
 بدهند . در نام بر (Bach A. ۷۱) پیش از اینها زنان به چریکهای
 بورصه‌داری ایمانی . ایمانی ایمانی (Treitin) (Wong) (Bach A. ۷۱) (Chouze)
 پیش از اینها (Bach A. ۷۱) (Bentor) (D. شهرو) (D. شهرو) (D. شهرو) (D. شهرو)
 از اینها ایمانی
 ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی
 ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی ایمانی

را در زنان حمله نتیغه داشت (Ring Locket) . زنان واحد لق نینک در خهابانهای سایگون جنگیده و ۱۰۰ هزار جاسوسان مخفی را ازین بردند .

۱۸

اتحادیه زنان ویتنام در سال ۱۹۲۰ همزمان با تشکیل حزب کمونیست ویتنام تشکیل شد . در سال ۱۹۳۰ حزب بعد تادو شمار را طرح میکرد :

- ۱ - جنگ طیه امپراطوری فرانسه برای به دست آوردن استقلال ملی
- ۲ - جنگ طیه قیود الهم و زمین برای دهقانان .

آزادی زنان از طریق جنگ طیه قیود الهم در دستور کار حزب بود و تجربه نیافرداد که آزادی زنان در زیر ساخت استعمار غیر ممکن است و بدست آوردن آن در بررسی انقلاب خسروی بود . اتحادیه زنان ویتنام توانست با طرح کرد ن ضروریتمن خواستهای زنان در شمارهای متعدد در طی سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۰ آنها را بعد از مبارزه طیه فرانسویان خارج کرد . در روز اول ماه مه سال ۱۹۲۸ در هانوی ۵۰۰ هزار از زنان روزه رفتند . در سین سالهای ۱۹۴۰ - ۱۹۴۵ که ویتنام در بررسی بدست گرفتند و بیرون راند فرانسویان بود اتحادیه زنان ویتنام ارش زنان برای رهانی ملی Woman's Association for National Salvation را تشکیل دادند که یکی از بخشهای ویتمهنه (جبهه برای بیرون راند فرانسویان و زبانهای از ویتنام) بود . عضویت در این سازمان مخفی بود . زنان مسئول بصیر توده ها در تظاهرات خهابانی و اخراج طیه مالهای تریاد ، تجاوز زبانهای به مزارع بونج و اجبار مردان به شرکت در ارتش فاشیستی بودند .

مهنه خای (Minh Khai) یکی از زنانی بود که هر راه زنان را بسته بحزب در سال ۱۹۳۰ اتحادیه زنان ویتنام را پنهان گزاری کرد .

او در سال ۱۹۲۹ یکی از گروههای انقلابی تحت همکاری هوشی مین بود . در سال ۱۹۲۹ خانواده را ترک نمود و به انقلاب پیوست . او در سال ۱۹۳۰ هر راه هوشی مین به چین سفر کرد . انگلیسها او را در چین بد لیل فعالیت‌هایش طیه استعمار گران دستگیر کردند .

وی پس از ۳ سال از زندان آزاد شد و برای تحصیل به اتحاد جماهیر شوروی رفت . مبنی خای به نمایندگی از طرف حزب کمونیست ویتنام در انتربنایونال سوم شرکت کرد و در طی مخترانی خود به بیان نقش زنان در انقلاب پرداخت . او بشدت به انتقاد سازمانهای انقلابی که به آزادی زنان اهیت کافی نمی داشت، پرداخته و چنین بیان نمود . زنان قهرمان چینی کارگران ژاپن و هند ، زنان کارگر و دهقان هند و چین بصورت یک نیروی واقعی در امر انقلاب کشورهای مستعمره شرکت کردند . رفاقتی عزیز من من خواهم بگویم که به کاربین زنان توجه کافی نمی شود، نه تنها در کشور خود مان بلکه در خیلی از احزاب کمونیستی دیگر نیز وضع چنین است آنچه که در این کنگره قابل توجه می باشد این است که چگونه تعداد قلیلی از زنان نظریاتشان را درباره مسائل مهم ابراز نمودند .

این چه چیز را نشان می دهد ؟

این نابت می کند که کاربین زنان کارگر و دهقان و زنان خانه دار در مبارزه برای جبهه ضد بد رستم طرح نشده است . بعنوان هیئت نمایندگی حزب کمونیست هند و چین منتهای معنی خود را به عمل بیاوریم که آنچنان روحیه ای به وجود آوریم که کارمان را تصحیح کرد و توسعه

دیهیم . ۹۹

این زن جنتند در سال ۱۹۴۱ پس از ما همها شکجه توسط فرانسویان اعدام گردید . او این کلمات را با خون خود شیر روی دیوار سلول زندان نگاشت .

یک زن گلگون گونه ، من اینجا دوشاد و شیخ میگنم
بروی شانه هایم نفرتی سنگین میکند که بین ما مشترک است
زندان مدرسه ام ، معلمیش رفاقتی
شمیر بجه ام و شنگ شوهرم

در ویتنام دموکراتیک زنان و مردان در کلیه شئون سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و امور اجتماعی و خانوادگی از حقوق مساوی برخوردارند . برای کار مساوی ، مزد برابر با مردان دریافت میکنند . دولت برای زنان قبل

و بس از وضع حمل مخصوص با حقوق در نظر گرفته است. برای مادران و کودکان درمانگاهها و مراکز نگاهداری کودک در نظر گرفته شده و توسعه آنها مورد نظر است. در شمال، تربیت فرزندان و کارهای خانه بطور اشتراکی انجام میگردد و مردان هم وقتی که در خانه هستند در آین امر شیک میباشند. در چهارمین کنگره اتحاد به زنان بعیوب کزارش داره شده تعداد مراکز نگهداری کودکان بدین قرار آمدند. امت.

در کارخانجات و ادارات		دردهات		سال
تعداد کودکان	تعداد مرکز	تعداد کودکان	تعداد مرکز	
۳۶۰۰	۱۹۲۵	۸۷۰۵۹	۱۰۵۶۷	۱۹۶۱
۴۶۰۲۱	۲۲۳۲	۱۲۸۰۹۴	۲۰۸۴۱	۱۹۶۰
۱۰۱۶۶۲	۶۹۶۰	۲۲۰۱۱۴	۲۳۸۴۲	۱۹۶۲

بعیوب قانون دولت از ازدواج و خانواره حمایت میکند. مردم و یتنام میدانند رسومی که قرنها در جامعه وجود داشته، بانتظام قانون از بین نزع رود در این باره نگونی نی تا پستول قبلی اتحاد به زنان و عضو کمیته مرکزی حزب در لائودونگ که یکی از مقامات حساس را در دولت دموکراتیک بعهد دارد میگوید:

..... مسلمان وقتی که انقلاب به شر رسید و طبقه کارگر فسدرت را درست گرفت و مالکیت خصوص بر ابزار تولید از بین رفت، بلا فاصله مسئله زنان حل شد نی نهست. در حقیقت بعد از انقلاب بیزنسان بخصوص آنها که تحت نفوذ فقود الیزم بوده اند - باید ببارزه خود ادامه دهند. برای بدست آوردن برابری واقعی باید به ارتقاء سطح دانش و معلومات سیاسی خود برد اختو به شرکت در تولید و اداره.

اجتنب و هرگونه تعالیت اجتماعی افزید ۱۰۰ در یتنام دموکراتیک زنان بخشی از ارتباطی دارند و تم دفاع از خود

را در کارخانجات، مزارع، دارسودهات بعد دارد. آنها در بکار بردن سلاح های ضد هوایی متخصص شده اند و در سرگزگون کردن، هواپیما های جنگنده، امدادگرانی مهارت یافته اند. همه زنان بمنظور هدایت با سربازان امریکانی تعلیمات جنگی می پینند. حتی جنگ تن به تن. حدۀ کمی عضو طادی و نظام وقوع ارتش خلقی ویتنام هستند برای گله ویتنامیها نشون که زنان در سه امر تولید، دفاع و خانواده ایقنا نموده اند شناخته شده است. آنها معتقدند که کشور باید ارتش تمام وقترا مدد دهد. به این دلیل که ارتش از نظر اقتصادی تنها مصرف کننده است و خود کافی ندارد. آنها در حالی که در امر تولید در رسانه اتو کارخانجات فعالانه شرکت داشتند در هنر حال در امور ارتش نیز تعلیم یافته و به امر دفاع آن مملکت مشغولند.

در ویتنام دموکراتیک در سال ۱۹۴۶ برای اولین بار زنان را می دادند در این سال ده نماینده از ۵۲ نماینده مجلس ملی را زنان تشکیل می دادند. در دوین دوره مجلس زنان ۳۰ نفر و در دوره سوم تعداد زنان نماینده ۶۶ نفر بود. بالاخره در چهارین دوره مجلس ملی ۱۲۰ نماینده از ۲۰ نماینده را زنان تشکیل می دادند. جوانترین ضو مجلس ملی ویتنام زن کارگر ۲۲ ساله ای است که در کارخانه بارچه بانی بنام دینه کار می کند. او غنیمتی ضد هوایی نهاده می باشد. بعضی از نماینده کان زن برای سالیان متعددی از رهبران سیاسی بوده اند. شورای موقت خلق از نظر سلسه مقامات از مجلس ملی قرار دارد. در حال حاضر ۲۴ اعضاً شورای شورای موقت خلق را زنان تشکیل می دهند. در شوراهای ایالتی بین سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۰ زنان بین ۲۶ تا ۴۳٪ اعضاء را تشکیل می دادند. در سطح دهات در شوراهای خلقی ۳۰۰ مسئول از ۵۰۰۰ نفر را زنان تشکیل می دهند. شوراهای دهات مسئول اجرای قانون ایالتی در سطح خود شان هستند. از سال ۱۹۴۵ تا کنون تغییرات فوقيع العاده ای در کشور دموکراتیک ویتنام انجام گرفته است. ۳۰۰۰ زنی کمتر

در دوران تسلط فرانسویان بعنوان نواحی خود را خدمت آنها بودند بهمن از استقلال کشور تعلیمات آموزش قرار گرفته و در تولید شرکت نبودند.

در سال ۱۹۶۰ در شهرها و شهرستانها ۲۰٪ از شاغلین دولتی و کارگران را زنان تشکیل می‌دادند. این رقم در سال ۱۹۷۲ به ۴۲٪ رسید و امروزه زنان (۱۹۷۴) ۵۰٪ کارگران را در صنایع سبک و ۲۰٪ را در صنایع سنگین تشکیل می‌دادند.

شرکت زنان در کارهای تخصصی بالا رفته است در سال ۱۹۶۰؛ تعداد بزشکان زن از تعداد انسنان دست تجاوز نیافرده است. اکنون ۵۰۰۰ بزشک زن مشغول خدمت هستند. در سال ۱۹۶۵ دوها سه زن نیمهیست وجود داشتند اکنون تعداد شیخ زنان زن به ۳۰۰۰ نفر رسیده است. در سال ۱۹۶۵ هیچ زنی در نظام استادی دانشگاه نبود ولی اکنون بیش از ۲۰۰۰ نفر مشغول تدریس در دانشگاهها هستند. در مقایسه با سایگون که در سال ۱۹۶۰ فقط ۱۰ زن در رشته‌های پوشکن داروسازی و دندانسازی فارغ‌التحصیل شده‌اند.

در امر آموزش نیز تحولات شرکتی انجام گرفته است. در دوران تسلط فرانسویان ۹۵٪ مردم بیسواد بودند و در کلیه سرزمین ویتنام در مجموع ۴۰۰۰ کودک در مدارس مشغول تحصیل بودند که از این عده فقط ۱۷٪ را دختران تشکیل می‌دادند. در این سال فقط سه زن در دانشگاه مشغول تحصیل بودند. در سال ۱۹۷۴ در ویتنام دهکراتیک ۸/۴ میلیون کودک در مدارس مشغول تحصیل هستند. که تقریباً نصف آنها را دختران تشکیل می‌دهند. در این سال یکمیلیون نفر در کلاس‌های بزرگسالان مشغول تحصیل بودند. بین سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۳ زنان ۵/۴۳٪ دانشجویان دانشگاهها را تشکیل می‌دادند.

جدول نمر بطور خلاصه سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ را ملایم مینماید.

رشته های مختلف تعداد زنان در کل وستام در رسال ۱۹۴۱ تعداد زنان در وستام در رسال ۱۹۴۰

۲۱۷۸۴۸۳ ۱۳۸۳۶۶

۴۷۶۰ ۲

۶۶۶۱ ۱۴۶۸

۱۹۰۰ ۰

۴۰۶۲ ۳

بیروزی خلقی کبیر وستام: بیروزی تمام خلقهای درست و تحت استم جهان بود. نقش شعبهن کنند و زنان مبارزه جسروی

وستام در نهل به این بیروزی حساس بعنزله نجربه، گرانقدری در تاریخ مبارزات زنان جهان به بیت رسید.

زنان افریقائی

زنان افریقائی عدتاً تحت استعمار جامعه طبقاتی تزاد پرستو گشته است که کشورهای استعمارگر در زیر فرهنگ استعماری مورد ستم فراوان قرار دارد. در واقع میتوان گفت که زنان کشورهای تحت سلطنت رژیم‌های ارتجاعی و تزاد پرست، جنس‌ضعیف و پست‌شناخته شده و به آنها وظیفه‌ای بجز بوجود آوردن اطفال، آشیزی و خانه داری یعنی کارهای خرفتن آور خانه محول نمیشود و هرگز به آنها امکان بهره برداری از هوش و ذکاؤستان مانند یک انسان داده نشده است. زیرا تنها در این صورت است که طبقه حاکمه استعمارگر قادر خواهد بود به استعمار خود ادامه دهد. سارودی زای یکی از اعضای ارتشر آزادی بخش زیمبابوی (رود زیا) بر اثر شرکت در کار تولید توانست از طبقه حاکمه شناخت یافته و به ارتشر نموده ای زیمبابوی (زانو) بپیوندد. او خود این زندگی را "تولدی دیگر" نامیده و با غروری بی‌بایان از برخورد رفایش به زنان در ارتشر آزادی بخش سخن میگوید. او میگوید: "در محیط مبارزاتی ارتشر آزاد بخش بود که به ما برخوردی مساوی با مردان شده و امکان این را یافتم که در کلیه فعالیت‌های مبارزاتی همانند رفای مرد شرکت ننمایم." ۱۰۲ زنان افریقائی چه در کشورهایی که جنبش‌هایی بخش در بروسمازاراد کردند کشور از قبیل استعمارگران مانند زیمبابوی (رود زیا) افریقای جنوب غربی (نامیبیا) این تقای جنوی (آزانیا) و چه در کشورهایی که از قبیل استعمار آزاد شده‌اند مانند موزابیک، گینه، گینه بیسانو و آنگولا شرکت وسیع در امورهای این خلقها داشته و بطور فعال در ارتشر نموده ای دوشاد و شریاد ران خود جنگیده‌اند. آنها بدروستی هلت‌این نایبرابریها را تشخیص داده و بقول فانگای تیجاوا به را یکی از اعضای ارتشر آزادی بخش زیمبابوی "این مردان نیستند که مسئول چنین وضعی هستند ما با یکدیگر در چنین شرایطی زاده شده‌ایم". مبارزه ما با رسوم کهنه جهت تغییر آنها است که در تیجهٔ پیروزی در این مبارزه، مردان نهاد

خود تغییر خواهند کرد . ۰ ۱۰۳

او از خرید دختران در جامعه تحت ستم یا ان اسیت صحبت کرده و می‌گوید . " مردان با برداخت لوبلا (چیزی شبیه به مهریه در جامعه ایران) دختران را بطالکیت خود در میاورند . " او می‌گوید . " در ارتش آزاد یبخش خلق زیبابوی چه بسیارند زنانی که خریداری شده بودند و با فرار از خانه ها به ارتش پیوستند و برای رهائی جامعه از قید استمار می‌جنگند . ۰ ۱۰۴

آنها با گلوه های خود سینه سربازان مزدور اسیت را مورد هدف قرار داده و در حال حاضر دوشاد و شرقای مرد در راه خلق می‌جنگند . در زیبابوی تحت استمار رژیم یا ان اسیت . خود فروشی زنان همانند دیگر کشورهای تحت سلطه سرمایه متداول است . میزان مرگ و میر کودکان ۲۵٪ است که این خود نشان نهندۀ وضع اسفناک زندگی این خلیف تحت ستم می‌باشد . ولی در قسمتهای آزاد شده کشور (شمال شرقی و شرق) وضع بکلی متفاوت است و به زنان و کودکان توجه خاص مبذول می‌شود فانگای می‌گوید . " در برنامه های آموزش میانسی حزب (زانو) توجه خاص نسبت به زنان و کودکان می‌شود و این امر در بخشهاشی که ارتش آزادی بخش زانلا کار می‌کند قابل ملاحظه است . او می‌افزاید " کودکسان بخصوص مردم توجه هستند زیرا که آنها خلق آبینده زیبابوی را تشکیل میدهند . " فانگای بطور مفصل موقعیت زنان را در مناطق آزاد شده و آزاد نشده مقایسه کرده و تنها راه رهائی را اعمال قهر انقلابی میداند او می‌گوید . " تنها با بدست گرفتن اسلحه و جنگ علیه طبقه حاکمه سفید پوست است که قادر خواهیم بود وضع را تغییر دهیم در جانی دیگر می‌افزاید . " ملتی که نصف جمعیتش یعنی زنان مورد غلت قرار گرفته باشد، خود ملتی است فراموش شده . ۰ و سپس می‌افزاید . " تنها راه تغییر چنون وضعی نابود ساختن رژیم یسان اسیت بوسیله جنگ خلق است و نقطه مبارزه ما تحت رهبری حزب انقلابی است که مهتواند ما را رها سازد . ۰ ۱۰۵

حزب انقلابی زنان ارتضی آزاد پیغام را متشکل نموده است. در کینه بیسانوار همان ابتدا که جنبش‌های پیغام شروع شد زنان در حالیکه عدد تا بکارهای خانه داری و بجهد داری اشتغال داشتند اسلحه بدست گرفته و با مردم و زن برخالی همچنگیدند و این در بروزه رشد جنبش بود که آکاهی رفاقت مرد و زن بالا رفت و توائیست بسیار مسئله استمار زن برخوردی اصولی و انتقالی بینمایند. آنها هرگز مردان را هدف حمله قرار ندادند هر چند که بوسیله آنها نیز استمار پیشنهاد نمودند.

انجمن زنان سازمان فرلیو (ارتضی آزاد پیغام موزامبیک) در اواخر سال ۱۹۶۲ تشکیل شده اعضای انجمن در مناطق مختلف کشور موزامبیک عمل میکردند و نقش فعال در عملیات نظامی و سیاسی عده‌دار بودند. بطوریکه جوزینا ماکال یکی از اعضای سازمان میگوید:

• یکی از وظایف اساسی ارتضی زنان طبیعتاً مثل ارتضی مردان شرکت در جنگ است. در موزامبیک نگهبانی مناطق آزاد شده، بعهدۀ زنان واکذار شده؛ در نتیجه مردان میتوانند نیروی خود را جهت عملیات حمله متمرکز کنند. ولی بسیاری از زنان ترجیح میدهند که رول فعالتری در جبهه بازی کنند و تصمیم گرفته‌اند که همه مردان در صفاول و در عملیات میهن گذاری و غیره شرکت کنند. آنها نابت‌کردند که کاملاً لیاقت انجام این کار را دارند و شجاعتشان بین‌ظیر است ما همچنین زنانی را داریم که در بخش امور امنیتی کار میکنند و دانما مراقب ایمن هستند که دشمن در صفوی ما غافل نگشود. ۱۰۶

زنان موزامبیک نقش فعال در آموزش سیاسی داشته‌اند. ماکال ادامه داده و میگوید:

• در سال ۱۹۶۲ زنان نشان دادند که رول اصلی در بسیج و دادن آموزش سیاسی به مردم اعم از مردم عادی و سربازان را داشته‌اند. آنها به مردم توضیح میدهند که چرا باید بارزه کرد، چه نوع بارزه‌ای را میباید انجام دهیم، بارزه طیه کیست و دلایل میبارزه

ما چیست و چرا ما مبارزه قهر آمیز را بعنوان تنها راه رسیدن به استقلال و آزادی در بین کرفته ایم ما زنان را در میتبینیم که تشویق میکنیم که عاید خود را ابراز دارند و در کیفیت های مختلف شرکت جویند این نابت شده است که ما زنان در بسیاری از موارد کار سیاسی و بسیجی را حتی بهتر از مردان می توانیم انجام دهیم و بد و دلیل اول اینکه برای ما نزدیک ندن به زنان ساده تر است تا برای مردان، چرا که در جامعه ما تمصبات نمایند طبیعت دوستی ساده زنان و مردان وجود دارد . دوم اینکه وقتی مردان می بینند که ما زنان سازمان فرلهمو چقدر توانسته ایم لیاقت خود را به مردم و انقلاب نابت کنیم در آن صورت اعتماد شان به نقش زنان در مبارزه بیشتر میشود و از شرکت زنان و خواهرا شان در مبارزه جلوگیری نمی کنند .

زنات عمان

در جوامع قبیله ای عمان هنوز مالکیت خصوصی فرم ابتدائی دارد و در این رابطه استثمار زنان نیز با جوامع فتووالی و بورلوازی متفاوت استه در چنین جوامعی مسئله مبارزه زنان برای برابری کامل آساتراست . زمین به قبیله تعلق داشته و مالکیت بر زمین به همین مداول آن وجود ندارد . در عمان حیوانات به مادر و پدر خانواده متعلق است و مواردی وجود دارد که کله حیوانات به مادر خانواده متعلق دارد و بنابراین خانواده بعادر متک است واز این نظر زنان رل مهمی در اقتصاد خانواده دارند و این امکان جنبه ای غالب دارد . در دهات تقسیم کار بین زن و مرد در امور مالی و اجتماعی یکسان است . موقعاً زنان در دهات کاملاً از زنان شهری متفاوت است و در مناطق جنوبی که مبارزه سلحانه در ۱۱ سال گذشته جریان وادامه داشته است، اثری مشخص در موقعیت زنان این مناطق گذارد است و در این بروزه قادر بوده که رسوم گمنه و فتووالی را یا بکنی از بین برد و یا انان را تضعیف نموده و فرهنگ جدیدی جایگزین آن نماید . در گیری زنان در دهات در امر مبارزه بسیار متفقیت آمیز بوده است و دلیل آنرا میتوان در ساخت متفاوت اقتصادی و سیاسی جوامع در دهات و شهرها دید . در ضمن این امر در رابطه با سنن و رسوم متفاوتی کمتر در مناطق شهری دهات وجود دارد نیز میباشد . البته اتسفار انقلابی بس از شروع مبارزه سلحانه دهات را از مناطق شهری متفاوت میسازد .

فرد هالیدی مصاحبه ای با ۲ نفر از اعضای کروه زنان جنگجوی عمانی در یمن شمالی بعمل آورد . این ۲ نفر که امینه و توفیلا نام دارند بترتیب ۱۶ ساله و ۱۵ ساله اند . در ذیل ما به بخش از شن مصاحبه اشاره میکنیم .

سؤال - چرا میجنگی و از انقلاب بشتبیانی میکنی ؟

توفولا - چون امینه الیس انگلیس زبان و مردانه را میکشد ما حق جنگیم
که آنها را بیرون کنم .

سوال - خانواده نمایه ها چه میکند ؟

توفولا - خانواده من چویان مستند و در ایالات متحده بسر میبرند و من با
آنها کار حق کرم . سه ماه از سال را ماغله حق کارم و بقیه سال را برای
چرانیدن گه هایمان در حکومت میمیم . من هرگز به مدرسه نرفتم و با
خواهد نیار نگرفتم و دو سال قبل به جبهه پیوستم خانواده ام سعی
کردند که از پیوستن من جلوگیری بعمل آورند ولی من دریافت که باید
بهره ایم بپیوسم .

امینه - من در ملاله بدم (پایتخت) و امکان فرار از راه خشک نهست
چون شهر با نرده بلندی محصور شده است . من و برادرم از راه دریا
فارار کردیم .

سوال - " چرا فرار کردید ؟ "

ج - امینه . " به خاطر مبارزه با امپریالیسم . "

" بدروم کشاورز فقیری بود که در روزه ۴ رویه بدست حق آورده
خیلی فقیر بودیم من و برادرم یک لاستیک کهنه ماشین بقیمت ۸ رسالت
خریدیم و به حدود ۸ ساعت در دریا شنا کردیم تا به ساحل جبهه
رسیدیم . "

سوال - " شماها مرد تان نبود و نترسدید ؟ حق توانی شنا کنی ؟ "

ج - " من حق توانم خوب شنا کم . ما خیلی هم مرد هان بسند .
گرسنه و تشنگ بودیم . ولی این بهتر بود که در دریا بیعنیم تا بوسیله
انگلیسیها دستگیر شویم . "

سوال - چه کس به فرار کردن اندیشید ؟ تو یا برادرت ؟

ج - امینه . " همه به فرار حق اندیشند . "

سوال - " در ملاله چگونه درباره جبهه مطلع شدید ؟ "

ج - امینه . " اعلامیه ها به مردم حق رسید که علیه سلطان است
حق گویند " هم جبهه خوب استو هم انقلاب "

سوال - " از وقتی که به جبهه پیوسته ای چه چیزهایی بادگرفته ای؟ "

ج - " امینه . " با سواد شده ام . مسائل سیاسی را باد گرفته ام
و لزیم انقلاب را . "

سوال - آها هرگز دلتبهای پدر و مادر تندگ نی شد ؟ "

ج - " امینه . " من به پدر و مادرم فکر نمی کنم من به انقلاب
من اندیشیم . "

سوال - " بطور کلی به رابطه زن و مرد چه فکر می کنی و سهیتم
ازدواج در اینجا را چگونه می بینی ؟ "

ج - توفولا . " باید متاثر شد برای زنی که از او بپرسید آیا با
فلا ن مرد ازدواج می کنی ؟

" اگر من مردی را بخواهم با او ازدواج می کنم چون من خواسته ام و او
بناید من را بخود . بهر حال هیچ فرقی بین زن و مرد نیست . من یک
زن هستم و دیده ام که من توانم مانند یک مرد عمل کنم . قبل از انقلاب
زنان خرید و غروش میشدند مانند حیوانات . حالا آنها باید به حقوقشان
می ببرند و در انقلاب همراه دیگران شرکت کنند . " ۱۰۸

این تنها نمونه ای از تاثیر یک مبارزه عینی انقلابی در ارتقای کاهش
سیاسی زنانی است که تا چندی پیش از کوچکترین امکانات و فرصت های
آموزش اجتماعی و سیاسی نیز برخوردار نبوده اند .

زنات شوروی

انقلاب شوروی، نخستین تجربهٔ انقلاب سوسیالیستی در جهان بشار میرفت. با پیروزی انقلاب در اکتبر ۱۹۱۷ کلیهٔ مظاہر زندگی مردم شوروی، از جملهٔ وضع زنان این کشور تحت آموزش انقلابی و هدایت رهبر کبیر بولتاریای جهان نهین دستخوش تحول عظیم گردید.

شرکت وسیع زنان در عرصهٔ تولید اجتماعی و امکاناتی که شوروی سوسیالیستی در بکارگیری نیروی خلاف زنان در جامعه به وجود آورد در به نظر رساندن اهداف مراحل نخستین انقلاب تاثیر فراوان بجای گذارد. احداث مراکز بپوشش کودک، شیرخوارگاه‌های عمومی، کودکستانها دبستانها و رختشویخانه‌های عمومی به زنان شوروی امکانات زیادی داد تا با سپرد نامور مبوطهٔ خانه به این‌موسمات ازوابستگی‌های مربوط به امور خانه کاسته و به کار تولید اجتماعی بپردازند. شرکت وسیع زنان در بخش‌های تولید کشاورزی صنعتی و خدمات و نیز اشتغال آنان به تحصیل در شعبات مختلف علوم در مدت زمان کوتاهی ثابت نمود که هرگاه زنسان از موقعیت اجتماعی مساوی با مردان برخوردار گردند قادر خواهند بود که د. کلیه زمینه‌ها از خود شایستگی‌های فراوان نشان دهند.

متاسفانه بعلت نفوذ و رشد روپرتوئیسم، ایدئولوژی بورزوایی در جامعه شوروی، زنان این کشور که پس از سالیان متعددی انتقاد، حصول به آزادی از قید استثمار طبقاتی و امنیت خود را قریب الوقوع میدیدند به تدریج نظاره رشد فاجعه آمیز ارزش‌های پلید طبقاتی را ناگزیر گردیدند. نخستین انقلاب ظفرنون سوسیالیستی در جهان تحت تاثیر لفدان یک انقلاب عقیق فرهنگی و بعلترشد ایدئولوژی بورزوایی که اگرچه منکوب گردیده ولی از میان نوفته بود، دچار انحرافاتی بسیار عقیق گردید. با تحولات زیبر بنائی شوروی و رجعت آن به سمت حاکمیت نظام سرمایه داری به مرور ارزش‌های مسلط در فرهنگ بورزوایی نیز بر جامعه شوروی حاکم گردید و در این میان رشد فرهنگ بورزوایی با تبلورات شوونززم

عهانتر گشت . شرکت وسیع زنان در تولید اجتماعی که در مراحل نخستین انقلاب جهت بنیان نهاد نبای ساختمان سوسالیزم یک ضرورت در راه پیشبرد انقلاب بود ، بعور تبدیل به امکانات رشد سریع نرا انباشت مرمایه برای بورزوایی نو خاسته در شوروی گردید . امروز اگر چه شرکت زنان شوروی در امر تولید اجتماعی بسیار وسیع میباشد اما شرکت انسسان در مراجع عالی حین و سیاسی بند رت ملحوظ است . حتی بک نفر زن هم خصوصیت بولیت بورو را دارا نیست . شرکت زنان در این تصدی بیت های حساس سیاسی دیگر نیز کتر بچشم می خورد و این امر خود نمایانگر نقش جنبی و تبعی زنان در جامعه شوروی می باشد . ارزش های مسلط فرهنگی امروز در برخورد زنان به سائل مختلف تفاوت چندانی با معیار ها و ارزش های مسلط بر زنان دیگر جو اعم منحظر بورزوایی ندارد . حتی با نگاهی به ارگانهای تبلیغاتی شوروی می توان به تنزل موضع و نقش اجتماعی زنان شوروی بی بود نظریه " Soviet Life " ۱۰۹ یکی از این ارگانهای تبلیغاتی ، حاوی عکس های متعددی از زنان در سالن های آرایش در حال عرضه آخرین مد های لباس با ظاهری رنگ و روغن زده و در حال رقص های رایج در کشور های بورزوایی نزدیک میباشد که دیدن آنها تصویر روشنی از آنچه که در شوروی امروز بسر زن میرود . بدست میدهد . زنان این کشور تحت شرایط مسلط بر جامعه امروز شوروی از موقعیت نازلی مشابه آنچه که در کشور های بورزوایی غرب موجود است ، برخورد ارتد .

پرداختن به زیبائی ظاهر و مد خود نمودار حاکیت ارزش های شوونیستی در مردان و پذیرفته شدن این ارزش ها از جانب زنان است . بر طبق تحقیقات ویلیام مدل در شوروی " معیار های دوگانه ای بر زنان و مردان حاکیت دارد . از جمله جنبایات رایج بین مردان در این کشور تجاوز به عنف تحت تأثیر مصرف مشروبات الکلی است . ۷۰٪ طلاق های که بوسیله زنان در خواست می شود به علت میخوارگی شوهران است . مبادرت به سو استفاده از زنان به

صورت تجاوز جنسی؛ تحت نفوذ الکل خود حکایت از ریشه های عیق
شونهایم در این جامعه می نماید . در شوروی فحشاً همچنان ادامه
داشته و حتی قوانین مربوط به فحشاً نیز وجود دارد . ۱۱۰

وجود فحشاً در جامعه شوروی حاکی از حاکمیت شونهایم و عدم
وجود بست روابط سالم اجتماعی بین زن و مرد می باشد ، بدیده فحشاً
تنها در جوامع بورزوایی و تحت تأثیر ارزش های شوونهایی که ناد ر
به ادامه می باشد و رجوع حاکمیت فرهنگ منحط بورزوایی در شوروی
محیط مناسبی برای رشد این بدیده را فراهم می آورد . اگرچه این
سیر قهرمانی و نزول نقش اجتماعی زن در شوروی امروز اسفبار است ،
لکن با اینکه به رشد و نفع مجدد جنبش انقلابی طبقه قهرمانان
برولتاریا در این کشور ، سرانجام اضمحل محتوم استطر طبقاتی و سایر
وجوه استعمار در این جامعه نیز به بار خواهد آمد .















فهرست منابع

- ۱ - از متن نامه • لنسن به Inessa Armand که تحت عنوان "Women and Communism" در کتاب "Free Love" ص ۲۴ از انتشارات Greenwood Press بچاپ رسیده .
- ۲ - از متن همسایه • کلارا زرکین با لنسن از کتاب Emancipation of Women International Pub. ص ۱۰۲ - ۱۰۶ از انتشارات Women
- ۳ - کتاب حمامه • مقاومت نوشته • رفیق فدائی، اشرف دهخوی - انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۳۴
- ۴ - نسب متشا • خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت انفرادی فرد ریک انگلش ترجمه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۲۵۴ - ۱۲۰۴ The Origin of the family, Private Property - و and the State, taken from "The Woman Question" ص ۱۶ از انتشارات International Publishers
- ۵ - The Origin of the Family, Private Property - ۱ and the State, taken from "the Woman Question" ص ۱۰ و ۹ از انتشارات International Publishers
- ۶ - The Origin of the family, Private Property - ۷ and the State, taken from "The Woman Question" ص ۱۰ از انتشارات International Publishers
- ۷ - منشا • خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت انفرادی فرد ریک انگلش ترجمه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۹۲ و ۹۶ The Origin of the Family, Private Property - ۹ and the State, taken from "The Woman Question" ص ۱۶ از انتشارات International Publishers

The Origin of the family, Private Property — 1. and the State, taken from "the Woman Question"

International Publishers ۲۳ از انتشارات

The Origin of the family, Private Property - 11
and the State, taken from "the Woman Question"

۲۳- از انتشارات International Publishers

۱۲- منشا، سانواده، مالکیت خصوصی و دولت اثر فرد ریک انگلمن ترجمه و انتشار از سازمان پریمکهای فدائی خلق ایران - ۱۳۵۴ - ۱۰۸ ص

Condition of the Working Class in England, - 17
by F. Engels, taken from Woman and Communism

Greenwood Press س۲۲ از انتشارات

Capital , by Karl Marx - 1 {

taken from "the Woman Question"

۲۷ از انتشارات International Publishers

Capital, by Karl Marx

taken from "The Woman Question"

International Publishers

Capital, By Karl Marx -17

taken from "The Woman Question"

International Publishers از انتشارات ۲۹۰

Rosa Luxembourg, Selected Works

Monthly Review Press

۱۸- رسالهٗ زنان در مورد زنان از آن‌جهن اور بانا - سال ۱۹۷۳

۱۹ - عمان بنا

- ۲۱ - دانشجو - شهریور ۱۳۵۲ - سپتامبر ۲۳ - ص ۱۲

 - ۲۲ - ص ۱۸

 - ۲۳ - ص ۱۸

۲۴ - دانشجو - شماره ۰ ۳ - دوره ۰ ۲۲ - ص ۴۳

 - ۲۵ - ص ۴۳

 - ۲۶ - ص ۴۳

۲۷ - جنگل - شماره ۰ ۱ - از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران - ص ۱۴ و ۱۳

۲۸ - نبرد خلق - شماره ۰ ۳ - ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۲۲

۲۹ - کیهان ۱۸ آبان ۱۳۴۲ - ۳۰ - Visa Pour L'Iran

۳۱ - نگو و کاو در مسائل تربیتی ایران - انجمنیق صمد بهرنگی - از انتشارات بامداد - ص ۹۶ و ۹۵

۳۲ - دانشجو - دوره ۰ ۲۳ - شماره ۰ ۳ - ص ۲۱

۳۳ - بررسی ساخت اقتصادی روستاهای فارس - از سری تحقیقات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - جلد ۳ - ص ۱۳۵

۳۴ - همان کتاب - ص ۱۵۴ و ۱۵۵

۳۵ - بررسی ساخت اقتصادی روستاهای کرمان از سری تحقیقات روستائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - روستای شماره ۰ ۲ رفسنجان - ص ۱۸

۳۶ - همان کتاب - روستای سیرجان - ص ۲۸

۳۷ - همان کتاب - روستای شماره ۰ ۲ و ۴ - ده میرزا (از دهستان راین) - ص ۴۳ و ۴۲

۳۸ - همان کتاب - روستای شماره ۰ ۳ جیرفت - ص ۹۳

- ۳۹ - همان کتاب - روستای شماره ۰۶ - جیرفت - علی اباد
 (قدیری) ص ۱۰۰ - ۹۹
- ۴۰ - همان کتاب - روستای شماره ۰۳ - رفسنجان - ص ۲۲ - ۲۱
- ۴۱ - همان کتاب - روستای شماره ۰۵ - گزک - ص ۴۲
- ۴۲ - بیوسی شرکت های سهامی زراعی - مقدمه - ص ۱۲
- ۴۳ - همان کتاب ص ۲۱
- ۴۴ - همان کتاب - شرکت سهامی زراعی ارمامهر - ص ۷۳
- ۴۵ - همان کتاب - ص ۸۲
- ۴۶ - ص ۹۱ - ۹۰
- ۴۷ - ص ۹۲ - ۹۲
- ۴۸ - ص ۱۰۱ - ۱۰۰
- ۴۹ - همان کتاب - شرکت سهامی زراعی داریوش - ص ۱۴۰
- ۵۰ - همان کتاب - درگزین و هدان - ص ۲۰۸
- ۵۱ - گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران از شرکت سهامی زراعی ارمامهر
 خرداد ۱۳۵۲ - ص ۱۵ - ۱۳
- ۵۲ - بیرامون روسبیگری در شهر تهران - ستاره فرمانفرمایان - از
 انتشارات اموزشگاه عالی خدمات اجتماعی (۱۳۴۲)
- ۵۳ - منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت - انر فرد ریک انگلمن -
 ترجمه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۹۸
- ۵۴ - مجله New Republic - اکبر ۱۹۷۳ - ۵۴
- ۵۵ - همانجا
- ۵۶ - همانجا
- ۵۷ - Nomads of Iran - ۵۷
- ۵۸ - خاطراتی از یک رفیق یادداشتی چریک فدائی خلق، رفیق هرضیه
 احمدی اسکوئی - از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -
 ص ۱۲۴

- ۶۹ - اختناف ایران - هیجان شوستر
 ۷۰ - تاریخ مشروطه ایران - احمد کسری
 ۷۱ - از نشریات سیاسی خارج از کشور
 ۷۲ - تجربیات پک سال جنگ چریکی در ایران - از نشریات سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۸۴ - ۸۳
 ۷۳ - نبرد خلق شماره ۲ - ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق
 ایران - ص ۴۹
 ۷۴ - حماسه مقاومت - نوشته چریک فدائی اشرف دهقانی - از
 انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - ص ۲۱ و ۲۲
 ۷۵ - همان کتاب
 ۷۶ - نبرد خلق - شماره ۲ - ص ۱۵ و ۱۶
 ۷۷ - خاطراتی از یک رفیق - یادداشت‌های چریک فدائی خلق -
 رفیق شهید مرضیه احمدی اسکونی - از انتشارات سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران - ص ۳
 ۷۸ - کلیه این اسامی از نشریات سازمانهای انقلابی درون کشور
 ارگانهای سازمانهای دانشجویی و سیاسی خارج از کشور اخذ گردیده
 است .
- | | |
|---|------|
| German Ideology, K. Marx, F. Engels
International Publishers
Women and Socialism, A. Bebel | - ۶۹ |
| ص ۲۱ - از انتشارات
- ۲۰ | ص ۳۵ |
| Emancipation of Women
International Publishers
Emancipation of Women | - ۲۱ |
| ص ۹۰ از انتشارات | - ۲۲ |
| International Publis. res. ۶۹ - ۲۰ از انتشارات
Emancipation of Women
International Publishers | - ۲۳ |
| ص ۲۴ از انتشارات | |

- ۲۴ - مانو تسه دون - منتخب اثار - چاپ بکن

Joseph Stalin, The International Woman's Day, 1925, taken from Women and Communism
Day, 1925, taken from Women and Communism
Greenwood Press

۲۵ - از اشارات ص ۴۴ و ۴۳

۲۶ - و. لینین - "ابتکار عظیم" منتخبات لینین - جلد ۲

۲۷ - قسمت ۲ - ص ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۹۲

۲۸ - August Bebel, Woman and Socialism - ۲۲

۲۹ - ص ۵۲۰ - ۵۱۹

۳۰ - و. لینین - جلد ۳ - ص ۱۰۵

۳۱ - و. لینین - جلد ۳ - ص ۲۵

۳۲ - تمام سوسیالیزم از تخیل به علم - ف. انگلش - به نقل از فوریه - ص ۲۶ - اثار منتخب مارکس و انگلش

۳۳ - تمام سوسیالیزم از تخیل به علم - ف. انگلش - به نقل از فوریه - ص ۱۰۱ - اثار منتخب مارکس و انگلش

۳۴ - منشاء خانواده مالکیت خصوصی و دولت - ترجمه سازمان چریکهای فدالی خلق ایران - ص ۱۶

۳۵ - و. لینین - ابتکار عظیم - منتخبات لینین

۳۶ - و. لینین - کلیات اثار - جلد ۲۳ - ص ۶۲

۳۷ - و. لینین - "ابتکار عظیم" - منتخبات لینین - جلد ۲

۳۸ - قسمت ۲ - ص ۲۸

۳۹ - ف. انگلش - اصول کمونیزم - ص ۹۴ - از اثار منتخب مارکس و انگلش

۴۰ - برنامه حزب کمونیست شوروی - ص ۲۸

۴۱ - از انقلاب در روابط تولیدی از کتاب "دریاره" مسائل کذار - شارل بتلهایم

۴۲ - و. لینین - جلد ۳ - ص ۲۶۳

- Inside People's Commune 1974 - ٩٠
 Foreign Language Press, Peking ١٨٥ - از انتشارات
 New Women in New China - ١١
 Foreign Language Press, Peking از انتشارات
 The Review of Radical Political ١٢
 Economics- Vol. 8, No.1 Spring 1976
 Social Insurance in Albania - ١٣
 The Naim Frasherri Publishing House,
 Tirana, 1969 ٢٩ و ٣٠ - مطابق تحریره
 Cuban Women Now, Margaret Fandall - ١٤
 Canadian Women Education Press از انتشارات
 ١٦ و ١٥ - مطابق
 Women in Struggle, Latin America - ١٧
 and Empire Report, Vol.6(10), Dec. 72
 Women under Torture, 1973 - ١٨
 Indochina Peace Campaign ٢٤ - از انتشارات
 ١٨ - مطابق کتاب - ص ٦
 Women of Vietnam, Ariene Eisen - ١٩
 Bergman, 1975 ٢٠٠ - مطابق
 People's Press از انتشارات
 ١٠٠ - مطابق کتاب - ص ٤٩
 ١٠١ - مطابق کتاب - ص ٢٣، ٢٠٩، ٢٠٠
 Sarudzai Churucheminz, Why I joined - ١٠٢
 ZANLA Women's Detachment-Zimbabwe News, 1974
 Fungai Ticharapedza, Zimbabwe Women - ١٠٣
 Zimbabwe News, May 1974 ٧

- ۱۰۴ - همانجا
۱۰۵ - همانجا
۱۰۶ - همانجا
۱۰۷ - دانشجو - نظره ۲ - ۱۳۰۴ - ص ۲۸
- ۱۰۸ - از متن مصاحبه Fred Halliday با دولت از اعضا Women in the Middle East کروه زنان جنگجوی از شریه Women's Middle East study Collective - ۱۰۹
- The Review of Radical Political Economics, Vol. 8, No. 1, Spring 1976 - ۱۱۰

قيمة ٧٠ ريال